سیمای فرشتگان

از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

با نظارت دکتر محمد بیستونی

به اهتمام [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

سیمای فرشتگان

نویسنده:

لیلا حمداللهی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیمای فرشتگان (در قرآن و نهج‌البلاغه)

مشخصات کتاب

سرشناسه : حمداللهی لیلا، - ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور : سیمای فرشتگان (در قرآن و نهج‌البلاغه =Angels in Qur'an and Nahj - ol - balaghah/ به‌اهتمام لیلا حمداللهی بانظارت محمد بیستونی
وضعیت ویراست : [ویراست]۲
مشخصات نشر : قم : بیان جوان ، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص ۱۲ X۱۷س‌م
شابک : ۹۶۴-۸۳۹۹-۴۶-۸۱۵۰۰۰ ریال :
یادداشت : فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا
یادداشت : چاپ دوم
یادداشت : کتابنامه ص [۲۰۰ - ۱۹۴]؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع : فرشتگان (اسلام
شناسه افزوده : بیستونی محمد، - ۱۳۳۷
رده بندی کنگره : BP۲۲۶/ح‌۸س‌ ۹ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۷
شماره کتابشناسی ملی : م‌۸۴-۴۷۳۸۹

فهـرســت مطالــب

(۲۳۰)

(۲۳۱)

فهـرست مطالـب

موضـوع صفحـه

(۲۳۲)

(۲۳۳)

فهـرست مطالـب

موضـوع صفحـه

(۲۳۴)

(۲۳۵)

فهـرست مطالـب

موضـوع صفحـه

(۲۳۶)

(۲۳۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۳۸)

(۲۳۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۴۰)

(۲۴۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۴۲)

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا
وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِْ
الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِْ قَلْبِهِ سَیِّدَهِْ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ
شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِْ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الاْئِمَّهِْ التِّسْعَهِْ
الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ سِیَّما بَقِیَّهِْ اللّهِ فِی الاْرَضینَ وَ وارِثِ عُلُوم
الاْنْبیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَهِْ وَ الْمُدَّخِرِ لاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،
الْحُجَّهِْبْنِ‌الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ
الاْوْلِیاءَوَیامُذِلَ‌الاْعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ‌الْمُتَّصِلُ‌بَیْنَ‌الاْرْضِ‌وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا وَ اَهْلَنَا الضُّـــرَّ فی غَیْبَتِـــکَ وَ فِراقِـــکَ وَ جِئْنـا بِبِضاعَـهٍْ
مُزْجاهٍْ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ
فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِْ رَحْمَهٍْ مِنْکَ
اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ
(۴)
(۵)

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه خزعلی مفسّر و حافظ کل قرآن کریم

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هر زمـانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسـته‌هایی نو نو پدیـد می‌آیـد که مردم آن دوران خواهان آننـد. با وسائل صـنعتی و رسانه‌های بی‌سابقه خواسته‌ها مضاعف می‌شود و امروز با اختلاف تمـدن‌ها و اثرگـذاری هریک در دیگری آرمان‌های گوناگون و خواسـته‌های متنـوع ظهور می‌یابـد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودسـاخته در برابر این هنجارهـا فرض است تـا کمر خـدمت را محکم ببندنـد و این خلأ را پر کننـد همان‌گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را بایـد دست گرفت و بر سـر سـفره این پژوهشـگران نشانـد و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیسـتونی رئیس هیئت مدیره مؤسسـه قرآنی تفسیر جوان
(۶)

به فضل الهی این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشـمند مفسـران را با زبانی ساده و بیانی شـیرین، پیراسـته از تعقیدات در اختیار نسـل

جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله‌ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۷)

(۸)

مقدمه چاپ دوّم

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و قانون اساسی دین مبین اسلام «هُدیً للناس» است(۱) و برای راهنمایی همه مردم نازل شده است . بر همین اساس دعوت پیامبران نیز با همان زبان معمولی و رایج که برای همه گروه‌های سنّی و تحصیلی قابل فهم باشد صورت می گرفته و هرگز از کلمات پیچیده و مرموز و نامفهوم برای ایجاد ارتباط با مردم استفاده نمی کردند . قرآن کریم به این روش شایسته تبلیغ و ارشاد طبقات مختلف مردم صراحت داشته می‌فرماید: وَ ما اَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ اِلّا بِلِسانِ

۱– ۱۸۵ / بقره.

مقدمه (۹)

قَوْمِهِ‌لِیُبَیِّنَ لَهُم ... (۱) (ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان عادی قومش تا بتواند به سادگی با مردم ارتباط برقرار کرده و حقایق را برای آن‌ها آشکار سازد) .

بنابراین باید روش‌های متنوع و جدیدی ارائه شود تا مخاطبین دبستانی تا دانشگاهی قرآن کریم یعنی همان مصادیق مختلف واژه «ناس» بتوانند متناسب با درک و فهمشان «پیام قرآن» را دریابند و با آن ارتباط برقرار کنند و از طریق «تدبّر و تفکّر» ، با آن «مأنوس» شوند یعنی خود را مخاطب قرآن قراردهند و ثمره این انس ، تجلّی محتوای قرآن در رفتار و گفتار آن‌ها باشد .

۱– ۴ / ابراهیم .

(۱۰) مقدمه

از سوی دیگر در سه آیه شریفه ، قرآن خود را به‌عنوان «شفابخش» معرفی نموده (۱) و قرآن ناطق علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام نیز در خطبه‌های متعددی ، قرآن عظیم را «نسخه شفابخش همه دردهای انسان‌ها» می‌داند .(۲)

اینجانب‌درپاسخ‌به‌نیازروزافزون‌جامعه‌خصوصاجوانان‌عزیز،برای‌اولین بار روش انس با قرآن ویژه جوانان را از طریق «کارگاه آموزشی روش تحقیق موضوعی از قرآن کریم » [(Refrence guide of Quran Sources) ابداع نموده و به ثبت رساندم .

این روش جدید ، حاصل تجارب عملی ۲۰ ساله این حقیر در تدریس جلسات

۱– آیات ۵۷ / یونس ، ۸۲ / اسراء و ۴۴ / فصّلت .

۲– خطبه‌های ۱۱۰ ، ۱۵۸، ۱۷۶ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۱۰۰ و... .

مقدمه (۱۱)

تفسیرموضوعی‌قرآن‌کریم‌می‌باشد که فقط درطول‌سه‌سال‌گذشته‌حدود ۳۰/۰۰۰ نفر به صورت حضوری آن را فراگرفته‌اند و مورد استقبال گسترده واقع شده.

به کمک این روش که در یک جلسه حضوری چهار ساعته به‌سادگی قابل یادگیری است ، به سرعت و سادگی امکان «مراجعه موضوعی» به تفاسیر قرآن کریم حتی برای «قرآن پژوهان جوانی که بازبان عربی آشنا نیستند» فراهم‌می گردد .

«روش انس با قرآن» مانند آموزش ماهیگیری به خریداران ماهی است و حضور درکلاس‌های تفسیر قرآن‌کریم همچون استفاده از ماهی یعنی به جای آن که فقط یک نفر یا یک گروه «ماهی بگیرند» و گروه دیگری فقط «مصرف‌کننده» باشند، آیا بهتر نیست «روش ماهیگیری ، قایق سواری و شنای در دریا» را یادبگیریم و به دیگران نیز

(۱۲) مقدمه

آموزش دهیم؟ زیرا در اینصورت به‌جای یک ماهیگیر، هزاران ماهیگیر جوان خواهیم داشت و بجای مصرف ماهی صید شده توسط دیگران، خودمان ماهی را صید می‌کنیم که لذتی مضاعف دارد.

درکار با تفسیر قرآن نیز استدلال همین است . بنده ضمن آنکه برگزاری جلسات تفسیر قرآن را کار مقدس و مبارکی می‌دانم، اعتقاد دارم بهتر است با توجه به کمبود وقت مردم خصوصا جوانان عزیز، به خود آن‌ها روش مراجعه موضوعی فوری به تفسیرهای قرآن کریم را آموزش دهیم تا در هر فرصت مناسب ، در صورتی که حال و حوصله و نشاط داشته باشند، خودشان بدون حضور مکرر به استاد ، ابزار کار را در دست گرفته و در دریای زیبا و سراسر شگفتی و عظمت قرآن‌کریم وارد شوند .

مقدمه (۱۳)

آنگاه خواهند دید که مراجعه مستقیم به قرآن کریم و تفسیرهای فراوان و متنوعی‌که هرکدام گلی‌از این گلستان زیبا را مورد ارزیابی و تشریح قرارداده‌اند ، چه لذّت عمیق و پایداری را در سراسر وجود آن‌ها ایجاد خواهد کرد و همین تکرار دل نهادن به دریا و راز و نیاز با امواج آرام بخش آن موجب «انس با دریا» خواهد شد که هیچ چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد و این‌همان چیزی‌که ما تحت عنوان «روش انس با قرآن» به دنبال آن هستیم .

هم اکنون «کارگاههای آموزشی روش تحقیق موضوعی از قرآن کریم» با نظارت و برنامه‌ریزی «مؤسسه قرآنی تفسیر جوان» و مسئولین محترم مراکز قرآنی در بسیاری از دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و مراکز دولتی و خصوصی راه‌اندازی شده است .

(۱۴) مقدمه

در کارگاه‌های یادشده پس از آن که قرآن‌پژوهان عضو، روش انس با قرآن را فراگرفتند یک موضوع به انتخاب خود آن‌ها مشخص می‌گردد تا با ارائه تحقیق موضوعی از قرآن کریم مهارت خود را تجربه کنند . در طول مدت آموزش و تحقیق ، نظارت تخصصی بر پروسه تحقیق صورت می‌گیرد و در پایان اثر نهایی توسط مؤسسه قرآنی تفسیر جوان آماده‌سازی و با حمایت و سرمایه‌گذاری «انتشارات قرآنی بیان جوان» تحقیقات متین و کاربردی قرآن‌پژوهان جوان چاپ و منتشر می گردد .

کتابی که ما و شما هم‌اکنون در محضر آن هستیم یکی از ثمرات ارزنده «کارگاه آموزشی تفسیر جوان» در تهران می‌باشد که توسط قرآن‌پژوه جوان و لایق سرکار خانم لیلا حمد اللّهی براساس طرح «روش انس باقرآن»

مقدمه (۱۵)

تألیف شده و محور تحقیق بحث جذّاب و خواندنی و کاربردی «سیمای فرشتگان در قرآن و نهج‌البلاغه» می‌باشد .

مؤلف محترمه این کتاب با بررسی تمامی آیاتی که درباره فرشتگان مطلبی داشته‌اند تحقیق جامعی را از تفاسیر معتبر بعمل آورده و «تحقیق موضوعی» خود را بافرمایشات مولای‌متقیان حضرت علی بن ابیطالب مزیّن‌ساخته و در مجموع اثری را به نسل جوان ارائه

نموده که بـدون شـکّ بـا مطالعه و توجه به وظایف دو جانبه انسان‌ها و فرشـتگان ، می‌توانـد تأثیر عمیقی در زنـدگی و رفتار آن‌ها داشته باشد .

امیدوارم خداوند منّان این قبیل تلاش‌های قرآنی را برای روزی ذخیره نماید که به جز نیّت و عمل خالصـانه هیـچ چیـز دیگـری کـارسـاز نخواهد بود .

(۱۶) مقدمه

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران، نیمه شعبان المعظّم ۱۴۲۶

۲۹ شهریور ۱۳۸۴

مقدمه (۱۷)

مقـــدمـــه مـؤلـف

صحبت کردن دربـاره وجود ، خلقت ، مأموریت‌هـا ، وظـایف ، انواع ، مـذکّر یـا مؤنث بودن فرشـتگان جز با رجوع به آیات قرآن و استناد به منبع وحی الهی هیچ‌گونه وجاهت علمی و عقلی ندارد . اکنون که قدم در راهی بی‌پایان گذاشـته‌ایم و سـخن از داسـتانی بی‌انتهـا آغـاز کرده‌ایم بسـی مغتنم است که اوّلین تلاش خود را به حاملان وحی الهی و مأموران و گرداننـدگان کون و مکان یعنی فرشـتگان اختصاص دهیم و با نگارش این مطالب زوایایی هرچنـد کـوچـک و انـدک از سیمـای فـرشـتگان را در آیات الهی و نهج‌البلاغه حضـرت علـی علیه‌السلام که تـأویـل کننـده راستیـن آیـات نـورانـی قـرآن کـریـم است ، معرفی کنیم .

بی‌شکّ این نوشتار به جهت اینکه اولین تجربه نوشتاری بنده می‌باشد خالی از اشکال نخواهد بود .

(۱۸) مقدمه مؤلف

لیکن از اینکه با راهنمایی و ارشادات استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر بیسـتونی جرأت نوشـتن را پیـدا کرده‌ام ، خدای را شاکرم و امیـدوارم در سـایه توجّهـات ایزد منّـان و بـا معاضـدت و پشتیبانی فکری و معنوی همسرم جناب آقای رحیم خاکی که خود از اهل قرآن می‌باشند بتوانم خدمتی هرچند ناچیز به علاقمندان آشنایی با مفاهیم قرآن برداشته باشم .

لیلا حمداللّهی

تهران ـ خرداد ماه ۸۲

مقدمه مؤلف (۱۹)

تعـــریف فـرشته از دیـدگاه قـرآن کـریم

فرشته در قرآن کریم تحت عنوان مَلَک مطرح شده است و جمع آن مَلائِکَه است .

این کلمه به صورت مفرد و تثنیه و جمع آن در حدود ۸۰ بار در قرآن مجید آمده است و مراد از آن پیوسته فرشته و فرشتگان است . هر یک از ملائکه رسـالت بخصـوصی دارنـد چنـانکه در سوره فـاطر آیـه (۱) می‌فرماید :

« جاعِلِ الْمَلائِکَهِ رُسُلًا اُولی اَجْنِحَهٍ مَثْنی وَ ثُلثَ وَ رُبَعَ یَزیدُ فِی الْخَلْقِ ما یَشـاءُ اِنَّ اللّهَ عَلـی کُلِّ شَـیْءٍ قَـدیـرٌ » .

خـداونـدی کـه فـرشـتگـان را رسـولانی قـرار داد که صاحب بال‌های دوگانه ، سه‌گانه ، چهارگانه‌اند ، او هـر چـه بخـواهد در آفـرینش می‌افـزاید ، او بـر هـر چیـزی قـادر است .

(۲۰) سیمای فرشتگان

و در سوره حج آیه ۷۵ می‌فرماید : « اَللّهُ یَصْطَفی مِنَ الْمَلائِکَةِ رُسُلاً وَ مِنَ النّاسِ » خداوند از فرشتگان رسولانی برمی گزیند و همچنین از انسان .

ظاهرا راجع به آوردن وحی می‌باشد که رسولی از ملائکه ، وحی را به

پیامبران می‌آورد و رسولی از مردم آن را به انسان‌ها می‌رساند (۱) .

خلقت ملائکه

در اینکه ملک از چه چیزی خلق شده در قرآن کریم مطلبی نیست فقط درباره جنّ هست که از آتش به خصوصی آفریده شده است .

حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه هنگامی که سخن از عظمت فرشتگان

۱- قاموس قرآن قرشی .

سیمای فرشتگان (۲۱)

پروردگار در میان است می‌فرماید : «بعضی از فرشتگان چنان عظمت دارند که پاهایشان در طبقات پایین زمین ثابت است و گردنشان از آسمان برین برتر ، ارکان وجودشان از اقطار جهان بیرون رفته و شانه‌هایشان برای حمل عرش پروردگار متناسب است» پیداست که این گونه تعبیرات را بر جنبه‌های جسمانی مادی نمی‌توان حمل کرد بلکه بیانگر عظمت معنوی و ابعاد قدرت آنها است .

بدون شک با این اوصاف فرشتگان نمی‌توانند از این ماده کثیف عنصری باشند ولی مانعی ندارد که از اجسام لطیف آفریده شده باشند . اجسامی مافوق این ماده معمولی که ما با آن آشنا نیستیم .

اثبات «تجرّد مطلق» برای فرشتگان حتی از زمان و مکان و اجزاء کار آسانی

(۲۲) سیمای فرشتگان

نیست . مهم آن است که ما فرشتگان را به اوصافی که قرآن و روایات مسلّم اسلامی توصیف کرده بشناسیم و آن‌ها را صنف عظیمی از موجودات والا و برجسته خداوند بدانیم بی‌آنکه مقامی جز مقام بندگی و عبودیت برای آنها قائل باشیم و آنها را شریک خدا در خلقت و عبادت بدانیم که این شرک و کفر محض است .

ملائکه در قرآن (ویژگی‌های ۱۰گانه ملائکه)

به طور کلی قرآن مجید ویژگی‌های فرشتگان را چنین بیان می کند :

۱ـ فرشتگان موجوداتی عاقل و باشعورند و بندگان گرامی خدا هستند (بَلْ عِبادٌ مُکْرَمُونَ) (۱) .

۱- آیه ۲۶ / سوره انبیاء.

سیمای فرشتگان (۲۳)

۲ـ فرشتگان سربه‌فرمان‌خداداریندوهرگزمعصیت نمی کنند (لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِاَمْرِه یَعْمَلُونَ) (۱).

۳ـ آنها پیوسته مشغول تسبیح و تقدیس خداوند هستند چنانکه می‌خوانیم : «فرشتگان تسبیح و حمد پروردگار خود را به جای می‌آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند» (۲).

۴ـ با این حال انسان به حسب استعداد تکامل از آنها برتر و والاتر است تا آن‌جا که همه فرشتگان بدون استثناء به خاطر

آفرینش آدم به سجده افتـاند و آدم معلّـم آن‌هـا گشـت .

۱- آیه ۲۷ / سوره انبیاء .

۲- آیه ۵ / سوره شوری.

(۲۴) سیمای فرشتگان

۵ـ آن‌گاه به صورت انسان درمی‌آیند و بر انبیاء و حتی غیرانبیاء ظاهر می‌شوند «فرشته بزرگ الهی به صورت انسان موزون بر مریم ظاهر شد» (۱) و در جای دیگر آمده «به صورت انسان‌هایی بر ابراهیم و بر لوط ظاهر شدند» (۲) .

آیـا ظهـور در چهـره انسـان یک واقعیت عینی است یا به صورت تمثل و تصرف در قوه ادراک ؟

ظاهر آیات قرآن معنی اول است یعنی واقعیتی عینی است .

۶ـ آن‌هـا نـه خـواب دارنـد و نـه سستی و غفلـت می‌کنند چنـانکه

۱- آیه ۱۷ / سوره مریم .

۲- آیه ۶۹ / سوره هود.

سیمای فرشتگان (۲۵)

حضـرت علـی علیه‌السلام در حـدیثـی چنیـن مـی‌گـویـد :

«در آنها نه سستی و نه غفلت و نه عصیان است ، خواب بر آن‌ها چیره نمی‌گردد و عقل آن‌ها گرفتار سهو و نسیان نمی‌شود بدن آن‌ها به سستی نمی‌گراید و در صلب پدران و رحم مادران قرار نمی‌گیرند» (۱).

۷ـ آنها مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند بعضـی همیشه در رکوعند و بعضـی همیشه در سجودند چنانکه می‌فرماید : «هریک از ما مقام معلومی دارد ، ما همواره صف کشیده منتظرفرمان او هستیم و پیوسته‌تسبیح او می‌گوییم» (۲).

امـام صـادق علیه‌السلام می‌گـویـد : «خـداونـد فـرشتگـانـی دارد که تا روز

۱- بحارالانوار جلد ۵۹ ، صفحه ۱۷۵ .

۲- آیات ۱۶۴ ـ ۱۶۶ / سوره صافات.

(۲۶) سیمای فرشتگان

قیـامـت در رکـوعنـد و فـرشتگـانی دارد که تا قیامت در سجودند» (۱) .

۸ـ از روایات اسلامی استفاده می‌شود که تعداد آن‌ها به قدری زیاد است که به هیچ وجه قابل مقایسه با انسان نیست چنانکه درروایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خـوانیـم ، هنگـامی کـه از آن حضـرت پـرسیـدنـد آیـا عـدد فرشتگان بیشتراست یا انسانها؟فرمودند :

«سوگند به خدایی که جانم در دست اوست فرشتگان خدا در آسمان‌ها بیشترند از عدد ذرّات خاک‌های زمین و درآسمان جای‌پایی نیست‌مگر اینکه در آنجا فرشته‌ای تسبیح و تقدیس خدا می‌کند» (۲).

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۹ ، صفحه ۱۷۴.

سیمای فرشتگان (۲۷)

۹ـ آنهـا نـه غـذا می‌خـورنـد و نـه آب می‌نوشنـد و نه ازدواج می‌کنند .

۱۰ـ فرشتگان وظایف مهم و بسیار متنوعی از سوی خداوند برعهده دارند :

ـ گروهی حـامـلان عـرشنـد (۱۷ / حاقه)

ـ گروهی مـدبـرات امـرنـد (۵ / نازعات)

ـ گروهی فرشتگان قبض روحند (۳ / اعراف)

ـ گروهی مراقبان اعمال بشرند (۱۰ / انفطار)

ـ گروهی حافظان انسان از خطرات و حوادثند (۶۱ / انعام)

ـ گروهی مأمور عذاب و مجازات اقوام سرکشند (۷۷ / هود)

۱- بحارالانوار، جلد ۵۹، صفحه ۱۷۶.

(۲۸) سیمای فرشتگان

ـ گروهی امدادگران الهی نسبت به مؤمنان در جنگ‌ها هستند (۹ / احزاب)

ـ گروهی مبلغان‌وحی‌وآورندگان کتب آسمانی برای انبیاء می‌باشند (۲/نحل)

حضرت علی علیه‌السلام در نخستین خطبه نهج‌البلاغه آنجا که سخن از فرشتگان می‌گوید : آن‌ها را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کند و می‌فرماید : «گروهی از آنان در صفوفی که از هم پراکنده نمی‌شوند قرار دارند . همواره تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند ، هیچگاه خواب چشمانشان را نمی‌پوشاند ، عقولشان گرفتار سهو و نسیان نمی‌گردد ، سستی بدن دامان آنها را نمی‌گیرد ، غفلت نسیان بر آن‌ها عارض نمی‌شود و گروهی از آنان امنای وحی اویند در زبانهایش به سوی پیامبران» .

چند دسته از فرشتگان

سیمای فرشتگان (۲۹)

« وَالنّازِعاتِ غَرْقا » : سوگند به فرشتگانی که ارواح مجرمان را به شدت از بدن‌هایشان می‌کشند .

« وَ النّاشِطاتِ نَشْطا » : و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را بامدارا و نشاط جدا می‌سازند .

« وَالسّابِحاتِ سَبْحا » : و سوگند به فرشتگانی که در اجرای فرمان الهی با سرعت حرکت می‌کنند .

« فَالسّابِقاتِ سَبْقا » : و سپس بر یکدیگر پیشی می‌گیرند .

« فَالْمُدَبِّراتِ اَمْرا »: و آن‌ها که امور را تدبیر می‌کنند .

النّازِعاتْ : از ماده (نزع) به شدت چیزی را از جا برمی‌کنند .

النّاشِطاتْ : از ماده (نشط) به آسانی می‌گشایند و جدا می‌کنند .

(۳۰) سیمای فرشتگان

السّابِحاتْ : از ماده (سَبْح) حرکت سریع در هوا می‌کنند .

السّابِقاتْ : از ماده (سَبْقَت) سبقت و پیشی می‌گیرند .

الْمُدَبِّراتْ : از ماده (تدبیر) به معنی پیشی و سبقت .

غَرْقا : بر وزن فَرْق به معنی اِغْراق : کشیدن کمان تا آخر .

نَشْطا : نشاط .

سَبْحا : سرعت .

سَبْقا : تقدّم ، پیش افتادن .

اَمْرا : کار و چیز ، جمع آن امور است .

در این آیات به پنج موضوع مهم قسم یاد شده و هدف از سوگندها بیان حقانیّت و تحقق مسأله معاد است . منظور از این سوگندها «فرشتگانی» است که

سیمای فرشتگان (۳۱)

مأمور قبض ارواح کفّار و مجرمانند که آنها را به شدت از بدن‌هایشان برمی‌کشند ، ارواحی که هرگز حاضر به تسلیم در برابر حقّ نبودند و فرشتگانی که مأمور قبض ارواح مؤمنانند که بامدارا و نرمش و نشاط آن‌ها را جدا می‌سازند و فرشتگانی که در اجرای فرمان الهی با سرعت حرکت می‌کنند سپس بریکدیگر پیشی می‌گیرند و سرانجام امور جهان را به فرمان او تدبیر می‌کنند .

در روایتی از حضرت علی علیه‌السلام می‌خوانیم که در تفسیر آیه اول فرمود : «منظور فرشتگانی است که ارواح کفّار را از بدنهایشان به شدت بیرون می‌کشند . آن چنانکه تیرانداز ، کمان را تا آخرین مرحله می‌کشند» (۱).

۱- نورالثقلین ، جلد ۵ ، صفحه ۴۹۷.

(۳۲) سیمای فرشتگان

منظور از این سوگندها در مجموع فرشتگان است در رابطه با اجرای کامل فرمان‌های الهی که اجرای این فرمان‌ها در پنج مرحله به شرح زیر تحقق می‌یابد .

- حرکت شدید نخستین به دنبال تصمیم‌گیری قاطع
- مرحله راه افتادن آرام
- مرحله سرعت‌گرفتن
- مرحله پیشی جستن
- مرحله تدبیر و سامان دادن امور و کارها

صفات فرشتگان

« وَ ما مِنّا اِلّا لَهُ مَقامٌ مَعْلُومٌ »(۱) : هریک از ما مقام معلومی داریم .

سیمای فرشتگان (۳۳)

« وَ اِنّا لَنَحْنُ الصّافُّونَ »(۱) : و ما همگی به صف ایستاده‌ایم .

« وَ اِنّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ »(۲) : و ما همگی تسبیح او می‌گوییم .

مَقامٌ : رتبه ، مقام ، جا

مَعْلُومٌ : مشخص

الصّافُّونَ : صف ایستاده‌ایم

الْمُسَبِّحُونَ : تسبیح و تنزیه خدا از هر بدی می‌کنیم .

۲ و ۳ و ۴ - آیات ۱۶۴ - ۱۶۶ / سوره صافات.

(۳۴) سیمای فرشتگان

در حقیقت آیات سه‌گانه فوق به سه قسمت از صفات فرشتگان اشاره می‌کند : نخست اینکه هر کدام رتبه و منزلتی دارند که از آن تجاوز نمی‌کنند ، دیگر اینکه آنها دائما آماده اطاعت فرمان خدا در عرصه آفرینش و اجرای اوامراو در پهنه عالم‌هستی هستند، سوم اینکه آنها پیوسته تسبیح خدا می‌گویند و او را از آنچه لایق مقامش نیست منزه می‌شمرند .

قابل توجه اینکه جمعی از مفسّران ذیل این آیات حدیثی از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده‌اند که فرمود :

«در تمام آسمان‌ها حتّی به اندازه یک وجب مکانی وجود ندارد مگر اینکه در آن‌جا فرشته‌ای است که نماز می‌خواند و تسبیح خدا می‌گوید» (۱) .

۱- تفسیر قرطبی ، جلد ۸ ، صفحه ۵۸۱.

سیمای فرشتگان (۳۵)

و در نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین آمده است : «روزی به دوستان که در گردش نشسته بودند فرمود : آسمان (از سنگینی بار خود) ناله کرد و حق دارد ناله کند چراکه در آن به اندازه جای پایی نیست مگر اینکه فرشته‌ای بر آن در حال رکوع یا سجود است» (۱) .

این تعبیرهای گوناگون کنایه لطیفی است از اینکه عالم هستی پر است از فرمانبرداران پروردگار و تسبیح‌کنندگان برای او .

در سوره نحل ، آیه ۵۰ به دو صفت از صفات فرشته اشاره شده است .

« یَخافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ یَفْعَلُونَ ما یُؤْمَرُونَ » : آنها از مخالفت پروردگارشان که حاکم بر آنها است می‌ترسند و آنچه را مأموریت دارند انجام می‌دهند .

۱- تفسیر المیزان ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۸۸.

(۳۶) سیمای فرشتگان

یَخافُونَ : از ماده (خُوفْ) می‌ترسند .

فَوْق : بالا .

مِنْ فَوْقِهِمْ : اشاره به برتری مقامی دارد .

یَفْعَلُونَ : از ماده (فَعَلَ) ، انجام می‌دهند .

یُؤْمِرُونَ : از ماده (اَمَرْ) ، امر شده ـ دستور داده شده .

در این آیه خداوند بلافاصله به دو قسمت از صفات فرشتگان که تأکیدی بر نفی استکبار است اشاره کرده و می‌گوید : آنها در اطاعت فرمان خدا سرپیچی نمی‌کنند و می‌ترسند و آنچه را مأموریّت دارند به خوبی انجام می‌دهند .

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که نشانه نفی استکبار دو چیز است :

سیمای فرشتگان (۳۷)

ترس در برابر مسئولیّت‌ها و انجام فرمان‌های‌خدا بدون چون و چرا، که یکی اشاره به وضع روانی افراد غیرمستکبر و دیگری اشاره به طرز عمل آنها و برخوردشان با قوانین و مقرّرات و دستورات و دوّمی انعکاسی از اوّلی و تحقّق عینی آن است .

ـ فرشتگان «کرام» و «بررة»

« بِاَیْدی سَفَرَةٍ » (۱) : به دست سفیرانی است .

« کِرامٍ بَرَرَةٍ » (۲) : والامقام و فرمانبردار و نیکوکار .

۱- آیه ۱۵ / سوره عبس.

۲- آیه ۱۶ / سوره عبس.

(۳۸) سیمای فرشتگان

اَیْدی : جمع «یَدْ» به معنی دست‌ها .

سَفَرَةٍ : جمع (سافِر) به معنی کاتبان ، سفیران .

کِرام : جمع (کریم) به معنی عزیز و بزرگوار .

بَرَرَةٍ : جمع (بار) به معنی وسعت و گستردگی .

«سَفَرَهْ» : بر وزن طلبه جمع «سافِرْ» از ماده «سَفَرْ» در اصل به معنی پرده‌برداری از چیزی است و لذا به کسی که میان اقوام رفت و آمد دارنـد تا مشـکلات آنها را حل کننـد و از مبهمات پرده بردارند «سـفیر» گفته می‌شود . به شـخص نویسـنده هم «سافر» می گویند که بنابراین منظور از «سَفَرَهٍ» در اینجا فرشتگان الهی است که سفیران وحی یا کاتبان آیات او هستند . در حدیثـی از

سیمای فرشتگان (۳۹)

امـام صادق علیه‌السـلام می‌خوانیم که فرمود : « اَلْحافِظُ لِلْقُرْآنِ اَلْعامِلُ بِه مَعَ السَّفْرَهِ الْکِرامِ الْبَرَرَهِ » : کسـی که حافظ قرآن باشـد و به آن عمل کند با سفیران بزرگوار ، فرمانبردار و نیکوکار الهی خواهد بود .(۱)

«کِرام» به معنی بزرگوار است و اشاره به عظمت فرشـتگان وحی در پیشـگاه خداونـد و بلنـــدی مقـام آنهـا است و گاه گفته شـده این تعبیر اشاره به پاکی آنهـــا از هــرگــونـه گـنـــاه می‌بـــاشد .

«بَرَرَهْ» جمع «بار» از ماده «بَرّ» در اصل به معنی وسـعت و گسترد گی است و لـذا به صـحراهای وسـیع «بَرّ» گفته می‌شود و از آنجا که افراد نیکوکار وجودی گسترده دارند و برکات آنها به دیگران می‌رسد به آنها «بار» گفته شده البته

۱- مجمــع البیـــان ، جلــد ۱۰ ، صفحــه ۴۳۸ .

(۴۰) سیمای فرشتگان

منظور از نیکوکاری در آیه موردبحث اطاعت فرمان الهی و پاکی از گناه می‌باشـد و بــه ایــن تــرتیب خــداونــد فــرشـتگــان را به ســه وصـــف تـوصیف کرده :

ـ نخست‌اینکه‌آنهاسفیران‌وحاملان‌وحی‌الهی‌اند .

ـ دیگر اینکه آنها ذاتــا عــزیـز و گــرانمـایه‌اند .

ـ سوّمین وصـــف پـــاکی اعمـــال آنهـــا و اطـاعت و تسلیم و نیکوکاری است .

ـ فرشتگان شایسته فرمانبردار

خداوند در سوره انبیاء ، آیات ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ شـش مـورد از صفـات فرشتگـان را بیان کرده می‌فرماید : « وَ قالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَدا سُبْحانَهُ بَلْ عِبادٌ مُکْرَمُونَ » : آنهـا گفتنـد : خداونـد رحمـن فرزنـدی برای خـود برگزیـده منزّه اسـت (از ایـن عیب و نقص) اینهـا (فرشتگان) بندگان شایسته او هستند .

سیمای فرشتگان (۴۱)

« لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِاَمْرِه یَعْمَلُونَ » که هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیـــرنــد و به فــرمــان او عمـــل می کننــد .

« یَعْلَمُ ما بَیْنَ اَیْدیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یَشْفَعُونَ اِلّا لِمَنِ ارْتَضی وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِه مُشْفِقُونَ » او همه اعمال امروز و آینده آنها را می‌داند و هم گذشته آنها را و آن‌ها جز برای کسی که خدا را از او خشنود است شفاعت نمی‌کنند و از ترس او بیمناک هستند .

قالُوا : گفتند

اِتَّخَذَ : اخــذ کــرده ، برگزیده

الرَّحْمنُ : بسیـــار بخشنــده

وَلَدا : فرزند

(۴۲) سیمای فرشتگان

سُبْحانَـهُ : منـــزّه و پـــاک

عِبادٌ : از ماده «عَبْد» بندگـــان

مُکْرَمُونَ : شایسته و گـــرامی داشتــه‌شدگـــان

یَسْبِقُونَ : تقدم می گیرند ، پیشی می گیرند

لا یَسْبِقُونَ : پیشی نمی گیرند ، سبقت نمی گیرند

قَوْلِ : سخن ، حرف

یَعْمَلُونَ : عمل می کنند

لا یَشْفَعُونَ : شفاعت نمی کنند

اِرْتَضی : به معنی «رضا» است یعنی خشنودی

خَشْیَتْ : ترس توأم با تعظیم و احترام

سیمای فرشتگان (۴۳)

مُشْفِقُونَ : از ماده «اِشْفاقْ» توجه آمیخته با ترس .

خداوند در این آیه صفات فرشتگان را در شش قسمت بیان می کند :

۱ ـ آنها بندگان خدا هستند .

۲ ـ بندگانی شایسته و گرامی داشته شده ، آنها همچون بندگان گریزپا نیستند که تحت فشار تن به خدمت می‌دهند ، بلکه بندگانی هستند از هر نظر شایسته که راه و رسم عبودیت را خوب می‌دانند و به آن افتخار می کنند ، خدا نیز آنها را به خاطر اخلاقشان در عبودیت گرامی داشته و مواهب خویش را به آنها افزایش داده است .

۳ ـ آنها آن قدر مؤدب و تسلیم و سر بر فرمان خدا هستند که «هرگز در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند» .

(۴۴) سیمای فرشتگان

۴ ـ و از نظر عمل نیز آنها تنها فرمان او را اجرا می کنند پس به احاطه علمی پروردگار نسبت به آنها اشاره کرده می‌فرماید : خداوند هم اعمال امروز و آینده آنها را می‌داند و هم اعمال گذشته را ، هم از دنیای آنها آگاه است و هم از آخرتشان ، هم از قبل وجودشان و هم بعد از وجودشان . مسلما فرشتگان از این موضوع آگاهند که خدا یک چنین احاطه علمی به‌آنها دارد و همین عرفان (۱) سبب می‌شود که آنها نه سخنی قبل‌از او بگویند و نه‌از فرمانش‌سرپیچی کنند و به این ترتیب این جمله می‌تواند در حکم تعلیل (۲) برای آیه سابق باشد .

۱- شناخت عمیق.

۲- علت آوردن.

سیمای فرشتگان (۴۵)

۵ ـ بدون شک آنها که بندگان گرامی و شایسته خدا هستند برای نیازمندان شفاعت می کنند ولی باید توجّه داشت «هرگز برای کسی شفاعت نمی کنند مگر اینکه بدانند خدا از او خشنود است» .

مسلما خشنودی خداوند و اجازه شفاعت دادن او بی‌دلیل نمی‌تواند باشد حتما به خاطر ایمان راستین و یا اعمالی است که پیوند انسان را با خدا محفوظ می‌دارد . به تعبیر دیگر انسان ممکن است آلوده گناه شود ، ولی اگر رابطه خویش را با پروردگار و اولیای الهی به کلّی قطع نکند ، امید شفاعت درباره او هست ، امّا اگر پیوندش را از نظر خط فکری و عقیدتی به کلّی برید و یا از نظر علمی آن قدر آلوده بود ، که لیاقت شفاعت را از دست داد . در این موقع ، هیچ پیامبر مرسل یا فرشته مقرّبی شفاعت او نخواهد کرد .

(۱)

۱- فرستاده شده.

(۴۶) سیمای فرشتگان

ضمنااین جمله پاسخی است به آنان که می گفتند ، ما فرشتگان را عبادت می کنیم تا در پیشگاه خدا برای ما شفاعت کنند ،قرآن می گوید : آنها از پیش خود هیچ کاری نمی‌توانند بکنند و هر می‌خواهید باید مستقیما از خدا بخواهید ، حتی اجازه شفاعت شفیعان .

۶ - به خاطر همین معرفت و آگاهی است که «آنها تنها از او می‌ترسند» و تنها ترس او را به دل راه می‌دهند ، آنها از این می‌ترسند که گناهی انجام داده باشند بلکه از کوتاهی در عبارت یا ترک اولی بیمناکند .

جالب اینکه «خَشْیَتْ»ازنظر ریشه‌لغت‌به‌معنی‌هرگونه‌ترس‌نیست‌بلکه هرگونه

سیمای فرشتگان (۴۷)

ترسی است که تؤام با تعظیم و احترام و «مُشْفِقْ» از ماده «اِشْفاقْ» به معنی توجهی است که آمیخته با ترس باشد بنابراین ترس از خداوند ،همچون ترس انسان از یک حادثه وحشتناک نیست و همچون اشفاق همچون بیم انسان از یک موجود خطرناک نمی‌باشد بلکه ترس آنها آمیزه‌ای است از احترام،عنایت ، توجه ، معرفت ، احساس ،مسئولیت ، روشن است که فرشتگان با این صفات بر جسته و ممتاز و مقام عبودیت خالص هرگز دعوی خدایی نمی کنند .

بالهای فرشتگان

« اَلْحَمْدُلِلّهِ فاطِرِ السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِکَهِ رُسُلًا اُولی اَجْنِحَهٍٔ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ یَزیدُ فِی الْخَلْقِ ما یَشاءُ اِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ »(۱) ستایش

۱- سوره فاطر ، آیه ۱ .

(۴۸) سیمای فرشتگان

مخصوص خداوندی است که آفریننده آسمانها و زمین است ، خداوندی که فرشتگان را رسولانی قرار داد که صاحب بالهای دوگانه ، سه گانه چهار گانه‌اند ، او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید ، او بر هر چیزی قادر است .

اَلْحَمْدُلِلّهِ : ستایش برای خداست

فاطِرِ : آفریننده ، شکافنده

السَّمواتِ : آسمانها

الْاَرْضِ : زمین

جاعِل : قرار دهنده

سیمای فرشتگان (۴۹)

المَلائِکَهُٔ : جمع (مَلَکْ : فرشته) ، فرشتگان

رُسُلًا : جمع (رَسُول) به معنی فرستادگان

اَجْنِحَهٍٔ : بالها

مَثْنی : دو دو

ثُلاثُ : سه سه

رُباعَ : چهار چهار

یَزیدُ : از (زید) به معنی میافزاید .

خَلْقِ : آفـــرینش .

مـا یَشـاءُ : هـــر چـــــه بخـواهــد .

قَدیرٌ : توانا و اسماءٔ حسنی است . از آنجا که تدبیر این عالم از سوی

(۵۰) سیمای فرشتگان

پروردگـار بـه عهـده فرشـتگان گـذارده شـده بلاـ فاصـله از آفرینش و قـدرت‌های عظیمی کـه پروردگاردراختیارشـان گـذارده سخن‌می‌گوید: «جاعِلِ الْمَلائِکَةِ رُسُلا اُولی اَجْنِحَةٍ مَثْنی وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ»

منظور از بال‌های فرشـتگان‌آن هم‌بال‌های دوگانه ، سه‌گانه ، چهارگانه ، در اینجا قدرت جولان و توانایی بر اجرای ماموریت محوّله است زیرا بعضـی از آن‌ها نسبت به بعضی برتر و دارای توانایی بیشتراند و لذا برای آن‌ها سلسله مراتب در بال‌ها قایل شده که بعضی دارای چهار بال (مثنی : دو دو) و بعضـی دارای شـش بال (ثُلاثَ : سه سه) و بعضی دارای هشت بال (رُباعَ : چهار چهار) هستند در بعضـی از روایـات آمـده است « جبرئیـل ششـصد بـال دارد و هنگامی که با این حالت پیامبر اسـلام را ملاقات کرد مابین زمین و آسمان را پر کرده بود » (۱) با این که

۱- نـورالثقلیـن ، جلـد ۴ ، صفحه ۳۴۹.

سیمای فرشتگان (۵۱)

«خداونـد فرشـته‌ای دارد که ما بین نرمی گوش او تا چشـمش به اندازه پانصد سال راه به وسـیله پرنده‌ای است » (۱). اصولا می‌دانیم بـال تنهـا برای حرکـت در جـو زمیـن به کـار می‌رود چرا که در اطراف کره زمین را هـوای فشـرده گرفته و پـرنـدگـان به وسیلـه بالشـــان روی امـواج هـوا قـرار می‌گیـرند و می‌توانند بـالا و پـایین برود ولی از محیط جو زمین که خـارج شـویم در آنجـا که هوا نیست بـال کوچکترین تاثیری برای حرکت ندارد و از این نظر ، درست مانند سایر اعضاء می‌باشد .

بال و فرشتگان وسیله فعالیت و حرکت و قدرت است که قراین فوق برای این

۱- نــورالثقلیـن ، جلـد ۴ ، صفحه ۳۴۹.

(۵۲) سیمای فرشتگان

هـدف بـه قـدر کافی گـویـا اسـت . در حـدیثـی از امـام صادق (ع) آمده است که : « اَلْمَلائِکَةُ لا یَأْکُلُونَ وَ لا یَشْرَبُونَ وَ لا یَنْکِحُونَ وَ اِنَّما یَعیشُونَ بِنَسیمِ الْعَرْشِ » (فـرشـتگــان نه غــذا می‌خـورنـد و نــه آب می‌نـوشـند و نه ازدواج می‌کننـد آن‌هــا تنهــا با نسیـم عــرش (بال‌ها) زنده‌اند).

آیا رسالت فرشتگان تکوینی است یا تشریعی؟

رسـالت فرشـتگان که در آیه بالا آمـده است چه چیز است ؟ آیا رسالت تشـریعی است ؟ یعنی همان پیام آوردن از سوی خـدا برای انبیاء یا رسالت تکوینی است ؟ یعنی به عهـده گرفتن ماموریتهای مختلف در جهان آفرینش . و یا در هر دو جهت است ؟ با توجه به اینکه در قسـمت اوّل آیه سـخن از آفرینش آسـمان‌ها و زمین بود و در جمله مورد بحث سـخن از بال‌های متعدد فرشـتگان است که نشانه‌های قدرت آن ها است و نیز با توجه به اینکه رسالت را برای همه فرشتگان قائل شده چنین به نظر می‌رسد که رسالت در اینجا معنی وسیع و گسترده دارد که هم رسـالت تشـریعی را شامل می‌شود وهم رسالت تکوینی را . اطلاق رسالت بر «رسالت‌تشـریعی» و آوردن پیـام وحی به انبیاء در قرآن فراوان است ولی اطلاق آن بر « رسالت تکوینی » نیز کم نیست در آیه (۲۱ / یونس) می‌خوانیم : « اِنَّ رُسُلَنا یَکْتُبُونَ ما تَمْکُرُونَ » : « رسولان ما (فرشتگان ما) مکرهای شما را می‌نویسند » .

سیمای فرشتگان (۵۳)

کــارگــزاران خلقــت و انــــواع آن‌هـا

ملائکه موجودات پاک و فرمان برانـد که خداونـد در امور عالم به آن‌ها ماموریتهایی محول فرموده که انجام می‌دهنـد ولی جنّ و شیاطین در عرض انسان‌ها و در امور عالم هیچ کاره‌اند . با این حساب می‌توان فرشتگان را با توجه

(۵۴) سیمای فرشتگان

به ماموریتهایشان به انواع مختلف تقسیم کرد :

۱ – فرشتگان محافظ انسان

۲ – فرشتگـان ثبـت اعمال

۳ – فرشتگـان حامل عرش

۴ – فـرشتـگـان عــذاب

۵ – فرشتگـان حـامل وحی

۶ – فرشتگانی که حساب و کتـاب عمـر آدمیان را دارند .

۷ – فرشتگانی که مامور تدبیر جهان از سوی خدا هستند .

۸ – فـرشتگـانی کـه آمـاده انجـام مـامـوریتنـد .

۹ – فـرشتگـانـی کــه دائــم در سجـــدهانــد .

سیمای فرشتگان (۵۵)

۱۰ – فرشتگانی که تسبیح برای خدا و استغفار برای اهـل زمیـــن می‌کنند .

۱۱ – فـرشتگــانـی کــه شفـــاعت می‌کننـــد .

راجع به فرشـتگان مطـالب دیگری است از قبیـل فرشـتگانی که به اهـل ایمـان یاری می‌رساننـد ، فرشـتگانی که به اهل بهشت سـلام می‌کنند .

« وَ الْمَلائِکَةُ یَدْخُلُونَ عَلَیْهِمْ مِنْ کُلِّ بابٍ سَلامٌ عَلَیْکُمْ » ، فرشتگانی که به یاری رسول خدا در جنگ بدر آمدند و غیره .

فــرشتگـــان محــــافـــظ انســـان

« وَ هُوَ الْقـاهِرُ فَوْقَ عِبـادِهِ وَ یُرْسِـلُ عَلَیْکُمْ حَفَظَةً حَتّی اِذا جاءَ اَحَـدَکُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُـلُنا وَ هُمْ لا یُفَرِّطُونَ »(۱) « او تسلّط کامل بر بندگان خود دارد و

۱– آیــه ۶۱ / ســوره انعـام.

(۵۶) سیمای فرشتگان

مراقبانی بر شـما می‌فرستد تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد فرستادگان ما جان او را می گیرند و آن‌ها در نگهداری حساب اعمــال ، کـوتـاهی نمی‌کننـد ».

القاهِرُ : تـوانا و مسلّط

حَفَظَةً : حافظ و مراقب

عِبادُ : بنــده خــــدا

یُرْسِلُ : از مــاده (رُسُـل) بــه معنی می‌فـرستـد

المَـوْتُ : مـــــرگ

فَوْت : اخـذ و گرفتن بطـور تمـام و کـامـل

سیمای فرشتگان (۵۷)

یُفَـرِّطُـونَ : کـــوتـــاهـــی می‌کننـــد

لا یُفَرِّطُونَ : کوتاهی نمی‌کنند و تقصیری ندارند .

در این آیه خداونـد برای توضیـح بیشتر روی احاطه علمی خداونـد نسبت به اعمال بنـدگان و نگهداری دقیق حساب آنها برای روز رسـتاخیز چنین می‌گویـد : «او تسـلّط کامـل بر بنـدگان خود دارد و هم او است که حافظان و مراقبانی بر شـما می‌فرسـتد که حساب اعمالتان‌را دقیقا نگهداری کنند» .

« قاهریّت » به معنی غلبه و تسلّط کامل بر چیزی است به طوری که هیچ‌گونه توانایی مقاومت در طرف مقابل نباشد و « حَفَظَهٔ » جمع « حافِظ » و در اینجا به معنی « فرشتگـانی است کـه مـأمـور نگهـداری حسـاب اعمال انسان‌ها هستند .

سپس می‌فرماید : نگهداری این حساب توسّط فرشتگان تا لحظه پایان زندگی

(۵۸) سیمای فرشتگان

و فرارسیـدن مرگ ادامه دارد و در این هنگام فرسـتادگان ما که مأمور قبض ارواحنـد روح او را می‌گیرنـد و در پایان اضافه می‌کند که این فرشـتگان به هیـچ وجه در انجـام مـأموریت خود کوتـاهی و قصور ندارنـد ، این احتمال وجود دارد که این صـفت مربوط به فرشـتگان حافظـان حسـاب اعمال انسان‌ها بوده باشـد که آنها در حفـظ و نگهــداری حساب اعمــال کمتـرین کـوتـاهی و تفـریط (۱) ندارند .

« لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ اَمْرِ اللّهِ اِنَّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَـوْمٍ حَتّی یُغَیِّـرُوا ما بِاَنْفُسِـهِمْ وَ اِذا اَرادَ اللّهُ بِقَوْمٍ سُوءً فَلا مَرَدَّ لَهُ وَ ما لَهُمْ مِـنْ دُونِـــه مِـــنْ والٍ » (۲).

۱- کوتاهی کردن.

سیمای فرشتگان (۵۹)

«برای انسـان مـأمورانی است که پی در پی ، از پیش رو و از پشت سـرش او را از حوادث (غیرحتمی) حفـظ می‌کننـد ، امـا خـداوند سرنوشت هیـچ قوم و ملّتی را تغییر نمی‌دهـد مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی کند هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و جـز خـدا سرپرستی نخواهد داشت» .

مُعَقِّباتٌ : جمـع مُعَقِّبْ ، گـروهـی کـه پـی در پـی به دنبـال کـار می‌روند .

یَــــدَیْ : دســـــت

خَلْفِ : پشـــت سـر ، عقب

یَحْفَظُونَهُ : از او محافظت می‌کنند

لا یُغَیِّــرُ : تغییـــر نمی‌دهـــد

۱- ســـوره رعــد ، آیـــه ۱۱.

(۶۰) سیمای فرشتگان

قَـوْم : ملّـــت ، قــــوم

اَنْفُسٍ : ازماده(نَفَسْ)،ذات، شخص

اَرادَ : خـــواســت ، اراده کنـــد

سُوءً : بــــــد ، زشـــت

مَرَدَّ : عاری بودن و مستمرّ بودن

دُونِ : غیـــر ، حقیـــر

والٍ : ســـرپـــرســـت

در این آیه آمـده که خـدا حافظ و نگهبان بنـدگان خود نیز می‌باشـد و برای انسان مأمورانی است که پی در پی از پیش رو و پشـت سرش قرار می‌گیرند و او را از حوادث حفظ می‌کنند اما برای اینکه کسی اشتباه نکند که این حفظ و نگهبانی

سیمای فرشتگان (۶۱)

بی‌قیـد و شـرط است و انسـان می‌توانـد خود را به پرتگـاه بیفکنـد و دست به هر نـدانم کـاری بزنـد و یا مرتکب هرگونه گناهی که مسـتوجب مجـازات و عـذاب است بشود و بـاز انتظار داشـته باشـد که خـدا و مأموران او حافظش می‌باشـند اضافه می‌کنـد که خـدا سرنوشت هیـچ قوم و ملّتی را تغییر نمی‌دهـد مگر اینکه آن‌ها تغییراتی در خود ایجاد کننـد و هرگاه خداوند به جمعیّتی اراده بد کند هیـچ راه دفاع و بازگشت ندارد و هیچ کس به غیر از خدا نمی‌تواند والی و یاور آن‌ها باشد به همین دلیل هنگامی که فرمان خدا به عـذاب و مجازات یا نابودی قومی صادر می‌شود حافظان و نگهبانان دور می‌شونـد و انسان را تسـلیم حوادث کننـد . اینجا چند نکته وجود دارد :

« مُعَقِّباتٌ » چنانکه طبرسی در مجمع البیان و بعضی دیگر از مفسّران بزرگ

(۶۲) سیمای فرشتگان

گفته‌انـد جمع «مُعَقِّبَـهْ» است و آن هم به نوبه خود جمع «مُعَقِّبْ» می‌باشـد و به معنی گروهی است که پی در پی و به طور متناوب به دنبال کاری می‌روند .

ظاهر این آیه آن است که خداوند به گروهی از فرشـتگان ، مأموریت داده که در شب و روز به طور متناوب به سـراغ انسان بروند و از پیش رو و پشت سر نگهبان و حافظ او باشند . بدون تردید انسان در زندگی خود در معرفی آفات و بلاهای زیادی است حوادثی از درون و برون، انواع بیماری‌هـا ، میکرب‌هـا ، انواع حادثه‌ها و خطراتی که از آسـمان و زمین می‌جوشـد انسان را احاطه کرده‌انـد ، مخصوصـا به هنگـام کودکی که آگـاهی انسان از اوضاع اطراف خود بسیار ناچیز است و هیـچ‌گونه تجربه‌ای نـدارد . در هر گامی خطری در کمین او است و گـاه انسـان تعجّب می‌کنـد که کـودک چگـونه از لابه‌لاـی این همه حـوادث جـان سـالم به در می‌برد و بزرگ می‌شود . اگر به راستی در این مسائـل بیاندیشیم احسـاس می‌کنیم که نیروی محـافظی است که مـا را در برابر حوادث حفظ می‌کند و همچون سپری محافظ و نگهدار ما است .

سیمای فرشتگان (۶۳)

در روایتی از امام محمّد باقر علیه‌السلام می‌خـوانیـم که در تفسیر آیه فوق فرمود :

« یُحْفَظُ بِاَمْرِ اللّهِ مِنْ اَنْ یَقَعَ فی رُکْنٍ اَوْ یَقَعَ عَلَیْهِ حائطٌ اَو یُصیبَه شَیْءٌ حَتّی اذا جاءَ الْقَدَرُ خَلُّوا بَیْنَهُ وَ بَیْنَهُ یَدْفَعُونَهُ اِلَی الْمَقادیرِ وَ هُمْ مَلَکانِ یَحْفَظانِه بِاللَّیْلِ وَ مَلَکانِ مِنْ نَهارٍ یَتَعاقِبانَهُ : به فرمان خـدا انسان را حفظ می‌کنـد از این که در چاهی سـقوط کند یا دیواری بر او بیفتـد یـا حـادثه دیگری برای او پیش بیایـد تـا زمـانی که مقـدّرات حتمی فرا رسـد در این هنگام آن‌ها کنار رونـد و او را تسـلیم حـوادث می‌کننـد. آنهـا دو فرشـته‌اند که انسـان را در شب حفـظ می‌کننـد و دو فرشـته‌اند که در روز به طور متنـاوب به این وظیفه می‌پردازند .(۱)

(۶۴) سیمای فرشتگان

در نهج‌البلاغه نیز می‌خوانیم که امیرمؤمنـان علی علیه‌السلام فرمود :

« اِنَّ مَعَ کُلِّ اِنْسانٍ مَلَکَیْنِ یَحْفَظانِه فَاِذا جاءَ الْقَدَرُ خَلَّیا بَیْنَهُ وَ بَیْنُه : با هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ کنند اما هنگامی که مقدّرات حتمی فرا می‌رسد او را رها می‌سازند» .

در تفسیرعیاشی ذیل همین آیه‌از حضرت صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمود :

« ما مِنْ عَبْدٍ اِلّا وَ مَعَهُ مَلَکانِ یَحْفَظانِه فَاِذا جاءَ الاْمْرُ مِنْ عِنْدِ اللّهِ خَلِیّا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اَمْرَ اللّهِ : برای هر بنده‌ای دو تا ملکی است که او را حفظ می کنند چون کاری از جانب خدا آمد او را به امر خدا وامی گذارند» .

۱- تفسیر برهان ، جلد ۲ ، صفحه ۲۸۳.

سیمای فرشتگان (۶۵)

« اِذْ یَتَلَقَّی الْمُتَلَقِّیانِ عَنِ الْیمینِ وَ عَنِ الشِّمالِ قَعیدٌ (۱) : به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند، اعمال او را دریافت می‌دارند».

« ما یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلّا لَدَیْهِ رَقیبٌ عَتیدٌ : هیچ سخنی را انسان تلفّظ نمی کند مگر اینکه نزد آن فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت است» .(۲)

یَتَلَقّی : دریافت و ضبط می کند

اَلْمُتَلَقِّیانْ : دو فرشته‌ای که مأمور ثبت اعمال انسانند

۱- آیه ۱۷ / سوره ق.

۲- آیه ۱۸ / سوره ق.

(۶۶) سیمای فرشتگان

اَلْیمینْ : راست

اَلشِّمال : چپ

قَعیدٌ : از ماده «قُعُود» به معنی نشسته

یَلْفِظُ : تلفّظ می کند

قَوْلٍ : سخن ، حرف

رَقیبْ : مراقب

عَتیدْ : از ماده (عِتاد) به معنی ذخیره کننده

در این آیه علاوه بر احاطه علمی خداوند به ظاهر و باطن انسان دو فرشته نیز مأمور حفظ و نگهداری حساب اعمال اویند که از طرف راست و چپ از او مراقبت می کنند، پیوسته با او هستند و لحظه‌ای جدا نمی‌شوند تا از این طریق اتمام حجّت بیشتری شود و تأکیدی باشد بر مسأله نگهداری حساب اعمال .

سیمای فرشتگان (۶۷)

«تَلَقّی» به معنی دریافت و اخذ و ضبط است و «مُتَلَقِّیانْ» دو فرشته‌ای هستند که مأمور ثبت اعمال انسان‌ها می‌باشند و «قَعیدْ» از ماده «قُعُودْ» به‌معنی نشسته و در این‌جا ملازم و مراقب است و به تعبیر دیگر مفهوم آیه این نیست که این دو فرشته در سمت راست و چپ انسان نشسته‌اند زیرا انسان گاه نشسته است و گاه در حال راه‌رفتن بلکه این تعبیر کنایه از آن است که این دو همواره با انسانند و مترصّد اعمال او می‌باشند . این احتمال هم داده می‌شود که آن دو بر شانه راست و چپ انسان همیشه نشسته‌اند و اعمال او را ثبت می کنند . قابل توجه این که در روایات اسلامی آمده است که فرشته سمت راست نویسنده حسنات است و فرشته سمت چپ نویسنده سیئات است و فرشته اول فرمانده فرشته دوم است . هنگامی که انسان عمل نیکی انجام می‌دهد فرشته سمت راست ده برابر

می‌نویسد و هنگامی که عمل بدی از او سرزند و فرشته سمت چپ بخواهد آن را بنویسد فرشته اوّل می‌گوید: عجله مکن ، لذا او هفت ساعت به تأخیر می‌اندازد اگر پشیمان شد و توبه کرد چیزی نمی‌نویسد و اگر توبه نکرد تنها یک گناه برای او می‌نویسد .(۱)

(۶۸) سیمای فرشتگان

در روایت دیگری آمده است که پیامبر فرمود:

« مَنْ مَرِضَ اَوْ سافَرَ کَتَبَ اللّه تَعالی لَهُ ما کانَ »

بـه فرشتگان حافظ اعمال او می‌گوید ، مادام که او بیمار است اعمالی را که

۱- مجمع‌البیان ، جلد ۹ ، صفحه ۱۴۴ .

سیمای فرشتگان (۶۹)

در حال صحت انجام می‌داده برای او بنویسید.

پس پیامبر افزود : « کسی که بیمار شود یا مسافرت کند خداوند همان اعمالی را کـه در حـال صحـت و در حضـر انجـام می‌داد بـرای او می‌نویسد »(۱).

و همچنین این فرشتگان کمترین سخنان انسان‌ها را هم می‌نویسند و این‌ها همه‌اشاره پرمعنایی به‌توسعه لطف خداوندی‌است .

فرشتگان ثبت اعمال

این فرشتگان علاوه بر حفاظت انسان مأمور نوشتن اعمال انسان‌ها هستند .

« وَ اِنَّ عَلَیْکُمْ لَحافِظِینَ »(۲) : « و بـدون شـک نگهبـانـانی بـر شمـا گمارده شـده است » .

۱- روح المعانی ، جلد ۲۶ ، صفحه ۱۶۵.

۲- سوره انفطار ، آیه ۱۰ .

(۷۰) سیمای فرشتگان

« کِراما کاتِبِینَ » (۱): «والامقـام و نـویسنـده اعمـال شمـا» .

« یَعْلَمُونَ ما تَفْعَلُونَ » (۲): « آن‌ها می‌دانند که شما چه می‌کنید » .

منظور از « حافِظِینَ » در این آیه فرشتگانی هستند که مأمور حفظ و نگهداری اعمال انسان‌ها اعمّ از نیک و بد هستند که در آیه ۱۸ سوره ق از آن‌ها تعبیر به «رقیب و عتید» شده است و در آیات دیگر قرآن نیز به وجود این فرشتگان مراقب اعمال اشاره شـده است از جمله در سوره یونس ، آیه ۲۱ آمـده : « قُلِ اللّه اَسْرَعُ

۱- سوره انفطار ، آیه ۱۱ .

۲- سوره انفطار ، آیه ۱۲ .

سیمای فرشتگان (۷۱)

مَکْرا اِنَّ رُسُلَنا یَکْتُبُونَ ما تَمْکُرُونَ » : « بگو: خداوند از شما سریع‌تر چاره‌جویی می‌کند و رسولان ما آن‌چه مکر می‌کنید و نقشه می‌کشید می‌نویسد» و همچنین در سوره زخرف ، آیه ۸۰ آمده : « بَلی وَ رُسُلَنا لَدَیْهِم یَکْتُبُونَ » : « آری ، رسولان (فرشتگان) ما نزد آن‌ها هستند و می‌نویسند ».

بـدون شـک خـداونـد قبـل از هرکس شـاهد و نـاظر اعمال آدمی است ولی برای تأکید بیشتر و احساس مسئولیّت فزون‌تر، مـراقبان زیادی گمارده است که یک گـروه از آن‌ها همین فرشتگانند .

در « احتجاج طبرسی » آمده است که شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: «علّت وجود فرشتگان مأمور ثبت اعمال نیک و بد

انسان‌ها چیست، در حالی که می‌دانیم خداوند « عالِمُ السِّرِ وَ اَخْفی » است ، یعنی هر چیزی را که از آن مخفی‌تر نیست می‌داند ؟

(۷۲) سیمای فرشتگان

امام در پاسخ فرمود : « خداوند این فرشتگان را به عبادت خود دعوت کرد و آن‌ها را شهود بر بندگانش قرارداد تا بندگان به خاطر مراقبت آنان بیشتر مراقب اعمال و مراقب اطاعت الهی باشند و از عصیان او بیشتر ناراحت شوند و چه بسیار بنده‌ای که تصمیم به گناه می‌گیرد سپس به یاد این فرشته می‌افتد و خودداری می‌کند ، می‌گوید: پروردگارم مرا می‌بیند و فرشتگان حافظ اعمال نیز گواهی می‌دهند ، علاوه بر این خداوند به رحمت و لطفش این‌ها را مأمور بر بندگانش کرده تا به فرمان خدا شیاطین سرکش را از آن‌ها دور کند و همچنین جانوران زمین و آفات بسیار را که آن‌ها نمی‌بینند تا آن زمان که فرمان خدا و مرگ آن‌ها فرامی‌رسد ». (۱)

سیمای فرشتگان (۷۳)

از این روایات به خوبی استفاده می‌شود که آن‌ها علاوه بر مأموریت ثبت اعمال مأمور حفظ انسان از حوادث ناگوار و وسوسه‌های شیاطین نیز هستند .

قابل توجه این‌که در آیات فوق در توصیف این فرشتگان می‌گوید : « آن‌ها بزرگوار و در نزد پروردگار والامقامند » تا انسان‌ها بیشتر مراقب اعمال خویش باشند، زیرا هرقدر ناظر بر اعمال انسان‌ها شخصیت والاتری داشته باشد، انسان بیشتر از او ملاحظه می‌کند و از انجام گناه شرمنده‌تر می‌شود .

تعبیر به « کاتِبینْ » در حقیقت تأکیدی است بر این معنی که آن‌ها به حافظه قناعت نمی‌کنند بلکه دقیقا می‌نویسند و ثبت می‌کنند و به این ترتیب هرگز چیزی از آن‌ها فوت نمی‌شود و صغیر(۱) و کبیر را ثبت می‌کنند (۲).

۱– نورالثقلین ، جلد ۵ ، صفحه ۵۲۲ .

(۷۴) سیمای فرشتگان

تعبیر به « یَعْلَمُونَ ما تَفْعَلُونَ » باز تأکید مجدّدی است بر این حقیقت که آن‌ها از همه اعمال شما بدون استثناء آگاهند و نوشتن آن‌ها براساس همین آگاهی است .

ضمنا تمام این تعبیرات بیانگر اختیار و آزادی اراده انسان است، چراکه اگر آدمی اختیاری ازخود نداشت ، گماردن این همه مأمورین ثبت و ضبط اعمال و این‌همه هشدار و اخطارها هدف و مفهوم صحیحی نخواهد داشت ، از سوی دیگر همه این‌ها بیانگر این واقعیّت است که مسئله حساب و جزای الهی بسیار سخت جدّی است ، چراکه خداوند اهمیّت فوق‌العاده‌ای به آن داده است .

۱– صغیر : کوچک .

۲– کبیر : بزرگ .

سیمای فرشتگان (۷۵)

درباره روش کار و ویژگی‌های فرشتگان مأمور ثبت‌اعمال تعبیرات پرمعنی وارد شده از جمله این‌که:

۱ـ کسی از امام موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام سؤال کرد : « دو فرشته‌ای که مأمور ثبت اعمال انسان هستند آیا از اراده و تصمیم باطنی او به هنگام گناه یا کار نیک نیز باخبر می‌شوند ؟».

امام در پاسخ فرمود : « آیا بوی بد چاه فاضلاب و عطر یکی‌است ؟»

راوی عرض کرد : « نه » .

امام علیه‌السلام فرمود: « هنگامی که انسان نیّت کار خوبی کند ، نفسش خوشبو می‌شود . فرشته‌ای که در سمت راست و مأمور ثبت حسنات است به فرشته

(۷۶) سیمای فرشتگان

سمت چپ می گویـد : برخیز ، که او اراده کـار نیک کرده است و هنگامی که آن را انجام داد، زبان آن انسان قلم آن فرشـته و آب دهـانش مرکّب او می‌شود و آن را ثبت می کنـد ، امـا هنگامی که اراده گناهی می کنـد نفسـش بـدبو می‌شود . فرشـته طرف چپ به فرشـته طرف راست می گویـد : برخیز که او اراده معصیّت کرده و هنگـامی که آن را انجـام می‌دهـد، زبانش قلم آن فرشـته و آب دهانش مرکّب اوست و آن را می‌نـویسد » .(۱)

این حـدیث به خوبی نشان می‌دهـد که نیّت انسان در تمام وجود او اثر می گـذارد و فرشـتگان از اسـرار درونش به‌وسـیله آثار بیرون آگاه می‌شوند و مسلّما اگر آگاه نباشـند نمی‌توانند اعمال انسان را به خوبی ثبت کنند چرا که چگونگی نیّت در ارزش و خلوص و آلودگی عمل فوق‌العاده مؤثر است تا آن جا که پیغمبراکرم در حدیثی فرمود : « اعمال به نیّت‌ها بستگی دارد » و دیگر این که معلوم می‌شود از خود انسان می گیرند و بـرای او خـرج می کننـد و زبـان مـا قلـم آن‌هاست و آب دهـان مـا مـرکّب آن‌ها .

۱- اصول کافی ، جلد ۲ ، حدیث ۳ .

سیمای فرشتگان (۷۷)

۲ـ آن‌هامأمورند به هنگامی که انسان کار نیک می کند آن را به عنوان «حسـنه» بنویسـند اما هنگامی که تصـمیم بر گناه می گیرد، تا عمل نکرده چیزی بر او نمی‌نویسند و بعداز عمـل تنها یک گناه ثبت‌می کنند.(۱)

این تعبیر بیانگر نهایت لطف و فضل الهی بر انسان است که نیّت گناه را بر او

۱- اصول کافی ، جلد ۲ ، حدیث ۲ .

(۷۸) سیمای فرشتگان

می‌بخشد و فعل گناه را بر طبق موازین عدالت جزا می‌دهد ، ولی در مسیر اطاعت هر نیّتی حسـنه‌ای است و هرکار نیکی را براساس تفضّل پاداش می‌دهد، نه بر میزان عدل و این تشویقی است برای انجام اعمال نیک .

۳ـ در روایت دیگر آمـده است که رسـول خـدا بعـد از اشـاره به وجـود این دو فرشـته و نوشـته حسـنات بـا پـاداش ده برابر فرمود : « هنگامی که انسان کار بدی انجام می‌دهد فرشـته راست به فرشته چپ می گوید : در نوشتن این گناه عجله مکن شاید کار نیکی بعد از آن انجام دهـد که گناه او را بیشتر بپوشانـد . همان گونه که خداونـد بزرگ می‌فرماید : « اِنَّ الْحَسَـناتَ یُذْهِبْنَ السَّیِّئات » یا این که توبه و استغفار کند و اثر گناه از بین برود و او هفت ساعت از نوشتن کار بد خودداری می کند و اگر کار نیک یا استغفاری به دنبال آن نیاید ، فرشته حسنات به فرشته سیّئات می گوید : بنویس بر این بدبخت محروم .(۱)

سیمای فرشتگان (۷۹)

۴ـ امام صادق علیه‌السلام در حـدیث دیگری فرموده : «هنگامی که مؤمنان در یک مجلس با هم سـخن می گویند حافظان اعمال به یکدیگر می گویند ما از آن‌ها دور شویم شاید سرّی دارند که خدا آن را مستور داشته است » .(۲)

۵ـ حضـرت علی علیه‌السلام در یکی از خطبه‌هاش که مردم را در آن به تقوا دعوت کرده می‌فرمایـد : «بدانیـد ای بنـدگان خدا که مراقبانی از خودتان بر شما گماشته شده و دیدبان‌هایی از اعضای پیکرتان و نیز بدانید حسابگران راستگو اعمال

۱- اصـــول کـــافـی ، جلـــد ۲ ، حـــدیث ۴ .

۲- نورالثقلین ، جلد ۵ ، صفحه ۱۱۰ .

(۸۰) سیمای فرشتگان

شمـا را ثبت می کننـد و حتّی شـماره نفسـهایتان را نگه می‌دارنـد، نه ظلمت شب تاریـک شـما را از آن‌ها پنهان می‌دارد و نه درهای محکم و فروبسته و چه فردا به امـروز نـزدیـک اسـت» .(۱)

۱- نهج‌البلاغه ، خطبه ۱۵۷.

سیمای فرشتگان (۸۱)

فرشتگانی‌که حساب و کتاب عمرآدمیان را دارند

« قالُوا لَبِثْنا یَوْماً اَوْ بَعْضَ یَوْمٍ فَسْئَلِ الْعادّینَ (۱): در پاسخ می‌گویند : تنها به‌اندازه یک‌روز یا قسمتی از یک روز، از آنها که می‌توانند شمارش کنند سؤال فرما» .

قالُوا : می‌گویند

لَبِثَ : توقّف ، اقامت

یَوْما : یک روز

فَسْئَلِ : پس سؤال کن

الْعادّینَ : شمرندگان

۱- آیه ۱۳ / سوره مؤمنون .

(۸۲) سیمای فرشتگان

در حقیقت عمرهای طولانی در دنیا گویی لحظه‌هایی زودگذر هستند در برابر زندگی آخرت که هم نعمت‌هایش جاویدان است و هم مجازاتش نامحدود و منظور از «عادّینْ» همان فرشتگانی می‌باشد که حساب و کتاب عمر آدمیان و اعمال آنها را دقیقا نگه داشته‌اند زیرا آن‌ها بهتر و دقیق‌تر از هرکس این حساب را می‌دانند .

فرشتگانی که آماده انجام مأموریتند

« وَ الصّافّاتِ صَفّا(۱) : سوگند به آن‌ها که صف کشیده‌اند» .

« فَالزّاجِراتِ زَجْرا(۲) : همان هاکه قویّا نهی می‌کنند و بازمی‌دارند» .

۱- آیه ۱ / سوره صافات .

سیمای فرشتگان (۸۳)

« فَالتّالِیاتِ ذِکْرا (۱) : و آنها که پی در پی ذکر الهی را تلاوت می‌کنند» .

صافّاتْ : جمع (صافَّةٌ) ، صفوف متعدد

صفا : صف

زاجِراتِ : از ماده (زَجْر) ، راندن چیزی با فریاد

زَجْرا : راندن ، طرد ، منع

تالِیاتِ : از ماده (تلاوت) جمع «تالی» تلاوت‌کنندگان

ذِکْرا : نام

در آغاز این سوره (صافّات) به نام سه گروه برمی‌خوریم که به آن‌ها سوگند

۱- آیه ۲ / سوره صافات.

۲- آیه ۳ / سوره صافات.

(۸۴) سیمای فرشتگان

یاد شده این گروه سه‌گانه کیانند ؟

و این توصیفات درباره چه کسانی است ؟ مفسّران در اینجا سخن بسیار گفته‌اند اما معروف و مشهور این است که این‌ها اوصافی است برای گروه‌هایی‌از فرشتگان:

۱ ـ گروه‌هایی که برای انجام فرمان الهی در عالم هستی به صف ایستاده و آماده فرمانند .

۲ ـ گروه‌هایی از فرشتگان که انسان‌ها را از معاصی و گناه باز می‌دارند و وسوسه‌های شیاطین را در قلوب آنها خنثی می‌کنند و یا مأمور ابرهای آسمانند و آنها را به هر سو می‌رانند و آماده آبیاری سرزمین‌های خشك می‌کنند .

۳ ـ گروه‌هایی از فرشتگان که آیات کتب آسمانی را به هنگام نزول وحی بر پیامبران می‌خوانند .

سیمای فرشتگان (۸۵)

قابل توجه اینکه «صافّات» اشاره به گروهی است که صف کشیده‌اند و «زاجِرات» اشاره به گروه‌هایی که به منع و طرد و زجر دیگران می‌پردازند و «تالِیاتْ» به معنی گروه‌هایی است که اقدام به تلاوت چیزی می‌کند و همچنین «زاجِرات» ، هم شامل فرشتگانی می‌شود که وسوسه‌های شیاطین را از قلوب انسان‌ها دور می‌کنند و هم انسان‌هایی که به فریضه نهی از منکر می‌پردازند و «تالِیات» اشاره به تمام فرشتگان می‌باشد که آیات الهی و ذکر خدا را پی در پی تلاوت می‌کنند .

در اینجا نکته‌ای وجود دارد که و آن اینکه پیدا است صف کشیدن و آماده شدن در مرحله نخست قرار دارد و سپس طرد کردن موانع از سر راه و بعد از آن بیان دستورات و اجرای آنها از سوی دیگر آنها که آماده اجرای فرمان می‌شوند مقامی دارند و آنها که موانع را طرد می‌کنند مقامی برتر و آنها که فرمان‌ها را می‌خوانند و به اجرا درمی‌آورند از همه بلند مقام‌ترند .

(۸۶) سیمای فرشتگان

به هر حال سوگند پروردگار به همه این گروه‌ها حاکی از عظمت مقام آنها در پیشگاه او است و ضمنا الهام کننده این حقیقت است که رهروان راه حقّ نیز برای رسیدن به مقصود بایداز این‌سه مرحله بگذرند.

فرشتگانی که دائم در سجده‌اند

درباره سجود فرشتگان در سوره نحل آیه ۴۹ آمده است :

« وَ لِلّهِ یَسْجُدُ ما فِی السَّمواتِ وَ ما فِی الاَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَ الْمَلائِکَةُ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ : تمام آنچه در آسمان‌ها و در زمین از جنبندگان وجود دارد و

سیمای فرشتگان (۸۷)

همچنین فرشتگان برای خدا سجده می‌کنند و هیچ‌گونه تکبّری ندارند» .

یَسْجُدُ : اظهار فروتنی و سجده می‌کنند

اَلسَّمواتِ : آسمان‌ها

اَلْاَرْضِ : زمین

دابَّةٍ : موجودات جنبنده

یَسْتَکْبِرُونَ : از ماده (کِبْرْ) تکبّر و خود بزرگ‌بینی دارند

لا یَسْتَکْبِرُونَ : تکبّری ندارند

در آیه فوق ملائکه به طور جداگانه ذکر شده و به خاطر آن است که «دابَّةٍ» تنها به جنبندگانی گفته می‌شود که جسمانی هستند و اگر فرشتگان رفت و آمدی دارند و حضور و غیابی ، نه به معنی جسمانی و مادی است تا در مفهوم «دابَّةٌ» داخل

گـــردنـد .

(۸۸) سیمای فرشتگان

در حـــدیثـــی از پیـــامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله مـی‌خـوانیـم :

«خداوند فرشتگانی دارد که از آغاز آفرینش آنها تا روز رستاخیز برای خدا سجده می‌کنند و در آن روز سر از سجده برمی‌دارند و می‌گویند : « ما عَبَدْناکَ حَقَّ عِبادَتِـکَ : مـا حـق عبـادت تــو را انجـام ندادیم» .

همچنین جمله « وَ هُمْ لا ـ یَسْتَکْبِرُونَ » اشاره به وضع و حال فرشـتگان است که آنها در خضـــوع و سـجـده در پیشگاه حقّ کمترین استکبار به خود راه‌نمی‌دهند .

فـــرشتگـــــان حـامل عــرش و تعــــداد آنهـــا

عـدّه‌ای از ملائکه حاملان عرش خدایند چنان‌که در قرآن آمده :« وَ الْمَلَکُ عَلی اَرْجائِها وَ یَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمانِیَةٌ(۱) : فرشتگان در جوانب و

۱- آیه ۱۷ / سوره حاقّه .

سیمای فرشتگان (۸۹)

کناره‌های آسمان قرار می‌گیرند (و برای انجام مأموریت‌ها آماده می‌شوند) و آن روز عرش پروردگارت را هشـت فـرشتـه بر فـراز همـه آنهـا حمل می‌کنند .

اَلمَلَـکْ : فرشتــه

اَرْجاءْ : جمع رَجا به معنی اطراف و جوانب چیزی

یَحْمِلُ : حمل‌می‌کنند

عَرْش : تخت و در اینجا معانی مختلف دارد که به صفات خدا مربوط می‌شود

فَـوْقَ : بـــــالا

یَـوْمَئِـــذٍ : آن روز

(۹۰) سیمای فرشتگان

ثَمانِیَـةٌ : هشـــت

در آیــه مورد بحث که سخن از حاملان عرش الهی می‌گویـد ، ممکن است منظور از عرش همان حکومت خداونـد و تـدبیرش در عالم هستی باشد و حاملان عرش اجراکنندگان حاکمیت و تدبیر او هستند .

و نیز ممکن است به معنی مجموعه عالم هستی و یا عالم ماوراء طبیعت باشد و حاملان آن فرشتگـانی هستنـد کـه پـایـه‌های تدبیر این جهان به فرمان خدا بـر دوش آنهـا است .

گویی در روز قیامت فرشـتگان همانند مأمورانی که اطراف میدانی ایستاده و منتظر فرمان برای انجام کارند . در گرداگرد آسمان‌ها صف می‌کشند و در انتظار فرمان حقّند ، این حاملان عرش که همان فرشـتگانند مشخص نیست که آیا هشت فـرشتـه‌اند یـا هشت گروه کوچک یا بزرگ .

سیمای فرشتگان (۹۱)

البته در روایات اسلامی آمده که حاملان عرش هم اکنون چهار نفر (چهارگروه) هستند امّا در قیامت دو برابر می‌شوند .

چنـانکه در حـدیثی از پیغمبر اکرم صـلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم : «آنهـا امروز چهارنفرنـد و روز قیـامت آنهـا را بـا چهـار نفـر دیگر

تقویت می کند و هشت نفر می‌شوند». (۱)

منظور از عرش به معنی «مجموعه جهان هستی» است که «عرش» حکومت خـدا است و به وسیلـه فرشـتگـان که مجری فرمان خدا هستند تدبیر می‌شوند.

از احادیث به خوبی استفاده می‌شود که منظور از عرش «صفات خدا» همچون

۱- تفسیـر علـی‌بـن‌ابـــراهیـم ، جلـد ۲ ، صفحـه ۳۸۴ .

(۹۲) سیمای فرشتگان

«علم بی‌پایان پروردگار» و «مالکیت و حاکمیت خدا و قدرت او» و «صـفات کمالیه و جلالیه او یعنی رحمانیّت و رحیمیّت» است . و بنابراین حاملان عرش الهی حاملان علم اویند و هر قـدر انسان یا فرشـتگان علم بیشتری داشته باشند ، سـهم بیشتـــری در حمـــل ایـن عـرش عظیـــم دارنـــد .

و مراد از حمل عرش ظاهرا تدبیر امور عالم به دستور خدا است. همچنین در سوره غافر درباره دعاهای فرشتگان‌حامل عرش آمده :

« اَلَّذینَ یَحمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّـذینَ امَنُوا رَبَّنـا وَسِعْـتَ کُـلَّ شَـیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْما فَاغْفِرْ لِلَّذینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبیلَکَ وَقِهِـمْ عَـذابَ الْجَحیـمْ » .

«فرشتگانی که حامل عرشند و آنها گرداگرد آن تسبیح و حمد خدا می گویند و

سیمای فرشتگان (۹۳)

به او ایمان دارنـد و برای مؤمنان اسـتغفار می‌نمایند و می گویند : پروردگارارحمت و علم توهمه چیز را فراگرفته است ، پس کسانی را که توبه کـرده و راه تـو را پیـروی می کننـد بیـامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار» .

« رَبَّنا وَ اَدْخِلْهُمْ جَنّاتِ عَدْنٍ الَّتی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ ابائِهِمْ وَ اَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیّاتِهِـمْ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ » (۱)

«عرضه می‌دارنـد پروردگارا آن‌ها را در باغ‌های جاویـدان بهشت که به آنها وعـده فـرمـوده‌ای وارد کـن ، همچنیـن صالحـان از پدران و همسران و فرزندان آنها را که تو توانا و حکیمی» .

« وَقِهِمُ السَّیِّئـاتِ وَ مَـنْ تَـقِ السَّیِّئـاتِ یَـوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ » (۱)

۱- آیه ۸ / سوره غافر.

(۹۴) سیمای فرشتگان

«و آنهـا را از بـدی‌ها نگـاه دار و هر کس را در آن روز از بـدی‌ها نگـاه داری مشـمـــول رحمتـت ســــاختـه‌ای و ایـن اســت رستگـاری بـــزرگ» .

در این آیات دعاهای چهارگانه حاملان عرش بیان شده نخست آنها تقاضای غفران و شستشوی مؤمنان را از آثار گناه می کنند . در مرحله دوم ، تقاضـای دورداشـتن آن‌هـا از عـذاب جهنم می کننـد که این خود مهم‌ترین وسـیله آرامش روان آن‌ها است . در مرحله سوّم ، تقاضای بهشت می کننـد ، نه تنها برای خودشان بلکه برای بسـتگانشان که وجود آن‌ها در کنارشان مایه آرامش روح و نشاط قلب آنها است .

و از آنجا که غیر از دوزخ در صحنه قیامت ناراحتی دیگری وجود دارد مانند هول محشر ، رسوایی در برابر خلایق ، طول حساب را و امثال آن ، در دعـای دیگرشـان از خـدا می‌خواهنـد که مؤمنـان را از هرگـونه بـدی و مکروه در آن روز دور دارد تـا بـا فـراغت خـاطـر و احتـرام و تکـریم وارد بهشت جاویدان شود .

۱- آیه ۹ / سوره غافر.

سیمای فرشتگان (۹۵)

همچنین در این آیات حاملان عرش الهی راه و رسم دعا را به مؤمنان می‌آموزند .

نخست تمسّک به ذیل نام پروردگار (ربَّنا) ، سپس او را به صفات جمال و جلالش ستودن و از مقام رحمت و علم بی‌پایانش مدد خواستن (وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْما) . سرانجام وارد در دعا شدن و مسائل را به ترتیب اهمیت خواستن و با شرایطی که زمینه اجابت را فراهم می‌سازد ، مقرون ساختن (فَاغْفِرْ لِلَّذینَ

(۹۶) سیمای فرشتگان

تابُوا وَ اتَّبَعوا سَبیلَکَ) . سپس دعا را باز کرد اوصاف جمال و جلال او و توسل مجدد به ذیل رحمتش پایان دادن

.

جالب توجه اینکه حاملان عرش در این دعا روی پنج وصف از مهم‌ترین اوصاف الهی تکیه می‌کنند : ربوبیت ، رحمت ، قدرت ، علم ، حکمت خدا .

فرشتگان عذاب و تعداد آنها

« عَلَیْها تِسْعَةَ عَشَرَ » (۱)

«نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده»

تِسْعَةَ عَشَرَ : نوزده

۱- آیه ۳۰ / سوره مدثر.

سیمای فرشتگان (۹۷)

خداوند در این آیه می‌فرماید : نوزده نفر از فرشتگان عذاب بر دوزخ گمارده شده‌اند . فرشتگانی که قطعا مأمور به تَرحم ، شفعت ، مهربانی نیستند بلکه مأمور به کیفر و عذاب و خشونتند .

بعضی از مفسّرین گفته‌اند : که اشاره به نوزده گروه از فرشتگان است ، نه نوزده نفر . امّا چرا از میان اعداد تنها عدد ۱۹ برای مأموران عذاب الهی انتخاب شده ؟

جمعی از مفسرین احتمال داده‌اند این به خاطر آن است که در عدد نوزده بزرگ‌ترین عدد آحاد (عدد نه) و کوچکترین عدد عشرات (عدد ده) جمع است .

بعضی نیز گفته‌اند به خاطر آن است که ریشه‌های اخلاقِ رذیله به نوزده خُلق ظاهر و باطن بازمی‌گردد و از آنجا که اخلاق رذیله هرکدام یکی از عوامل عذاب الهی است طبقات دوزخ نوزده طبقه به تعداد آنها و در هر طبقه فرشته یا گروهی از فرشتگان مأمور عذاب هستند .

(۹۸) سیمای فرشتگان

در روایات آمده که هر یک از این نوزده فرشته قدرت عظیمی دارند که می‌توانند قبیله‌بزرگی‌را به‌آسانی در دوزخ بیفکنند.

در روایتی آمده است که گروهی از یهود از بعضی از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از عدد خازنان جهنم سؤال کردند ، آن‌ها گفتند : خدا و رسولش آگاه‌ترند ، جبرئیل در همان ساعت نازل شد و به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خبرداد : « عَلَیْهاتِسْعَةَ عَشَرَ: نوزده نفر بر آن گمارده شده‌اند» (۱).

فرشتگان مرگ و فرشتگان مأمور تدبیر جهان

۱- تفسیر مراغی ، جلد ۲۹ ، صفحه ۳۱۴.

سیمای فرشتگان (۹۹)

میراندن مردمان هم به فرشتگان واگذار شده است « قُلْ یَتَوَفَّیکُمْ مَلَکُ الْمَوْتِ الَّذی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ اِلی رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ (۱)» بگو فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می‌گیرد سپس به سوی پروردگارتان بازمی گردید .

با توجه به مفهوم «یَتَوَفیکُمْ» که از ماده «تَوَفّی» به معنی بازستاندن است مرگ به معنی فنا و نابودی نخواهد بود ، بلکه یک نوع قبض و دریافت فرشتگان نسبت به روح آدمی است که اساسی‌ترین بخش وجود انسان را تشکیل می‌دهد .

در آیه موردبحث ، فرشته مرگ عهده‌دار میراندن و اخذ مردم از این زندگی

۱- آیه ۱۱ / سوره سجده.

(۱۰۰) سیمای فرشتگان

است و قبض ارواح به «ملک الموت» نسبت داده شده و در روایات اسم او را عـزرائیل گفته‌اند .

و در آیات دیگر نسبت آن‌را به جمع داده مثل «اَلَّذینَ تَتَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَةُ ظالِمی اَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ ماکُنّانَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلی اِنَاللّهَ عَلیمٌ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱)».

آنها که فرشتگان قبض روحشان می‌کنند در حالی که ستم پیشه‌اند ، در این هنگام آنها تسلیم می‌شوند و می‌گویند ما کاربدی انجام نمی‌دادیم، آری خداوند به آنچه انجام می‌دادید عالم است .

« اَلَّذینَ تَتَوَفّیهُمُ الْمَلائِکَةُ طَیِّبینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیْکُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ(۱) » .

۱- آیه ۲۸ / سوره نحل.

سیمای فرشتگان (۱۰۱)

آنها که فرشتگان (قبض ارواح) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند به آنها می‌گویند سلام بر شما باد ، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی کـه انجـام می‌دادیـد .

در آیه قبل خواندیم که فرشتگان مرگ ستمگران را قبض روح می‌کنند در حالی که به خود ظلم کرده‌اند و مرگ آنها آغاز دوران جدیدی از بدبختی آنها است و سپس به آنها فرمان داده می‌شـود کـه بـه درهـای جهنم ورود کنید .

و در آیـه بعـد می‌خـوانیم کـه فرشـتگان مرگ پرهیزکـاران را قبض روح می‌کننـد و روح آنـان را می‌گیرنـد درحـالی که پـاکیزه از آلودگی شرک و پاکیزه از ظلم و

۱- آیـه ۳۲ / سـوره نحـل.

(۱۰۲) سیمای فرشتگان

استکبار و هر گونه گناه و فرشتگانم به آنها فرمان می‌دهند که وارد شوید به بهشت به خـاطـر اعمـالی کـه انجـام می‌دادیـد و به آنهـا سـلام می‌دهند .

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام می‌خوانیم که فرمود : «بیماری‌ها و دردها همگی قاصدان مرگ و فرستادگان او هستند ، هنگامی که عمر انسان به سر می‌رسـد فرشـته مرگ می‌آیـد (او از دیدن فرشـته مرگ وحشت می‌کند) او می‌گوید : ای بنده خدا چه اندازه خبر بعـد از خبر و رسول بعد از رسول و پیک بعد از پیک برای تو فرسـتادم اما من آخرین خبرم و بعد از من خبری نیست» و سـپس می‌گویـد: دعـوت پروردگـارت را اجابت‌کن خواه از روی میـل و خواه از روی اکراه» . و هنگـامی فرشـته مرگ قبض روح او کند فریاد بستگان بلند می‌شود . او صدا می‌زند» بر چه کسی فریاد می‌کشید ؟ و برای چه کسی اشک می‌ریزید ؟ به خدا

سیمای فرشتگان (۱۰۳)

سوگنـد وقت او به پایـان رسـیده بود ؟ و تمـام روزی خود را دریـافت داشـته بود . پروردگارش از او دعوت کرد و او دعوت حق را اجابت نمود». اگر می‌خواهید گریه کنید برخویشتن بگریید . من باز هم به میان شما می‌آیم. تا یک‌نفر از شما را باقی نگذاریم .

در حدیث دیگری از امام محمّدباقر علیه‌السلام می‌خوانیم که پیامبر اسلام برای عیادت مردمی‌از انصار به‌خانه اوآمد فرشته‌مرگ را بالای سر او دیـد پیامبر علیه‌السلام فرمود : با این دوست من با مدارا و لطف رفتار کن چراکه او مردمی باایمان است . عرض کرد : ای محمّد ، بشارت بر تو باد که من نسبت به همه مؤمنان با محبّتم وبدان ای‌محمّد، به‌هنگامی که قبض روح بعضـی از فرزندان آدم را می کنم خانواده او فریادمی کشند. من‌درکنارخانه می‌ایستم، می گویم : من گناهی ندارم . عمر او به پایان رسیده‌بود. من‌بازکرارا به‌میان‌شمابرمی گردم‌به‌هوش‌باشید به‌هوش ! (۱)

(۱۰۴) سیمای فرشتگان

سپس می‌افزاید : «خدا هیچ انسانی را از ساکنان شهر و بیابان ، خانه ، خیمه ، خشکی ، دریا نیافریده مگر اینکه من در هر شبانه روز پنج بار دقیقا به آن‌ها نگاه می کنم تا آنجا که من صغیر و کبیر آنها را بهتر از خـودشـان می‌شنـاسم» (۲) .

فـرشتگـانی کـه شفاعت می‌کنند (شفاعت ملائکه)

شفاعت یک مکتب انسان ساز و وسیله‌ای برای بازگرداندن آلودگان از نیمه راه و جلوگیری از یأس و نومیدی که خود عاملی است برای غرق شدن در

۱- تفسیر مجمـــع‌البیـــان ، ذیـــل آیـــه مـورد بحـث .

۲- تفسیر دُرّالمَنْثُور ، طبق نقل المیزان ، جلد ۱۶ ،صفحه ۲۶۸.

سیمای فرشتگان (۱۰۵)

انحراف و گناه . ایمان به این گونه شفاعت ، سبب می‌شود که افراد گناهکار رابطه خویش را با خدا و پیامبران و امامان قطع نکنند ، همــه پل‌هـــا را پشـــت ســـر خـــود ویـران نکننـد و خـط بـازگشـــت را حفـظ کننـد ، فـرشـــتگـان هـــم از جمله شفاعت‌کنندگان‌وشفیعان‌روز محشرند.

« فَما تَنْفَعُهُمْ شَفاعَةُ الشّافِعینَ »(۱) .

«لذا شفاعت شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشد» .

تَنْفَعُ : فـایـده و بهـره می‌دهـــد

شَفاعَةُ : از مـاده (شَفَعْ) به معنـی ضمیمـه کـردن چیـــزی

۱- آیه ۴۸ / سوره مدّثّر.

(۱۰۶) سیمای فرشتگان

اَلشّافِعینَ : شفـــاعت‌کننـــدگـان

در این آیه به عاقبت شوم مجرمان اشاره شده که خداوند می‌فرماید : شفاعت هیچ یک از شفاعت‌کنندگان (شفاعت پیامبر ، شفاعت تمامی انبیاء و پیامبران ، شـفاعت امامان ، فرشـتگان ، صدّیقین ، شـهداء ، صالحان ، قرآن ، اعضاء و جوارح بدن ، خدا) به حال آنها سودی نمی‌بخشـد و بایـد در عـذاب الهی بماننـد بنـابراین از این آیه هم اسـتفاده می‌شود که فرشـتگان هم از شـفیعان روز محشـرند همان‌گونه که از رسول خدا نقل شده «در آن روز به فرشتگان و انبیاء و شهداء اجازه شفاعت داده می‌شود که شفاعت کنند» (۱).

۱- صحیـح البخـاری ، جلـد ۹ ، صفحـه ۱۴۹.

سیمای فرشتگان (۱۰۷)

همچنین در حـدیث دیگری از رسول اکرم صـلی‌اللهعلیه‌وآله آمـده است : « یَشْفَعُ النَّبِیُّونَ وَ الْمَلائِکَةُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَیَقُولُ الْجَبّارُ بَقِیَتُ شَفاعَتی : در قیامت پیامبران و فـرشـتگـان و مـؤمنـان شـفـاعت می کنند و خـداونـد می گوید : شفاعت من بـــاقـــی مـــانـــده

اســـت» (۱).

« وَ کَمْ مِنْ مَلَکٍ فِی السَّمواتِ لا تُغْنی شَفاعَتُهُمْ شَیْئا اِلّا مِنْ بَعْدِ اَنْ یَأْذَنَ اللّهُ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَرْضی » (۲) چه بسیار فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند و شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد مگر بعد از آنکه خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجـــازه شفـــاعـــت دهـــــد .

۱- صحیح البخاری ، جلد ۹ ، صفحه ۱۴۹.

۲- آیـــه ۲۶ / ســـوره نجـــــــم .

(۱۰۸) سیمای فرشتگان

آیه اخیر از آیـاتی اســت کـه به روشنی از امکان شفاعت به اذن و رضای خدا داشتـه بـاشـنـد ، انبیـاء و اولیـای معصـوم به طـریـق اولـی چنین حقـی را دارند .

ولی نباید فراموش کرد که این شفاعت بی‌قید و شرط نیست ، بلکه مشروط به اذن و رضای‌خدا است و از آن‌جاکه اذن و رضای‌او بی‌حساب نیست باید رابطه‌ای میان انسان و او باشد تا اجازه شفاعت او را به مقربان درگاهش که فرشتگان می‌باشند بدهد .

در روایـات هست کـه مـراد از رضـایت خـدا، رضایت از عقیده و طریقه است که اعمال .

مسلما خشنودی خداوند و اجازه شفاعت دادن او،بی‌دلیل نمی‌تواند باشد ،

سیمای فرشتگان (۱۰۹)

حتما به خـاطـر ایمـان راستین و یا اعمالی است که پیوند انسان را با خدا محفوظ‌می‌دارد .

فـــرشتگـــان حـامـل وحی

«نَزَّلَ بِهِالرُّوحُ الاَمینُ عَلیقَلْبِکَ (۱) : روح‌الامین آن‌رانازل کرده‌است برقلب‌تو .

آیات قـرآن نشـان می‌دهــد که پیـام‌آور حـق فقـط یک ملک نیست مثل :

« اَللّهُ یَصْطَفی مِنَ الْمَـلائِکَـةِ رُسُـلاً وَ مِنَ النّاسِ اِنَّ اللّهَ سَمیعٌ بَصیرٌ » (۲) .

« خـداونـد از فـرشتگـانی رسولانی بـرمـی گزیند و همچنیـن از انسان‌ها ، خـداونـد شنـوا و بینـا است» .

۱- آیه ۱۹۴ / سوره شعراء.

۲- آیه ۷۵ / سوره حج.

(۱۱۰) سیمای فرشتگان

از فرشـتگان رسولـنی چون جبرئیـل و از انسان‌هـا فرستادگانی چـون پیـامبران بـزرگ الهــی و ایــن نشـان می‌دهـد کـه همـه فـرشتگـان الهــی ، رسولان او به سوی بشر نبودند بلکه گروهی از آن‌هـا این سمـت را داشتـه‌اند .

« فَنادَتْهُ الْمَلائِکَةُ وَ هُوَ قائِمٌ یُصَلّی فِی الْمِحْرابِ اَنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی مُصَدِّقا بِکَلِمَةٍ مِنَ اللّهِ وَ سَیِّدا وَ حَصُورا وَ نَبِیّا مِنَ الصّالِحینَ » (۱) پس در حـالی که وی ایستاده در محراب دعـا می کرد ، فرشـتگان ، او را نـدا دردادنـد که : خداونـد تـو را به ولادت یحیی که تصدیق‌کننـده کلمـه اللّه (عیسی) است و بـزرگـوار و خویشتندار و پیـامبری از شایسـتگـان است ، مژده می‌دهـد ، که در این آیه فـرشتگــان مـژده ولادت یحیـی را بــه زکـریّـا دادنـــــد .

۱- آیه ۳۹ / سوره آل عمران.

سیمای فرشتگان (۱۱۱)

« اِذْ قالَتِ الْمَلائِکَةُ یا مَرْیَمُ اِنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکَ بِکَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَیابْنُ مَرْیَمَ وَجیها فِی الدُّنْیا وَ الْاخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبینَ » (۱).

هنگامی که فرشتگان گفتند : ای مریم ، خداوند ترا به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح ، عیسی‌بن مریم است مژده می‌دهد ، درحالی که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان درگاه خدا است .

در این آیه فرشتگان مژده ولادت حضرت عیسی را به مریم دادند .

بنابراین می‌توان گفت : که وحی‌آور فقط جبرئیل و او یک نفر بیش نیست و

۱- آیه ۴۵ / سوره آل عمران.

(۱۱۲) سیمای فرشتگان

دیگر فرشتگان مژده‌آورانند و نظیر آن ، نه آورنده احکام و دین .

فرشتگانی که تسبیح برای خدا و استغفار برای اهل زمین دارند

« یُسَبِّحُونَ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ لا یَفْتُرُونَ » (۱).

فرشتگان شب و روز تسبیح می‌گویند و ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهند .

در این آیه آمده که فرشتگان همیشه و دائما و شب و روز تسبیح می‌کنند و آرام نمی‌شوند .

در نظام بندگان و موالی ظاهری هر قدر بنده‌ای به مولا نزدیک‌تر است خضوعش در برابر او کمتر است چراکه خصوصیت بیشتری دارد و اما در نظام

۱- آیه ۲۰ / سوره انبیاء.

سیمای فرشتگان (۱۱۳)

عبودیت خلق و خالق قضیه برعکس است هر قدر فرشتگان و اولیای خدا به او نزدیک‌تر می‌شود مقام عبودیتشان بیشتر می‌گردد . همچنین ملائکه علاوه بر اینکه خدا را تسبیح و حمد می‌کنند برای بندگان خدا هم طلب آمرزش و استغفار می‌کنند . « تَکادُ السَّمواتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَ الْمَلائِکَةُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الاْرْضِ اَلا اِنَّ اللّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیم » (۱). « نزدیک است آسمان‌ها از بالا متلاشی شوند، فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگار خود را به جای‌می‌آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می‌کنند ، آگاه باشید خداوند آمرزنده و مهربان است » .

۱- آیه ۵ / سوره شوری.

(۱۱۴) سیمای فرشتگان

تَکادُ : نزدیک است از جا بکند

اَلسَّمواتِ : آسمان‌ها

اَلْغَفُورُ : بخشنده و آمرزنده

یَتَفَطَّرْنَ : از ماده (فَطْر) به معنی شکافته شوند

اَلرَّحیم : مهربان

یُسَبِّحُونَ : تسبیح می‌کنند

حَمْدِ : ستایش

یَسْتَغْفِرُونَ : از ماده (غَفَرَ) می‌پوشانند ، مستور می‌کنند

در این آیه درباره متلاشی شدن آسمان‌ها دو تفسیر وجود دارد . یکی اشاره به مسئله وحی دارد که تأثیر کلام خدا را نشان می‌دهد که نزولش از آسمان‌ها لرزه بر اندام آنها می‌افکند و آن‌ها را متلاشی می‌سازد و اگر بر کوه‌ها نازل شود از هم می‌شکافد و تفسیر دیگر اینکه آسمانها به خاطر شرک و بت‌پرستی این مشرکان که پست‌ترین موجودات را هم ردیف مبدأ بزرگ عالم هستی قرار

می‌دهند از هم متلاشی می‌گردد و این دو تفسیر در عین حال منافاتی با هم ندارند سپس در دنباله آیه می‌افزاید : «فرشتگان تسبیح و حمد پروردگارشان را به جا می‌آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می‌کنند» .

سیمای فرشتگان (۱۱۵)

رابطه این جمله با جمله قبل بنابر تفسیر اول چنین است که فرشتگان حامل این وحی بزرگ آسمانی ، پیوسته حمد و تسبیح خدا به جا می‌آورند و او را به هر کمالی می‌ستایند و از هر نقصی منزه می‌شمرند و چون در محتوای این وحی بزرگ یک سلسله تکالیف و وظایف الهی است و احیانا ممکن است برای مؤمنان لغزش‌هایی پیش آید ، می‌گوید آن‌ها به یاری مؤمنان می‌شتابند و برای لغزش‌های آن‌ها از خدا طلب آمرزش می‌کنند .

(۱۱۶) سیمای فرشتگان

امّا بنابر تفسیر دوّم تسبیح و حمد ملائکه برای تنزیه خداوند از نسبت شرک به او است و استغفار آنها نیز برای مشرکانی است که بیدار شده و ایمان آورده‌اند و راه توحید را یافته و به سوی پروردگار یکتا بازگشته‌اند . جایی که این فرشتگان برای این گناه بزرگ در مورد گروه باایمان استغفار می‌کنند به طریق اولی برای سایر گناهان آنها نیز استغفار خواهند کرد .

نکته‌ای در اینجا وجود دارد و آن اینکه آیا فرشتگان برای همه استغفار می‌کنند و آیا جمله « وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ » در اینجا مطلق است و فرشتگان برای تمام اهل زمین (اعم از مؤمن و کافر) استغفار می‌کنند ؟ آیا این معنی ممکن است ؟

سیمای فرشتگان (۱۱۷)

پاسخ این سؤال را آیه ۷ سوره مؤمن داده است زیرا می‌گوید :

« اَلَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذینَ امَنُوا رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَهً وَ عِلْما فَاغْفِرْ لِلَّذینَ تابُوا وَ اتَّبِعُوا سَبیلَکَ وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ » .

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها گرداگرد آن تسبیح و حمد می‌گویند و برای مؤمنان استغفار می‌نمایند و می‌گویند : پروردگارا رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگه دار .

بنابراین شرط استغفار فرشتگان ایمان است به علاوه آنها معصومند و هرگز برای کسانی که زمینه آموزش ندارند تقاضای محال نمی‌کنند و فقط برای کسانی که اهل توبه هستند استغفار می‌کنند .

(۱۱۸) سیمای فرشتگان

همچنین این آیات به مؤمنان آگاهی می‌دهد که نیرومندترین قدرت‌های غیبی عالم و حاملان عرش پروردگار (فرشتگان) پشتیبان شما و دعاگوی شما هستند و پیوسته از خداوند بزرگ می‌خواهند شما را مشمول عفو و رحمت گسترده‌اش قرار دهد و از خطاهایتان بگذرد و از عذاب دوزخ نگه دار .

عدد لشگریان پروردگار

اگرچه خداوند فرموده که لشگریان و خازنان دوزخ نوزده نفر است مفهومش این نیست که لشکریان خدا محدود به اینها است بلکه لشکریان پروردگار آن‌قدر زیادند که به تعبیر بعضی از روایات تمام زمین و آسمان را پر کرده‌اند و حتّی جای پایی در تمام عالم هستی نیست مگر اینکه در آنجا فرشته‌ای به تسبیح خداوند مشغول است .

سیمای فرشتگان (۱۱۹)

چنانچه خداوند در آیه ۳۱ سوره مدثّر می‌فرماید :

« وَ مـا جَعَلْنــا اَصْحـابَ النّارِ اِلاّ مَـلائِكَةً وَ ما جَعَلْنا عِدَّتَهُم اِلاّ فِتْنَةً لِلَّذينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذينَ اُوتُوا الْكِتابَ وَ يَزْدادَ الَّذينَ امَنُوا ايمانا وَ لا يَرْتابَ الَّذينَ اُوتُوا الْكِتــابَ وَ الْمُـؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذينَ مَرَضٌ وَ الْكافِرُونَ ماذا اَرادَ اللّهُ بِهـذا مَثَـلاً كَـذلِكَ يُضِلُّ اللّهُ مَنْ يَشــاءُ وَ يَهْــدى مَنْ يَشاءُ وَ ما يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ اِلاّ هُوَ وَ ما هِــىَ اِلاّ ذِكْــرى لِلْبَشَــرِ » .

«مأموران دوزخ را جز فرشـتگان قرار نـدادیم و تعداد آن‌ها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب (یهود و نصاری) یقین پیدا کنند و ایمان مؤمنان افزوده شود و اهل کتاب و مؤمنان تردید به خود راه ندهند و کافران بگویند : خدا از این توصیف چه منظور دارد ؟ آری ایـن گـونه خداونـد هرکس را بخواهـد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهـد هـدایت می‌کنـد و لشـکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند و این جز هشدار و تذکری برای انسان‌ها نیست» .

(۱۲۰) سیمای فرشتگان

جَعَلْنــــا : قــــرار دادیـــم

اَصْحابَ النّارِ : رفیقان ملازم آتش

عِـدَّتَ : شـــیء معــــــدود

فِتْنَةً : وسیله امتحـان و آزمـایش

كَفَـرُوا : کافــر شـــدنــــد

سیمای فرشتگان (۱۲۱)

يَسْتَيْقِنَ : باورکنندومحقّق بدانند

يَــزدادُ : افــزوده شــــود

ايمانا : تسلیم‌توأم‌بااطمینان‌خاطر

يُضِلُّ : اظـلال کنـد ، گمـراه کند

يَشـاءُ : مـــی‌خــــــواهـــــــد

جُنُود : جمع (جُند) به معنی سپاه و لشکریان

يَهْدى : هـدایـت و راهنمـــایی مـی‌کنـــد

ذِكْرى : مصـــدر و بـه معنـی یـــادآوری

يَعْلَـــمُ : مـــــی‌دانـــــــــــد

خداوند در این آیه فرموده : «به هر حال لشکریان پروردگار را جز او نمی‌داند

(۱۲۲) سیمای فرشتگان

و این جز هشدار و تذکّری برای انسان‌ها نیست» . در اینکه ضمیر «هِیَ» در جمله «وَ ما هِیَ اِلاّ ذِكْرى لِلْبَشَر» به چه چیزی برمی‌گردد . تفاسیر نشان می‌دهد به «جنود و لشکریان خدا» اشاره دارد زیرا هدف بیان این حقیقت است که اگر خداوند جنود و لشکریانی برای خود برگزیـده ، نه به خاطر آن است که خود نمی‌توانـد همه معانـدان و گناهکاران را کیفر دهـد بلکه این‌ها برای تذکّر و بیداری و تـوجـه بـه جدی بودن مسـألـه عـذاب الهــی است .

نکته‌ای که قابل توجه است این است که حضور خداونـد در همه جا و گسترش قدرتش در تمام عالم هستی ، ذات پاک او را از هر گونه یار و یاوری و لشکری بی‌نیاز می‌کند ولی با این حال برای نشان دادن عظمتش به خلایق و برای تذکّر و یادآوری آنها ، لشکر و جنـود فراوانی برای خود برگزیده است ، که مجری

سیمای فرشتگان (۱۲۳)

فرمان او در سـراسـر عـالمند .

در روایـات اسـلامی دربـاره کثرت و عظمت و قـدرت جنود پروردگار ، تعبیرات عجیبـی وارد شـده از جمله اینکـه : گـروهی از آنهـا همیشـه در سجـودند .

و گروهی دائما دررکوعند و سر از رکوع‌برنمی‌دارند. و گروهی دائما ایستاده‌اند و به عبادت مشغولند .

گروهی همواره تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند.

گروهی امنای وحی اویند و زبان او به سوی پیامبران و گروهی دیگر حافظان بندگان او و دربانان بهشت برین هستند .

و گروهی پاهایشان در طبقات پایین زمین ثابت و گردنهایشان از آسمان درین گـذشته و شانـه‌هایشان بـرای حفظ پایه‌های عرش خداوند آماده است .

(۱۲۴) سیمای فرشتگان

عصمـت مـلائکـه

آیا ملائکه معصوم هستند ؟ آیا قدرت گناه کردن دارند نمی‌کنند و یا یک بعدی آفریده شده‌اند و قادر به گنـاه نیستنـد ؟

« یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا قُواآ اَنْفُسَـكُمْ وَ اَهْلیكُمْ نارا وَقُودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَةُ عَلَیْها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِـدادٌ لا یَعْصُونَ اللّهَ مـا اَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلُونَ ما یُؤْمَرُونَ » (۱).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید ! خود و خانواده خویش را از آتشـی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است ، نگاه دارید . آتشـی که فرشـتگانی بر آن گمـارده شـده کـه خشـن و سـختگیرند و هرگز مخـالفت فرمـان خـدا نمی‌کننـد و دسـتورات او را دقیقـا اجـرا می‌نمـاینـد» .

۱- آیه ۶ / سوره تحریم.

سیمای فرشتگان (۱۲۵)

جمله « لا یَعْصُونَ اللّهَ ... » نشان می‌دهـد که فرشـتگان قـدرت به گناه دارنـد ولی نمی‌کنند نه اینکه قادر نیسـتند و نمی‌کنند ولی این آیه راجع به عموم ملائکه نیست و فقط وضع مأموران جهنم را روشن می‌کند . آیه زیر در مورد عموم فرشتگان است که می‌فرمـاید :

« لا یَسْبِقُـونَـهُ بِـالْقَـوْلِ وَ هُـمْ بِـاَمْـرِه یَعْمَلُونَ » (۱).

«که هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیـرند و به فـرمـان او عمـل می‌کننـد» .

آنها آن قـدر مؤدب و تسلیم و سر بر فرمان خـدا هسـتند که هرگز در سـخن گفتن بر او پیشـی نمی‌گیرند و از نظـر عمـل نیز تنها فرمان خدا را اجرا می‌کنند .

۱- آیه ۲۷ / سوره انبیاء.

(۱۲۶) سیمای فرشتگان

این آیه نشان می‌دهد که مـلائکـه قـادر بـه گنـاه هستنـد ولـی نمی‌کننـد .

«وَ مَنْ یَقُلْ مِنْهُمْ اِنّی اِلهٌ مِنْ دُونِه فَذلِكَ نَجْزیهِ جَهَنَّمَ كَذلِكَ نَجْزِی الظّالِمینَ» (۱).

«و هـر کـس از آنهـا بگـویـد مـن معبـود دیگـری جـز خدا هستم ، کیفر او را جهنـم می‌دهیـم و ایـن گـونـه ستمگـران را کیفـر خـواهیم داد» .

روشن است که فرشـتگان با این صـفات برجسته و ممتاز و مقام عبودیت خالص ادعای معبودیّت نمی‌کننـد و اگر کسـی‌از آنها ادّعا

کند مورد عذاب است . این می‌رساند که قـدرت این ادّعا را دارند ولی نمی‌کننـد .

ماحصـل ایـن آیـات نشـان می‌دهد که ملائکه خدا معصوم هستند و مختار .

۱- آیه ۲۹ / سوره انبیاء.

سیمای فرشتگان (۱۲۷)

سجـــود تشـــریعی مـــلائکـــه

در قرآن در آیـات مختلف سـخن از سـجود عمومی موجودات جهان آمـده و تأکیـد شـده که این عبادتها مخصوص انسان‌ها نیسـت بلکه حتی موجودات ظاهرا بی‌جان نیز در آن شرکت دارند .

« اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّهَ یَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَ مَنْ فِی الاْرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوابُّ وَ کَثیرٌ مِنَ النّاسِ وَ کَثیرٌ حَقَّ عَلَیْهِ الْعَذابُ وَ مَنْ یُهِنِ اللّهُ فَما لَهُ مِنْ مُکْرِمٍ اِنَّ اللّهَ یَفْعَلُ ما یَشاءُ » (۱).

«آیا ندیدی که سـجده می‌کنند برای خدا تمام کسانی که در آسـمان‌ها و زمین هسـتند همچنین خورشید و ماه وکوه‌ها و ستارگان و درختان و جنبنـدگان و بسـیاری از مردم ، امّا بسـیاری ابا دارنـد و فرمان عذاب الهی درباره آنها حتمی است و هر کس را خدا خوار کند ، کسی او را گرامی نخواهد داشت ، خداوند هرکار را بخواهد انجام می‌دهد» .

۱- آیـــــه ۱۸ / ســوره حـــــجّ.

(۱۲۸) سیمای فرشتگان

یَسْجُدُ : سجده می کند

یُهِنِ : ذلیل و خوار کند

مُکْرِمٍ : گرامی کننده ، عزیز کننده

یَفْعَـلُ : انجام می‌دهد

یَشاءُ : می‌خـــواهـــد

حَقَّ : حق‌استو حتمی

سیمای فرشتگان (۱۲۹)

الدَّوابَّ : جنبنـــــدگـان

با توجه به آیه ، موجودات عــالم دارای دوگــونه سجــودند : سجود تکوینی و سجـــود تشــریعـــی .

خضوع و تسلیم بی‌قیـد و شـرط آن‌هـا در برابر اراده حق و قوانین آفرینش و نظـام حـاکم بر این جهان همان «سـجود تکوینی» آن‌ها است که تمام ذرات مـوجـودات را شـامل می‌شود .

اما «سجود تشریعی» همان نهایت خضوعی است که از صاحبان عقل و شعور و درک و معرفت در برابر خدا تحقّق می‌یابد .

بی‌شک در جمله « یَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَ الاْرْضِ... » فرشتگان داخلند ولی آیا سجـده آنها تکـوینی است یا تشـریعی» ؟

(۱۳۰) سیمای فرشتگان

بـا توجه به این کــه آنهــا دارای عقــل و شعــور و معــرفت و اراده‌انـد ، سـجود آنهـا جنبه تشریعی دارد . یعنی عبادت و خضوعی است که بـا اراده و اختیـار انجـام می گیـــرد .

چنـانچه قرآن درباره فرشـتگان می‌گویـد : «آنهـا هیـچ یـک از فرمان‌های الهی را عصیـان نمی‌کننـد و آنچـه را که او دسـتـور داده انجــام می‌دهند». (۱)

عـــــروج فـــــرشتگـــان

« مِنَ اللّهِ ذِی الْمَعارِجِ » (۲)

«از سوی خداوند ذی‌المعـارج است (خـداونـدی کـه فرشتگانش بر آسمـان‌هـا صعود می‌کنند)» .

۱- آیـه ۶ / ســوره تحـــریـم.

۲- آیه ۳ / سوره معارج.

سیمای فرشتگان (۱۳۱)

«تَعْرُجُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ اِلَیْهِ فی یَوْمٍ کـانَ مِقْـدارُهُ خَمْسینَ اَلْفَ سَنَهٍ» (۱).

«فرشتگان و روح (فرشته مخصوص) به سوی او عروج می‌کنند در آن روزی کـه مقـــدارش پنجـــاه هـــزار ســـال اســت» .

مَعارِج : جمع (مَعْرَج) جایی که از آن صعود می‌کنند

تَعْـرُجُ : عــروج مــی‌کنـــد

الرُّوحُ : دراینجابه‌معنی فرشته

کانَ : هســت ، واقـع شـــده

۱- آیـــه ۴ / ســـوره معـــــــارج.

(۱۳۲) سیمای فرشتگان

مِقْـــدارْ : انـــــــــــدازه

خَمَسینَ اَلْفَ : پنجـــاه هــزار

سَنَـهٍ : ســـــــــــال

«مَعارِجْ» جمع «مَعْرَجْ» به معنی پلّه یا جایی است که از آنجا صعود می‌کنند و از آنجا که خداوند مقامات مختلفی برای فرشتگان قرار داده که با سلسله مراتب به ســوی قـرب خــدا پیش می‌روند خداوند به «ذِی الْمَعارِجِ» توصیف شده است .

همچنین منظور از «عروج فرشـتگان» عروج جسـمانی نیست بلکه «عروج روحانی» است یعنی آنها به مقام قرب خـدا می‌شـتابند و در آن روز که روز قیـامت است ، آمـاده گرفتن فرمـان و اجرای آن می‌باشـند و همـان‌گونه که در آیه ۱۷ سوره حاقه آمـده است : « وَ الْمَلَکُ عَلی اَرْجائِها » «فرشتگان در اطراف آسمان قرار

سیمای فرشتگان (۱۳۳)

می‌گیرند» . این می‌رساند که در آن روز فرشتگان گرداگرد آسمان‌ها ایستاده و صف کشیده‌اند و آماده انجام مأموریتند .

ممثـــل و دیـــده شـــدن مـــلائکـــه

در قرآن درباره دیده شدن فرشتگان مطالب زیادی بیان شده از جمله اینکه :

در جریان حضرت ابراهیم که ملائکه چون مأمور به عذاب قوم لوط شدند ، ابتدا پیش ابراهیم علیه‌السلام آمده و به او مژده ولادت اسحق علیه‌السـلام را دادنـد آنهـا در صـورت بشـر بودنـد ، ابراهیم آنها را نشـناخت و برای آنهـا گوسـاله بریـان آورد و چـون دید نمی‌خورند ترسـید ، آنها گفتند : نترس ، ما مَلَکیم و برای قوم لوط فرستاده شده‌ایم ، زن ابراهیم علیه‌السلام نیز آنها را دید و از مژده ولادت تعجّب کرد ، گفتند: « اَتَعْجَبینَ مِـنْ اَمْـرِ اللّهِ » (آیـا از کـار خــود تعجّــب می‌کنــی) آن

(۱۳۴) سیمای فرشتگان

وقت ملائکه پیش لوط علیه‌السلام آمدند ، آن حضرت نیز آنها را نشناخت و از ورود آن‌ها که به صورت جوان بودند ناراحت گردید و آنگاه که قوم لوط خواستند آن‌ها را از دست لوط بگیرند و لوط بیچاره شد گفتند : « یا لُوطُ اِنّا رُسُلُ رَبِّکَ لَنْ یَصِلُوا اِلَیْکَ ... » (۱) فرشتگان به لوط گفتند: ما رسولان پروردگاریم و دست آزار قوم هرگز به تو نرسد .

و همچنین درباره مریم آمده : که ملک در صورت انسان پیش مریم آمد . مریم ترسید که آن جوان شاید نظر سوئی به مریم دارد گفت : من از تو به خدا پناه می‌برم . فرشته گفت : « قالَ اِنَّما اَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِاَهَبَ لَكِ غُلاما زَكِیا » .(۲)

۱- آیه ۶۹ ـ ۸۱ / سوره هود.

۲- آیه ۱۹ / سوره مریم.

سیمای فرشتگان (۱۳۵)

این آیات با روایات بیشتر ، شاهد صدق هستند بر اینکه ملائکه در صورت ممثل شدن قابل رؤیت‌اند و در قیامت هم نیکوکاران و هم بدکاران ملائکه را خواهند دید چنانکه درباره نیکوکاران فرموده :

« وَالْمَلائِكَةُ یَدْخُلُونَعَلَیْهِم مِنْ كُلِّ بابٍ سَلامٌ عَلَیْكُم »(۱) و درباره بدکاران فرموده : « یَوْمَ یَرَوْنَ الْمَلائِكَةَ لا بُشْری یَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمینَ وَ یَقُولُونَ حِجْرا مَحْجُورا » (۲)

فرشتگان عالم بالا از چه چیزی بحث می‌کنند ؟

« ما كانَ لِیَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَاءِ الاَعْلی اِذْ یَخْتَصِمُونَ » (۳).

۱- آیه ۲۳ / سوره رعد.

۲- آیه ۲۲ / سوره فرقان.

(۱۳۶) سیمای فرشتگان

«من از ملأ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که درباره آفرینش آدم مخاصمه می‌کردند خبری ندارم» .

اگرچه فرشتگان ، جدال و مخاصمه‌ای با پروردگار نداشتند ولی همین اندازه که به هنگام خطاب خداوند به «آنها که من می‌خواهم خلیفه‌ای در زمین بیافرینم» آنها به گفتگو پرداختند و عرض کردند : «آیا می‌خواهی کسی را بیافرینی که فساد و خونریزی کند» که خداوند در پاسخ آن‌ها فرمود : «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید» (۱).

۱- آیه ۶۹ / سوره ص .

۲- آیه ۳۰ / سوره بقره.

سیمای فرشتگان (۱۳۷)

به این گفتگوها «مخاصمه» اطلاق شده که یک اطلاق مجازی است .

در روایات متعددی که از طرق شیعه و اهل سنّت نقل شده است می‌خوانیم که پیغمبر گرامی از یکی از یارانش پرسید :

« اَتَدْری فیما یَخْتَصِمُ الْمَلَاءُ الاَعْلی : آیا می‌دانی فرشتگان عالم بالا از چه چیز بحث و گفتگو می‌کنند؟» عرض کرد : «نه» .

فرمود : آنها در مورد «کفّارات» (کارهایی که گناهان را جبران می‌کند) و «درجات» (آنچه بر درجه و رتبه انسان می‌افزاید) به گفتگو پرداختند . امّا کفّارات ، وضوی پرآب در سرمای زمستان گرفتن و به سوی نماز جماعت گام برداشتن و انتظار نماز بعد از نماز دیگر کشیدن است و امّا درجات ، بسیار سلام کردن و بسیار اطعام دادن و نماز در شب به هنگامی که چشم مردم در خواب است می‌باشد» . (۱)

(۱۳۸) سیمای فرشتگان

به هر حال از این حدیث استفاده می‌شود که منظور از «مخاصمه» در اینجا تنها بحث و گفتگو است نه جدال و کشمش ، بحث و

گفتگو از اعمال آدمیان و کارهایی که کفاره گناهان می‌شود و بر درجات انسان‌ها می‌افزاید و شاید گفتگوی آنها در تعداد اعمالی است که سرچشمه این فضایل می‌گردد و یا در تعیین حد و میزان درجاتی است که از این اعمال حاصل می‌شود .

فرشتگان چه اموری را تقسیم می‌کنند ؟

« فَالْمُقَسِّماتِ اَمْرا » (۲) : و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند ؟

۱- مجمع البیان.

سیمای فرشتگان (۱۳۹)

مُقَسِّماتِ : تقسیم‌کنندگان

اَمْـرا : کـار ، چیـــز

ابتدا در حدیثی می‌خوانیم : «اِبْنُ‌الْکَوّاء» روزی از حضرت علی علیه‌السلام در حالی که بر منبر خطبه می‌خواند سؤال کردند ؟ منظور از ذاریـاتِ ذَرْوا » چیست؟فرمود: «بادهـا» عرض کرد: «فَالْحامِلاتِ وِقْرا» فرمود : «ابرها» عرض کرد : « فَالْجارِیات یُسْرا » ؟ فـرمـود: «کشتـی‌هـا» عـرض کـرد: « فَالْمُقَسِّماتِ اَمْرا » ؟ فرمود : «منظـور فرشتگـان است» .

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که اگر منظور فرشتگان است ، فرشتگان چه اموری را تقسیم می‌کنند» ؟

۱- آیـه ۴ / ســوره ذاریــات.

(۱۴۰) سیمای فرشتگان

در پاسخ می‌گوییم : این تقسیم کـار ممکن است مربوط به کـل تـدبیر این عالم باشـد که گروه‌هایی از فرشـتگان الهی به فرمان او تدبیر امور جهان را برعهده دارند و نیز ممکن است مربوط بـه تقسیم ارزاق و یا تقسیم قطرات باران بر منـاطق روی زمین باشد .

چگونه فرشتگان در میدان‌ها وارد جنگ می‌شوند؟

«اِذْتَسْتَغیثُونَ رَبَّکُمْ فَاسْتَجابَ لَکُمْ اَنّی مُمِدُّکُمْ بِاَلْفٍ مِنَ الْمَلائِکَةِ مُرْدِفینَ» (۱).

«به خـاطر بیاوریـد زمـانی را که (از شـدّت نـاراحتی در میـدان بـدر) از پروردگارتـان تقاضـای کمک کردیـد و او تقاضای شـما را پذیرفت و گفت : من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند یاری می‌کنم» .

۱- آیـه ۹ / ســوره انفــال.

سیمای فرشتگان (۱۴۱)

تَسْتَغیثُونَ : یـاری خواستیـد

اِستَجـابَ : پذیـــرفــت

مُمِدُّ : امداد و یاری‌و فزونی‌داد

اَلْفِ : هزار

مُرْدَفینَ : از مـاده (اِرْداف) پشت ســر هـم قـــرار گـــرفتـه .

این آیات به قسـمت‌های حساسـی از جنگ بدر و نعمت‌های گوناگونی که خداوند در این صـحنه خطرناک نصـیب مسـلمانان کرد اشاره می‌کند تا حس اطاعت و شکرگزاری آنها را برانگیزد و راه را به سوی پیروزی‌ها و پیشرفت آینـده در برابر آنهـا بگشـایـد .

(۱۴۲) سیمای فرشتگان

نخست به یـاری فرشـتگان اشاره کرده می‌گویـد : «به خاطر بیاوریـد زمانی را که از شـدت وحشت و اضـطراب که از شـدت کثرت

نفرات دشمن و فزونی تجهیزات جنگی آن‌ها برای شما پیش آمده بود به خدا پناه بردید و دست خود را به سوی آسمان بلند کرده و از وی تقاضای کمک نمودید» .

در پاره‌ای از روایات آمده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز با مسلمان‌ها در استغاثه(۱) و یاری طلبیدن از خداوند هم‌صدا بود ، دست خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و عرضه می‌داشت : « اَللّهُمَّ انْجِزْلی ما وَعَدْتَنی . اَللّهُمَّ انْ تَهْلِکَ هذِهِ الْعِصابَةُ لا تُعبَدُ فِی الاٰرْضِ : خداوندا وعده‌ای را که به من داده‌ای تحقق بخش ، پروردگارا اگر این گروه مؤمنان نابود شوند پرستش تو از زمین برچیده خواهد شد» (۱).

۱- استغاثه : دادرسی خواستن .

سیمای فرشتگان (۱۴۳)

در این هنگام «خداوند تقاضای شما را پذیرفت و فرمود : من شما را با یک هزار فرشته که پشت سر هم فرود می‌آیند کمک و یاری می‌کنم» .

«مُرْدَفین» از ماده «اِرْدافْ» به معنی پشت سر هم فرود می‌آیند ، است بنابراین مفهوم این کلمه این می‌شود که فرشتگان پشت سر هم یکدیگر برای یاری مسلمان‌ها فرود می‌آمدند .

سپس برای اینکه کسی خیال نکند پیروزی به دست فرشتگان و مانند آنها است می‌گوید: «خداوند این کار را فقط برای بشارت و اطمینان قلب شما قرار داد» .

۱- مجمع البیان، ذیل آیه.

(۱۴۴) سیمای فرشتگان

«وگرنه پیروزی جز از طرف خدا نیست و مافوق همه این اسباب ظاهری و باطنی اراده و مشیت خداست و خداوند توانا و حکیم است» .

آیا فرشتگان جنگیدند ؟

در میان مفسران در این زمینه گفتگوی بسیار شده بعضی معتقدند که فرشتگان رسما وارد صحنه نبرد شدند و با سلاح‌های مخصوص به خود به لشکر دشمن حمله کردند . ولی قرائنی در دست است که نشان می‌دهد نظر گروه دوم که می‌گویند : فرشتگان تنها برای دلگرمی و تقویت روحیه مؤمنان نازل شدند ، به واقع نزدیک‌تر است زیرا :

اولاً : در آیه فوق خواندیم که می‌فرمود : این‌ها تمام برای اطمینان قلب شما بوده است که با احساس این پشت گرمی بهتر مبارزه کنید ، نه اینکه آنها اقدام به جنگ کرده باشند .

سیمای فرشتگان (۱۴۵)

ثانیا : اگر بنا شود فرشتگان ، شجاعان و سربازان دشمن را به خاک افکنده باشند چه فضیلتی برای مجاهدان بدر باقی خواهد ماند .

ثالثا : تعدادمقتولین‌بدر ۷۰نفربودندکه‌قسمت‌مهمی‌ازآنهاباشمشیرعلی علیه‌السلام به خاک افتادند و قسمت دیگری به دست جنگجویان اسلام ، بنابراین چه‌باقی خواهد ماند برای فرشتگان و چه کسی از آن‌ها را فرشتگان به خاک افکندند .

چرا فرشتگان را فرزندان خدا می‌نامند ؟

«وَقالُوا اتَّخَذَالرَّحمنُ وَلَدا سُبْحانَهُ بَلْ عِبادٌ مُکْرَمُونَ » (۱) «آنها گفتند :

۱- آیه ۲۶ / سوره انبیاء.

(۱۴۶) سیمای فرشتگان

خداوند رحمن فرزندی برای خود برگزیده است منزّه است (از این عیب و نقص) . این‌ها فرشتگان بندگان خدایند و بندگان شایسته فرمانبردار» .

قالُـــوا : گفتنـــــــد

اِتَّخَذَ : برگزیده ، اخذ کرده

الرَّحْمنُ : بسیار بخشنده

وَلَـــدا : فرزنـــــــد

سُبْحـانَ : منـــزّه و پــــاک

عِبادٌ مُکْرَمُونَ : بندگان شایسته

بسیاری از مشرکان عرب عقیده داشتند که فرشتگان فرزندان خدا هستند و به همین دلیل گاه آنها را پـرستش می‌کـردنـد . قـرآن صـریحـا در آیات فـوق ایـن عقیـده خـرافی و بی‌اســـاس را محکـوم کرده و بطلاـن آن را بـا دلاـیـل مختلـف بیـان می‌کنـد .

سیمای فرشتگان (۱۴۷)

نخســت مـی‌گـویـد : (وَ قــالُوا اتَّخَـذَ الـرَّحْمـنُ وَلَـدا) .

یعنی اگر منظورشان فرزنـد حقیقی باشد که لازمه آن جسم بودن است و اگر «تَبَنّی» (۱) که در میان عرب معمول بوده است باشد ، آن نیز دلیل بر ضعف و احتیاج است و از همه اینها گذشته اصولاً کسی نیاز به فرزند دارد که فانی می‌شود و برای بقاء نسل و کیان و آثار او بایـد فرزنـدش حیات او را ادامه دهـد و یا برای عـدم احساس تنهایی و انس گرفتن یا کسب قدرت است . اما یک موجود ازلی و ابدی و غیرجسمانی و از هر نظر بی‌نیاز ، فرزند در مورد او معنی ندارد . لذا بلافاصله می‌فرماید : «سُبْحانَهُ : منزه و پاک است او (از هر عیب و نقص) و بعد در ادامه می‌فرماید : «آنها فرشتگان

۱- تَبَنّـی : فـــرزنـد خـــوانـدگـی.

(۱۴۸) سیمای فرشتگان

بندگان شـایسته و گـرامی داشتـه خـداینـد» .

چرافرشتگان رابصورت زن ودخترترسیم می‌کنند؟

« وَ جَعَلُوا الْمَلائِکَةَ الَّذینَ هُمْ عِبادُ الرَّحْمنِ اِناثا اَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُکْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ یُسْئَلُونَ » (۱) «آنها فرشتگان را که بندگان خدایند ، مؤنث پنداشتند ، آیـا به هنگـام آفرینش آن‌هـا شاهـد و حاضـر بودنـد ؟ این گونه آنها نوشـته می‌شود و از آن‌هـا بـازخـواسـت خـواهنـد شد» .

۱- آیه ۱۹ / سوره زخرف.

سیمای فرشتگان (۱۴۹)

جَعَلُوا : قــرار دادنــد

اِناثا : مؤنث ، زنـــان

اَشَهِدُوا : شاهد بودند

خَلْـق : آفرینــــش

سَتَكْتُـــبُ : نـوشتــه می‌شــود

يُسْئَلُونَ : سؤال می‌کنند ، طلب می‌کنند

در این آیه خداوند با صـراحت بیشتری می‌فرماید : «آنها فرشـتگان را که بنـدگـان خـداینـد مـؤنث پنـداشتنـد و دختـران خـدا معـرفـی کردند» .

آری ، آن‌ها بنـدگان شایسته خـدا هسـتند و سـر بر فرمان او دارند و تسـلیم اراده خدایند . تعبیر به «عِباد» در واقع جواب پندار آن‌ها است ، زیرا اگر مؤنث بودند

(۱۵۰) سیمای فرشتگان

باید «عِبادات» گفته شود ، ولی باید توجه داشت که «عِبادَ» هم جمع مذکّر است و هم به‌موجوداتی‌که خارج از مذکّر و مؤنث باشـند ، ماننـد فرشـتگان اطلاق می‌شود ، همان‌گونه که در مورد خود خداونـد نیز ضـمیرهای مفرد مذکّر به کار می‌رود ، درحالی که خدا مافوق همه این‌ها است .

قابـل توجه اینکه در این جمله «عِبادُ» به «الرَّحْمن» اضافه شـده ، این تعبیر ممکن است اشاره به این باشـد که غالب فرشـتگان مجریان رحمت خداوند و تـدبیـرکننـدگـان نظامات عالم هستی که سراسر رحمت است می‌بـاشنـد .

اما چرا این خرافه در میان عرب جاهلی پیدا شد ؟ و چرا هم‌اکنون رسوبات آن در مغزهای گروهی باقی ماده تا آنجا که فرشتگان را به صورت زن و دختر ترسیم می‌کننـد حتی به اصـطلاح «فرشته آزادی» را وقتی مجسّم می‌سازند در چهره زنی باقیافه زیبا و موهای فراوان ترسیم می‌کنند !

سیمای فرشتگان (۱۵۱)

این پنـدار ممکن است از اینجا سرچشـمه گرفته باشد که فرشـتگان از نظر مسـتورند و زنان نیز غالبا مسـتور بوده‌اند و یا اینکه لطافت وجود فرشـتگان سـبب شده که آن‌ها را هم‌جنس زنان که نسبت به مردان موجودات لطیف‌تری هسـتند بدانند و عجب اینکه بعد از مبارزه اسـلام با این تفکر خرافی باز هم هنگامی که می‌خواهند زنی را به خوبی توصیف کنند می‌گویند او یک فرشته است و کلمه فرشتـه را نیز به‌جای نام برای دختران انتخاب می‌کنند .

برای همین خداونـد به صورت اسـتفهام انکاری در پاسـخ آنها می‌گویـد : «آیا به هنگام آفرینش فرشـتگان حاضـر بودنـد و از طریق حضور خود به این امر پی بـودهانـد ، گــواهـی آنهـا بر این عقیـده بی‌اسـاس در نامه‌هـای اعمالشان ثبت می‌شــود و روز قیـامت مورد سؤال قـرار می‌گیـرند .

(۱۵۲) سیمای فرشتگان

همچنیـن در سـوره نحـل ، آیـه ۵۷ آمده است که :

« وَ يَجْعَلُونَ لِلّهِ الْبَناتِ سُبْحانَهُ وَ لَهُمْ ما يَشْتَهُونَ »

«آنهـا در پنـدار خـود بـرای خداونـد دختـرانی قـرار می‌دهند ، منزّه است او (از ایـن کـه فـرزنـدی داشتـه باشد) ، ولی بـرای خـودشان آنچـه را میل دارنـد قـائـل می‌شـــوند» .

همچنین مشـرکان برای خداونـدی که از هرگونه آلایش جسـمانی پاک است دخترانی قائل می‌شونـد و معتقـد بودنـد که فرشـتگان دختران خدایند یا بدون ذکر انتسـاب بـه خـدا آنهـا را از جنـس زن می‌دانستند .

برای همین خداوند در سوره اسراء آیه ۴۰ هم می‌فرماید : « اَفَأَصْفیكُمْ رَبُّكُمْ

سیمای فرشتگان (۱۵۳)

بِالْبَنینَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلائِکَةِ اِناثا : آیا خداوند به شما پسرانی داده و از فرشتگان ، دخترانی انتخاب کرده است» .

چهار فرشته مقرّب الهی

« مَـنْ کـانَ عَـدُوّا لِلّـهِ وَ مَـلائِکَتِـه وَ رُسُلِه وَ جِبْریلَ وَ میکالَ فَاِنَّ اللّهَ عَـدُوٌّ لِلْکـافِـرینَ » (۱)

«هرکسی که دشمـن خـدا و فـرشتگـان و فرستادگان و جبرئیل و میکـائیل بـاشد ، (کـافـر اسـت) و به‌راستـی که خداوند دشمن کافران است» .

۱- آیـه ۹۸ / سوره بقـره .

(۱۵۴) سیمای فرشتگان

کـانَ : بـاشـد

عَـدُوّ : دشمـن

جِبْریلَ : فرشته جبرئیل

میکـالْ : فرشته میکائیل

کـافِـرینْ : کسـانـی هستنـد کـه اصـول دیـن را انکـار می‌کننـد .

در این آیه اشاره به این شده که اللّه ، فرشتگان او ، فرستادگان او ، جبرئیل ، میکائیل و هر فرشته دیگر قابل تفکیک نیستند و در حقیقت دشمنی با یکی دشمنی با بقیه است .

و به تعبیر دیگر دستورات الهی که تکامل بخشی انسان‌ها است از سوی خداوند به وسیله فرشتگان بر پیامبران نازل می‌شود و اگر تفاوتی بین مأموریت‌های آن‌ها باشد از قبیل تقسیم مسئولیت است نه تضادّ در مأموریت آن‌ها ، آن‌ها همه در یک مسیر هدف قرار دارند بنابراین دشمنی با یکی از آن‌ها ، دشمنی با خدا است .

سیمای فرشتگان (۱۵۵)

دلیل آمدن نام این دو فرشته گرانقدر (جِبْریلْ و میکالْ) پس از واژه «فرشتگان» در این آیه شریفه ، این است که این دو فرشته مقام و منزلت خاصی در میان فرشتگان دارند .

نـام «جبریل» سه بار (یک‌بار در سوره تحریم آیه ۴ و دو بار در سوره بقره آیه ۹۷ و ۹۸) و نام «میکال» یک‌بار (در همین آیه) آمده است و از همین آیات استفاده می‌شود که هر دو از فرشتگان بزرگ و مقرّب خدایند .

در تلفظات معمولی مسلمین جبرئیل و میکائیل هر دو با همزه و یاء تلفظ می‌شوند ولـی در متـن قـرآن تنها به صـورت میکال و جبریل آمده است .

(۱۵۶) سیمای فرشتگان

عـدّه‌ای گفته‌اند ، نام این دو فرشته بدان جهت در آیه شریفه ذکر شده که یهود با آن‌ها اظهار دشمنی کردند و گروهی نیز برآنند کـه علّت ذکر نـام ایـن دو فرشته ، ایـن است کـه همه بداننـد آن دو ، از فرشتگان گرانقـدر خـدا هستند و یهودیـان پنـدارهـای بـی‌اسـاس در مـورد آن‌ها دارنـد .

در کتب اسلامی معمولاً ـ چهار فرشته مقرب الهی را «جبرئیل» و «میکائیل» و «اسرافیل» و «عزرائیل» شمرده‌اند که از میان آن‌ها «جبرئیل» از همه برتر است . جبرئیل فرشته‌ای روحانی است و هم وجودی است حیاتبخش چراکه حامل رسـالت الهـی بر پیامبران است که احیـاءکننده همه انسان‌های لایق می‌باشد .

پنـج وصـف بـرای جبـرئیـل

سیمای فرشتگان (۱۵۷)

« اِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ کَرِیم(۱) : که این قرآن کلام فرستاده بزرگواری است (جبرئیل امین)» .

« ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِیالْعَرْشِ مَکینٍ » (۲)

«که صاحب قدرت است و نزد خداوند صاحب عرش مقام والا دارد» .

« مُطاعٍ ثَمَّ اَمینٍ » (۳) : فرمانروا و امین است .

قَوْلْ : سخن ، کلام

۱- آیه ۱۹ / سوره تکویر .

۲- آیه ۲۰ / سوره تکویر .

۳- آیه ۲۱ / سوره تکویر .

(۱۵۸) سیمای فرشتگان

کَریم : بخشنده

ذی قُوَّةٍ : صاحب قدرت

ذِیالْعَرْشِ:صاحب‌عرش

مَکینٍ : کسی که به صاحب منزلت است

مُطاعٍ : فرمانبردار ، اطاعت کننده

ثَمَّ : اسم اشاره به مکان بعید

اَمین : درستکار ، امانتدار

خداوند در این آیات پنج وصف برای «جبرئیل» پیک وحی الهی بیان کرده که در حقیقت اوصافی است که برای هر فرستاده جامع‌الشرایط لازم است .

نخست اینکه توصیف او به «کریم بودن» که اشاره به ارزش وجودی او است

سیمای فرشتگان (۱۵۹)

آری او نزد پروردگار موجودی است با ارزش و بااهمیت .

و سپس به وصف دیگر او پرداخته می گوید :

(ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذی الْعَرْشِ مَکینٍ) .

تعبیر به « ذی قُوَّةٍ » درباره جبرئیل به خاطر آن است که برای دریافت چنین پیام بزرگ و ابلاغ دقیق آن قدرت و نیروی عظیمی لازم است و اصولاً هر رسول و فرستاده‌ای باید در حدود رسالت خود صاحب قدرت باشد مخصوصا باید از هرگونه فراموشکاری در زمینه پیامی که مسئول ابلاغ آن است برکنار باشد .

و تعبیر به «ذِی الْعَرْشِ» اشاره به ذات پاک خداوند است گرچه او صاحب تمام عالم هستی است ولی از آنجا که عرش خواه به معنی ماوراء باشد و یا مقام علم مکنون خداوند ، اهمیت بیشتری دارد ، او را به صاحب عرش بودن توصیف

(۱۶۰) سیمای فرشتگان

می کند .

«مَکین» به معنی کسی است که صاحب منزلت و مکانت است اساسا باید رسول شخص بزرگ و فرد برجسته‌ای باشد که بتواند نمایندگی و رسالت او را به عهده گیرد و کاملاً مقرّب و نزدیک او باشد و مسلما تعبیر به «عِنْدَ» به معنی حضور مکانی نیست ،

چراکه خداوند مکان ندارد بلکه حضور مقامی و قرب معنوی است .

در چهـارمیـن و پنجمیـن تـوصیـف می گـویـد :

«او فرمانروای فرشتگان و امین‌است» «مُطاعٍ ثَمَّ اَمینٍ».

تعبیر به «ثَمَّ» که برای اشاره به بعیـد است ناظر به این حقیقت است که پیک وحی خـدا در عالم فرشـتگان نافذالکلمه و مورد اطاعت است و از همه این‌ها گذشته در ابـلاغ رسـالت خـویش نهـایت امـانـت را دارد .

سیمای فرشتگان (۱۶۱)

از روایات اسـتفاده می‌شود که جبرئیل هنگام ابلاغ وحی و قرآن از سوی گروه عظیمی از فرشتگان همراهی می‌شد و مسلما در میان آن‌ها «مُطاع» بود و یک رسول باید در میان همراهانش فرمانروا و مطاع باشد .

در حـدیثی آمـده است : به هنگام نزول این آیات پیغمبر اکرم به جبرئیل فرمود : «چه خوب خداونـد تو را سـتوده است که فرموده ، صاحب قـدرت است و در نزد خداونـد صاحب عرش قرب و مقام دارد و در آنجا فرمانروا و امین است ، نمونه‌ای از قـدرت و امانت خود را بیان کن ، جبرئیل در پاسخ عرض کرد : امّا نمونه قدرت من اینکه مأمور نابودی شهرهای قوم لوط شدم و آن چهار شهر بود ، در هر شهر چهارصد هزار مرد جنگجو وجود داشت به جز فرزندان آن‌ها ، من این

(۱۶۲) سیمای فرشتگان

شهـرها را از بیـن برداشـتم و به آسمان بردم تا آنجـا که فـرشتگـان آسمـان صدای حیوانات آنها را شنیدند پس به زمین آوردم و زیر و رو کردم و امّا نمونه امانت من این است که هیچ دستوری به من داده نشده که از آن دستور کمتـریـن تخطّـی کـرده باشم» .(۱)

جبــرئیل فرشته وحی و اوصاف او

« نَزَلَ بِهِ الـرُّوحُ الْامیـــنُ » (۲)

«روح الامین آن را (قرآن) نازل کرده است» .

نَـزَل : پــاییـن آورد ، نــازل کــرد

۱- مجمع البیان ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۴۶.

۲- آیه ۱۹۳ / سوره شعراء.

سیمای فرشتگان (۱۶۳)

الــرُّوحُ الامیـن : منظــور جبرئیـل است

خداوند به خاطر اینکه نشانه اعجاز قرآن و اینکه از سوی رب‌العالمین نازل شده است را در این آیه اضافه می کند «آن را روح‌الامین از سوی خداوند آورده است» .

اگر آن فرشته وحی و آن «روح‌الامین پروردگار» ، آن را از سوی خدا نیاورده بود این چنین درخشان و پاک و خالی از آلودگی به خرافات و اباطیل نبود .

قـابل تـوجـه اینکـه فـرشتـه وحـی که همـان جبـرئیل اســت در اینجـا با دو عنوان تـوصیـف شده عنـوان «روح» و عنـوان «امین» . روحی کـه سـرچشمـه حیـات است و امـانتی که شرط اصلی هدایت و رهبری است .

« قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّکَ بِالْحَقِّ لِیُثَبِّتَ الَّذینَ امَنُوا وَ هُدیً وَ بُشْری لِلْمُسْلِمیـــــنَ » (۱).

(۱۶۴) سیمای فرشتگان

«بگو ، آن را روح‌القدس از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است ، تا افراد باایمان را ثابت قدم گرداند و هدایت و بشارتی‌است برای عموم‌مسلمین» .

«روح القدس» یا «روح مقدس» همان پیک وحی «جبرئیل امین» است و اما چرا جبرئیل را «روح القدس» می گویند ، به خاطر این است که از طرقی جنبه روحانیت در فرشتگان مسأله روشنی است و اطلاق کلمه (روح) بر آنها صحیح است و اضافه کردن آن به «الْقُدُسْ» اشاره به پاکی و قداست فوق‌العاده این فرشته است .

از این آیات نتیجه می گیریم که واسطه وحی خدا «جبرئیل»

۱- آیه ۱۰۲ / سوره نحل .

سیمای فرشتگان (۱۶۵)

بوده و با القاب «روح القدس» و «روح‌الامین» بیان شده است .

جبرئیل معلّم پیامبر بود یا نه ؟

« عَلَّمَهُ شَدیدُ الْقُوی »(۱).

«آن کسی که قدرت عظیمی دارد او را (حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله) تعلیم داده است» .

عَلَّمَ : تعلیم داد

شَدیدُ : سخت ، محکم

القُوی : نیروها و قوّت‌ها

نظریه مشهور مفسران این است که معلّم پیامبر همان «جبرئیل» پیک وحی خدا بود که قدرت فوق‌العاده داشت او که معمولاً به صورت انسانی خوش چهره بر پیامبر ظاهر می گشت و پیام الهی را ابلاغ می کرد . دوبار در تمام عمر آن حضرت به قیافه و چهره اصلیش بر او ظاهر می گشت .

۱- آیه ۵ / سوره نجم .

(۱۶۶) سیمای فرشتگان

این تفسیر را که منظور از «شَدیدُ الْقُوی» جبرئیل امین است گروه زیادی از مفسران از جمله طبرسی (مجمع البیان) ، فخر رازی (مفاتیح الغیب) و علامه طباطبایی (المیزان) ، ... برگزیده‌اند .

ولی این تفسیر با تمام طرفدارانی که دارد خالی از اشکال نیست : زیرا تعبیر به «عَلَّمَهُ» یا مانند آن در قرآن هیچ‌گاه در مورد جبرئیل به کار نرفته و این تعبیر در مورد خداوند نسبت به پیامبر اسلام و پیامبران دیگر بسیار زیاد است و یا به عبارت دیگر جبرئیل معلّم پیامبر نبود بلکه واسطه وحی بود و معلّمش تنها خدا است و «شَدیدُ الْقُوی» به معنی کسی است که تمام قدرت‌هایش فوق‌العاده است و تنها مناسب ذات پاک پروردگار است .

سیمای فرشتگان (۱۶۷)

روح فرشته‌ای برتر از جبرئیل و میکائیل

«یَوْمَ یَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِکَةُ صَفّا لا یَتَکَلَّمُونَ اِلاّ مَنْ اَذِنَ لَهُالرَّحْمنُ وَ قالَ صَوابا» (۱).

«این‌ها در آن روز واقع می‌شوند که" روح "و" ملائکه "در یک صف قیام می کنند و هیچ‌یک جز به اذن خداوند رحمن سخن نمی گوید و آن‌گاه که می گویند ، صواب می گویند» .

یَقُومُ : قیام می کنند به معنی وقوع امر

۱- آیه ۳۸ / سوره نبأ.

(۱۶۸) سیمای فرشتگان

اَلرُّوحُ : روان و روح ، در اینجـا منظـور فرشته مخصوص

صَفّا : جمـع صـاف ، صـف کشیـده

یَتَکَلَّمُونَ : سخن می گویند ، تکلّم می کنند

اَذِنَ : در اینجا چون با لام آمده به معنی اجازه و گوش دادن

اَلرَّحْمـنُ : بخشنـده

قالَ : می گویند ، بگویند

صَـوابـا : حق و درسـت مطـابق حکمـت و عقـل

قیـام فـرشتگـان

بـدون شک قیام «روح» و «فرشـتگان» در آن روز در یک صف و سـخن نگفتن جز به اذن خداوند رحمن فقط برای اجرای فرمان او است ، آن‌ها در ایـن جهـان نیز «مـدبّرات امـر» و مجـری فرمـان او هسـتند و در عـالم آخرت ایـن امر آشـکارتر و واضـح‌تـر اسـت .

سیمای فرشتگان (۱۶۹)

قابل توجه اینکه روح در قرآن مجید به صورت مطلق و بدون هیچ قید ذکر شده و در این حال غالبا در برابر ملائکه قرار گرفته مانند :

« تُعْـرُجُ الْمَـلائِکَةُ وَ الـرُّوحُ اِلَیْـهِ» . (۱)

«فرشتگـان و روح بـه سـوی او بـالا می‌رونـد» .

« تَنَزَّلُ الْمَلائِکَةُ وَ الرُّوحُ فیها بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ اَمْرٍ».(۲)

«در شب قـدر مـلائکـه و روح به‌فرمان پروردگـارشـان با هـر چیزی نـازل می‌شـونـد» .

۱- آیه ۴ / سوره معارج .

۲- آیه ۴ / سوره قدر.

(۱۷۰) سیمای فرشتگان

در همه این آیات سخن از روحی است که در عروج به سوی خدا و در نزول برای هرکار و در ایستادن در پیشگاه خدا و در روز قیامت ، با ملائکه همراه است .

پس منظور از روح در اینجا یکی از فرشتگان بزرگ الهی است که بر طبق بعضی از روایات حتّی از جبـرئیل بهتـر و برتـر است .

چنانچه در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم : «او فرشته‌ای است بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل» (۱)

در دعـای سـوم صحیفـه پس از صلـوات بـر جبـرئیـل و میکائیل و اسـرافیـل فـرمـوده :

۱- مجمع‌البیان ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۲۷.

سیمای فرشتگان (۱۷۱)

« وَ الرُّوحُ الَّذی هُوَ عَلی مَلائِکَةِ الْحُجُبِ وَ الرُّوحُ الَّذی هُوَ مِنْ اَمْرِک : صلوات فرست برآن روح که برملائکه حجب موکّل است و برآن روح که از امر تواست» (۱).

در تفسیر «علی‌بن‌ابراهیم» نیز آمده است : « الروح ملک اعظم من جبرئیل و میکائیل و کان مع رسول الله و هو مع الائمهٔ (ع) : روح فرشته‌ای برتر از جبرئیل و میکائیل و او با رسول خدا همراه بوده و با امامان است .

این مخلوق بزرگ الهی خواه از فرشتگان باشد یا از موجودی دیگر ، در قیامت همراه ملائکه آماده اطاعت فرمان او هستند و چنان هول و اضطراب محشر همه

۱- مجمع البیان ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۲۸.

(۱۷۲) سیمای فرشتگان

را فرا گرفته که هیچ کس را یارای سخن گفتن نیست و آنگاه که ذکری یا سخنی بگویند یا شفاعتی کنند ، تنها به اذن پروردگار است ، حمد و ثنای او می‌گویند و یا شفاعت کنند ، تنها به اذن پروردگار است ، حمد و ثنای او می‌گویند و یا شفاعت برای آن‌ها که شایسته شفاعت هستند .

تعبیر به «صَواباً» دلیل بر این است که اگر روح و ملائکه یا انبیاء و اولیاء برای کسانی صحبت می‌کنند و شفاعت می‌کنند آن هم روی حساب است و حق و درست و بی‌دلیل نیست .

ماجرای‌هاروت‌وماروت دوملک‌بزرگ‌الهی

« وَاتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّیاطینُ عَلی مُلْکِ سُلَیْمانَ وَ لکِنَّ الشَّیاطینَ کَفَرُوا یُعَلِّمُونَ النّاسَ السِّحْرَ وَ ما اُنْزِلَ عَلی الْمَلَکَیْنِ بِبابِلَ هارُوتَ وَ مارُوتَ وَ ما یُعَلِّمانِ مِنْ اَحَدٍ حَتّی یَقُولا اِنَّما نَحْنُ فِتْنَهٌٔ فَلا تَکْفُرْ فَیَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما یُفَرِّقُونَ بِهِ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِه وَ ما هُمْ بِضّارّینَ به مِنْ اَحَدٍ اِلاّ بِاِذْنِ اللّهِ وَ یَتَعَلَّمُونَ ما یَضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَریهُ ما لَهُ فِی الْاخِرَهِٔ مِنْ خَلاقٍ وَ لَبِئْسَ ما شَرَوْا به اَنْفُسَهُمْ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ » (۱).

سیمای فرشتگان (۱۷۳)

«و (یهودیان) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی می‌کنند . سلیمان هرگز کافر نشد و لکن شیاطین کفر ورزیدند و به مردم تعلیم سحر دارند و نیز (یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل " هاروت "و" ماروت "نازل شد پیروی کردند (آنها طریق سحر کردن را برای آشنایی با طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند) و به هیچ‌کس چیزی یاد نمی‌دادند مگر اینکه قبلاً به او می‌گفتند ما

۱- آیه ۱۰۲ / سوره بقره.

(۱۷۴) سیمای فرشتگان

وسیله آزمایش شما هستیم ، کافر نشوید . ولی آنها از آن دو فرشته مطالبی را می‌آموختند که بتواند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند ولی هیچ‌گاه بدون فرمان خدا نمی‌توانند به انسانی ضرر برسانند ، آنها قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که برای آنان زیان داشت و نفعی نداشت و مسلما می‌دانستند هرکس خریدار این گونه متاع باشد بهره و فایده‌ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند بودآن‌چه خود را به آن می‌فروختند : اگر علم و دانش می‌داشتند» .

اِتَّبَعُوا : پیروی کردند

تَتْلُوا : دنبال می‌کردند ، تلاوت می‌کردند

فِتْنَهٌٔ : آزمایش ، آزمون

السِحْرَ : سحر و افسون

سیمای فرشتگان (۱۷۵)

کَفَرُوا : کافـر شـدنـد

مَـرْء : مــــــــرد

اِذْن : آگاهی ، فرمان ، اجازه ، دستور

خَلاقٍ : بهره و برخورداری شایسته

اِشْتَــری : خـریـدار

ماشَرَوْا : ما : آنچه ، شَرَوْا : فروختند

مایَضُرُّ : زیـان و گـزند می‌رسانید

لا یَنْفَعُ : ســـودی نمـی‌آورنـــد

یُفَرِّقُونَ : جدایـــی مـــی‌افکننـــد

درباره «هاروت» و «ماروت» این دو فرشته بزرگ که به سرزمین بابل آمدند

(۱۷۶) سیمای فرشتگان

افسانه‌ها و اساطیر عجیبی به وسیله داستان‌پردازان ساخته شـده و به این دو ملـک بزرگ الهی بسته‌اند . آنچه از میـان همه این‌ها صحیح‌تر به نظر می‌رسد و به موازین عقلی و تاریخی و منابع حدیث سازگار است همان است که در ذیل می‌خوانیم : «در سـرزمین بابـل سـحر و جـادوگری به اوج خود رسـیده بود و باعث ناراحتی مردم گردیـده بود به همین دلیل خداونـد دو فرشـته را به صورت انسان مأمور ساخت که عوامل سـحر و طریق ابطال آن را به مردم بیاموزنـد و مردم را به طرف خود بکشانند و راه‌های مبارزه با آفت جنون‌آمیز سـحر و افسون را که در آن روزگاران زندگی را به مردم تلخ و دردناک ساخته بود به آنان بیاموزند و سحر و جادو را از معجزه‌ای که سند صداقت و درستی پیامبران خدا است بازشناسانند و مردم را در برابر آن جادوگران یاری کنند تا مردم بتوانند خود را از شرّ ساحران برکنار کنند ولی این تعلیمات بالاخره قابل سوء استفاده بود چراکه فرشتگان ناچار بودند برای ابطال سحر ساحران طرز آن را نیز تشریح کنند تا مردم بتوانند از این راه به پیشگیری بپردازند ، این موضوع سبب شد که گروهی پس از آگاهی از طرز سحر ، خود در ردیف ساحران قرار گرفتند و موجب مزاحمت تازه‌ای برای مردم شدند .

سیمای فرشتگان (۱۷۷)

بـا اینکه آن دو فرشـته بزرگ الهی «هـاروت» و «مـاروت» به مردم هشـدار می‌دادنـد که این یـک نوع کفر است اما آنها به کارهایی می‌پرداختند که موجب ضرر و زیان مردم می‌شد . (مجمع‌البیان)

در اینجا سؤالی باقی می‌ماند و آن اینکه «هاروت» و «ماروت» دو فرشته بزرگ الهی بودند که برای مبارزه با آزار و اذیّت ساحران به تعلیم مردم پرداختند

(۱۷۸) سیمای فرشتگان

آیـــا بـــه راستــــی فــــرشتـــه می‌تـــوانـــد معلّـــم انســـان بـــــاشـــد ؟

پاسـخ این سؤال در همین آیه ذکر شـده است و آن اینکه خداونـد آن‌ها را به صورت انسان‌هایی درآورد تا بتوانند این رسالت خود را انجام دهند .

این حقیقت را می‌توان از آیــه ۹ ســوره انعــام دریــافت آنجا که می‌گـوید :

« وَلَوْ جَعَلْناهُ مَلَکا لَجَعَلْناهُ رَجُلاً : اگر او (پیامبر) را فرشته‌ای قرار می‌دادیم حتما او را به صورت مردی جلوه‌گر می‌ساختیم» .

ملائکه و جنّ

آیـا جـنّ و ملـک یـک حقیقـت هستنـد و از یـک چیـز آفـریـده شـده‌انـد یا نه ؟ آیا شیطان از جنّ است یا از ملک ؟
جنّ و مـلائکـه بنـابر آنچـه از قـرآن استفـاده می‌شـود یک حقیقت نیستنـد و شیطـان ملـک نیست بـدیـن‌بیـان :
سیمای فرشتگان (۱۷۹)

۱ ـ در قرآن در مورد این که فرشتگان از چه چیز آفریـده شـده مطلب روشن و صریحی نیامـده ولی دوبار تصریح شده که جانّ از آتش به خصوصی آفریده شده که در سوره حجر آیه ۲۷ ـ سوره رحمن ، آیه ۱۵ آمده است و شیطان بارها گفته است « خَلَقْتَنی مِنْ نارٍ » .

۲ ـ راجع‌به‌ملائکه ابدا ذکر گناهی در قرآن نیست بلکه فقط « عِبادٌمُکْرَمُونَ (۱)، لایَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ‌وَهُمْ‌بِاَمْرِه یَعْمَلُونَ (۲)، یُسَبِّحُونَ‌اللَّیْلَ وَ النَّهارَ لایَفْتُرُونَ» (۳)

۱– آیه ۲۶ ـ ۲۷ / سوره انبیاء.

۲– آیه ۲۶ ـ ۲۷ / سوره انبیاء.

(۱۸۰) سیمای فرشتگان

و نظیر این‌ها آمده است ولی درباره جنّ ، گناه ، اطاعت ، شرک ، مرگ ، رفتن به جهنّم و غیره ذکر شده است .

۳ ـ ابلیس دارای ذریّه است چنـانچه فرمـوده : «وَ اِذْ قُلْنـا لِلْمَلائِکَهِ اسْـجُدُوا لا ِـآدَمَ فَسَـجَدُوا اِلاّ ـ اِبْلیسَ کـانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَـقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهِ‌اَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّیَّتَهُ اَوْلِیاءَ مِنْ دُونی وَ هُمْ لَکُمْ عَـدُوٌّ بِئْسَ لِلظّالِمینَ بَـدَلاً» (۱) : به یاد آوریـد زمانی را که به فرشـتگان گفتیم برای آدم سـجده کنید ، آنها همگی سـجده کردند ، جز ابلیس ، او از جنّ بود ، سـپس از فرمان پروردگار خارج شد ، آیا او و فرزندانش را به جـای من اولیـای خود انتخـاب می‌کنیـد در حالی که دشـمن شـما هسـتند؟ این‌ها چه جـانشیـن‌هـای بـدی بـرای ظـالمـان هستند» .

۱– آیه ۲۰ / سوره انبیــــــاء.

۲– آیه ۵۰ / سوره کهف.

سیمای فرشتگان (۱۸۱)

ولی راجع به ذرّیه ملائکه خبری در قرآن نیست .

۴ ـ شـیطان چنـانچه آیه فوق نشان می‌دهـد از جنّ بود که از امر خـدا بیرون رفت ولی در جایی تصریح نشـده که او از ملائکه بوده مگر استثنا در آیات سجده ملائکه .

۵ ـ در آیه فوق هست که « وَ هُمْ لَکُمْ عَـدُوٌّ » یعنی شـیطان و ذرّیه‌اش دشـمن بشـر هسـتند ، امـا چنانچه می‌دانیم ملائکه دوست بشر هستند و به آدم سجده کرده‌اند و بر آدمیان چنانچه گفته شد ، استغفار می‌کنند و شفاعت خواهند کرد .

۶ ـ درباره جنّ آمده :

« وَ لَقَـدْ ذَرَءْنــا لِجَهَنَّمَ کثیــرا مِـنَ الْجِـــنِّ وَ الْاِنْــسِ » (۱)

(۱۸۲) سیمای فرشتگان

«به طور مسلّم گروه بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریده‌ایم» .

« وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا رَبَّنا اَرِنَا الَّذینَ اَضَـلّانا مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ :(۱) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند : پروردگارا آن دو گمراهگری که از جنّ و انس ما را گمراه کردند به مـا نشـان ده» .

ولی اضلال و جهنّمی بـــودن دربــاره ملائکه در قرآن نیامده است .

۷ـ جنّ با انس دو موجود مکلّف زمین و دوش به دوش انسان در هدایت و ضلالت و غیره است در حالی‌که درباره ملک چنین چیزهایی سراغ نداریم .

۱– آیه ۵۰ / سوره کهف.

۲– آیه ۲۹ / سوره فصّلت.

سیمای فرشتگان (۱۸۳)

مَلَکْ در قرآن در آیه‌های زیر آمده است :

(۱۸۴) سیمای فرشتگان

مطالب بیان شده درباره فرشتگان در کلّ قرآن

درباره فرشتگان در سوره‌ها و آیه‌های زیر مطالبی بیان شده که با توجه به جمع و مفرد بودن و نوع آن‌ها ذکر شده است .

سوره آیه سوره آیه

اَنْعام ۸ اَعْراف ۲۰

اَنْعام ۹ هُــود ۱۲

اَنْعام ۵ هُــود ۳۱

نَجْـم ۲۶ اِسْـراء ۹۵

یُوسُف ۳۲ حاقَّـهٔ ۱۷

فَجْر ۲۲ فُرْقـان ۷

سیمای فرشتگان (۱۸۵)

مَلَکُ الْمَوْتِ (فرشته مرگ) : سجده ۱۱

رَقیــبٌ و عَتیـدٌ (فرشته) : ق ۱۸

السّائِقُ الشَّهیدُ (فرشته) : ق ۲۲

رُوحُ‌الْامین (فرشته وحی) : ق ۱۹۳

رُوحُ الْقُدُسِ (فرشته وحی) : بَقَرَه ۸۸ بَقَرَهٔ ۲۵۳

سوره آیه سوره آیه

آلِ عِمْران ۳۹ آلِ عِمْران ۴۲

آلِ‌عِمْران ۴۵ مائِـــدَهٔ ۱۱۰

نَحْـــل ۱۰۲ مَرْیَـــم ۱۷

مَرْیَـــم ۲۱ مَرْیَـــم ۲۴

(۱۸۶) سیمای فرشتگان

جَبْرَئیل (فرشته بزرگ) :

بَقَـــرَهٔ ۹۷ بَقَـــرَهٔ ۹۸

آلِ عِمْران ۳۹ آلِ عِمْـران ۴۵

سیمای فرشتگان (۱۸۷)

سوره آیه سوره آیه

تَحْریم ۴ تَکویر ۱۹

تَکویر ۲۰

اَلْمَلائِکهُ :

سوره آیه سوره آیه

بَقَـــرَهْ ۳۱ بَقَـــرَهْ ۳۲

بَقَـــرَهْ ۳۴ بَقَـــرَهْ ۱۶۲

بَقَـــرَهْ ۲۱۰ بَقَـــرَهْ ۲۴۸

آلِ عِمْران ۴۲ آلِ عَمْران ۱۸

(۱۸۸) سیمای فرشتگان

آلِ عِمْران ۴۵ آلِ عِمْران ۸۰

آلِ عِمْران ۱۲۴ آلِ عِمْران ۱۲۵

سیمای فرشتگان (۱۸۹)

سوره آیه سوره آیه

آلِ عِمْران ۸۷ بَقَـــرَهْ ۲۸۵

بَقَـــرَهْ ۱۷۷ بَقَـــرَهْ ۳۵

بَقَـــرَهْ ۹۷ نِســـاء ۱۷

نِســـاء ۹۷ نِســـاء ۱۶۶

نِســـاء ۱۳۶ حِجْـــر ۷

حِجْـــر ۲۸ حِجْـــر ۲۹

حِجْـــر ۸ حِجْـــر ۳۰

نَحْـــل ۳۳ نَحْـــل ۳۲

نَحْـــل ۲ نَحْـــل ۲۸

(۱۹۰) سیمای فرشتگان

سیمای فرشتگان (۱۹۱)

سوره آیه سوره آیه

نَحْـــل ۴۹ اَنْبیاء ۲۶

اَنْبیاء ۲۷ اَنْبیاء ۱۰۳

ص ۷۱ ص ۷۳

تحْریم ۴ تحْریم ۶

سَبَـــأ ۴۰ سَبَـــأ ۴۱

فــاطِر ۱ شوری ۵

مُؤْمِن ۷ مُؤْمِــن ۹

حَـجّ ۷۵ اَنْفـاْل ۹

اَنْفـال ۱۰ اَنْفــال ۱۲

(۱۹۲) سیمای فرشتگان

فُصِّلَت ۳۰ فُصِّلَت ۳۸

فُصِّلَت ۱۴ رَعْــد ۱۳

سیمای فرشتگان (۱۹۳)

سوره آیه سوره آیه

رَعْــد ۲۴ زُمَــر ۷۵

اَحْزاب ۴۳ اَحْزاب ۵۶

ذاریات ۴ مَرْیَــم ۶۴

فُرْقـان ۷ فُرْقـان ۲۵

فُرْقـان ۲۲ مُحَمَّـد ۲۷

اِسْـراء ۴۰ اِسْـراء ۹۲

اِسْـراء ۹۵ اِسْـراء ۶۱

اسراف ۱۱ اَعْـراف ۳۷

زُخْرُف ۱۹ زُخْـرُف ۶۰

(۱۹۴) سیمای فرشتگان

قَــدْر ۴ فَجْـــر ۲۲

نَجْــم ۲۷ نَجْــم ۲۶

سیمای فرشتگان (۱۹۵)

سوره آیه سوره آیه

اَنْعــام ۹۳ اَنْعـام ۱۱۱

اَنْعــام ۶۱ اَنْعـام ۱۵۸

صّافات ۱۵۰ صّافات ۱۶۹

صّافات ۲ و ۳ صّافات ۱۶۴

مؤمنون ۲۴ کَهْــف ۵۰

طـــه ۱۱۶ مُرْسَلات ۱

مُرْسَلات ۲۰ نازِعات ۱ـ۴

مَعـارِج ۴ اِنْفِطـار ۱۲

حاقَّــه ۱۷ نَبَــأ ۳۸

(۱۹۶) سیمای فرشتگان

سیمای فرشتگان (۱۹۷)

ـ اَلْمَلائِکَةُ الْحافظونَ : ۱۰ اِنفِطـــار

ـ اَلْمَلائِکَهُ السّابحاتِ : ۳ نـازِعـات

ـ اَلْمَلائِکَهُ السّـابقـاتِ : ۴ نـازِعـات

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْمُدَبِّـرات : ۵ نـازِعـات

ـ اَلْمَلائِکَهُ السَّفَــرهُ : ۱۵ عَبَــــسَ

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْکـاتِبـونَ : ۸۰ زُخْــرف

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْمُسَوِّمونَ : ۱۲۵ آل عِمْران

ـ اَلْمَلائِکَهُ المقرَّبـونَ : ۱۷۲ نِســـاء

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْمُرْدِفـونِ : ۹ انْفــــا ل

ـ اَلْمَلائِکَهُ المسبِّحونَ : ۱۶۶ صـافـات

(۱۹۸) سیمای فرشتگان

ـ اَلْمَلائِکَهُ المعقِّبـاتُ : ۱۱ رَعْــــد

ـ اَلْمَلائِکَهُ المقسِّمـاتَ : ۴ ذاریــات

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْمُنْـزَلـونَ : ۱۲۴ آل عِمْران

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْمُقْتَـرِنُونَ : ۵۳ زُخْــرف

ـ اَلْمَلائِکَهُ النّازِعـاتِ : ۱ نازِعـات

ـ اَلْمَلائِکَهُالنّاشِطـاتِ : ۲ نازِعـات

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْعـــادّینَ : ۱۱۳ مؤمنـون

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْکِـرامُ البَـرَرَهُ : ۱۶ عَبَــــسَ

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْغِلاظُ الشِّدادُ : ۶ تَحریم، ۱۸ عَلق

ـ اَلْمَلائِکَهُ الْکِرامُ الْکاتِبینَ : ۲۱ یُونُس ،۸۰ زُخْرف ۱۱ اِنفِطــار

سیمای فرشتگان (۱۹۹)

سیمای فرشتگان در نهج‌البلاغه

شگفتی خلقت فرشتگان و تسبیح فرشتگان و شناخت ملائکه

حضـرت علی علیه‌السلام می‌فرماید : ثُمَّ فَتَقَ ما بَیْنَ السَّماواتِ الْعُلا ، فَمَلاَءَهُنَّ اَطْوارا مِنْ مَلائِکَتِه ، مِنْهُمْ سُجُودٌ لا یَرْکَعُونَ وَ رُکُوعٌ لا یَنْتَصِبُونَ وَ صـافُّونَ لا یَتَزایَلُونَ وَ مُسَـبِّحُونَ لا یَسْأَمُونَ ، لا یَغْشاهُمْ نَوْمُ الْعُیُونِ وَ لا سَـهْوُ الْعُقُولِ وَ لا فَتْرَهُ الاْبْـدانِ وَ لا غَفْلَـهُ النِّسْـیانِ وَ مِنْهُمْ اُمَنـاءُ عَلی وَحْیِهِ وَ اَلْسِـنَهٌ اِلی رُسُـلِهِ وَ مُخْتَلِفُونَ بِقَضـائِهِ وَ اَمْرِهِ وَ مِنْهُمُ الْحَفَظَهُ لِعِبـادِهِ وَ السَّدَنَـهُ لِاَبْوابِ جِنانِهِ . وَ مِنْهُمُ الثّابِتَهُ فِی الاْرَضـینَ السُّفْلی اَقْدامَهُمْ الْمارِقَهُ مِنَ السَّماءِ الْعُلْیا اَعْناقُهُمْ وَ الْخارِجَهُ مِنَ الاْقْطارِ اَرْکانُهُمْ وَ الْمُناسِبَهُ لِقَوائِمِ الْعَرْشِ اَکْتافُهُمْ ناکِسَهٌ دُونَهُ اَبْصارُهُمْ مُتَلَفِّعُونَ تَحْتَهُ بِاَجْنِحَتِهِمْ ، مَضْرُوبَهٌ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ مَنْ دُونَهُمْ حُجُبُ

(۲۰۰) سیمای فرشتگان

العِزَّهِ وَ اَسْـتارُ الْقُدْرَهِ . لا یَتَوَهَّمُونَ رَبَّهُمْ بِالتَّصْویرِ وَ لا یُجْرُونَ عَلَیْهِ صِـفاتِ الْمَصْنُوعینَ وَ لا یَحُدُّونَهُ بِالاْماکِنِ وَ لا یُشیرُونَ اِلَیْهِ بِالنَّظائِرِ (۱).

سپس آسمان‌های بالا ـ را از هم گشود و از فرشتگان گوناگون پر نمود . گروهی از فرشتگان همواره در سجده هستند و رکوع ندارند و گروهی در رکوعند و یارای ایستادن ندارند و گروهی در صف‌هایی ایستاده‌اند که پراکنده نمی‌شوند و گروهی همواره تسبیح گویند و خسته نمی‌شوند و هیچ‌گاه خواب به چشمشان راه نمی‌یابد و عقل‌های آنان دچار اشتباه نمی‌گردد . بدن‌های آنان دچار سستی نشده و آنان دچار بی‌خبریِ برخاسته‌از فراموشی نمی‌شوند.

۱- خطبه ۱ نهج‌البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی).

سیمای فرشتگان (۲۰۱)

برخی از فرشتگان ، امینان وحی الهی و زبان گویای وحی پیامبران می‌باشند ، که پیوسته برای رساندن حکم و فرمان خدا در رفت و آمدند . جمعی از فرشتگان حافظان بندگان و جمعی دیگر دربانان بهشت خدایند . بعضی از آنها پاهایشان در طبقات پایین زمین قرار داشته و گردن‌هایشان از آسمان فراتر و ارکان وجودشان از اطراف جهان گذشته ، عرش الهی بر دوش‌هایشان استوار است ، برابر عرش خدا دیدگان به زیرافکنده و در زیر آن ، بال‌ها را به خود پیچیده‌اند . میان این دسته از فرشتگان با آنها که در مراتب پایین‌تری قرار دارند . حجاب عزّت و پرده‌های قدرت ، فاصله انداخته است . هرگز خدا را با وهم و خیال ، در شکل و صورتی نمی‌پندارند و صفات پدیده‌ها را بر او روا نمی‌دارند ؛ هرگز خدا را در جایی محدود نمی‌سازند و نه با همانند آوردن به

(۲۰۲) سیمای فرشتگان

او اشاره می‌کنند .

سیمای فرشتگان (۲۰۳)

ویژگی‌های فرشتگان ، اقسام فرشتگان ، تواضع فرشتگان ، صفات والای فرشتگان ، پاک بودن فرشتگان از رذایل اخلاقی ، فراوانی راز و نیاز ملائکه و روانشناسی ملائکه

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید : ثُمَّ خَلَقَ سُبْحانَهُ لِاسْکانِ سَمواتِه وَ عِمارَةِ الصَّفیحِ الاْءَعْلی مِنْ مَلَکُوتِه ، خَلْقا بَدیعا مِنْ مَلائِکَتِه وَ مَلاَءَ بِهِمْ فُرُوجَ فِجاجِها وَ حَشابِهِمْ فُتُوقَ اَجْوائِها وَ بَیْنَ فَجَواتِ تِلْکَ الْفُرُوجِ زَجَلُ الْمُسَبِّحینَ مِنْهُمْ فی حَظائِرِ الْقُدْسِ وَ سُتُراتِ الْحُجُبِ وَ سُرادِقاتِ الْمَجْدِ وَ وَراءَ ذلِکَ الرَّجیجِ الَّذی تَسْتَکُّ مِنْهُ الاْسْماعُ سُبُحاتُ نُورٍ تَرْدَعُ الاْبْصارَ عَنْ بُلُوغِها ، فَتَقِفُ خاسِئَةً عَلی حُدُودِها . وَ اَنْشَأَهُمْ عَلی صُوَرٍ مُخْتَلِفاتٍ وَ اَقْدارٍ مُتَفاوِتاتٍ ، تُسَبِّحُ جَلالَ عِزَّتِه . لا یَنْتَحِلُونَ ما ظَهَرَ فِی الْخَلْقِ مِنْ صُنْعِهِ وَ لا یَدَّعُونَ اَنَّهُمْ یَخْلُقُونَ شَیْئا مَعَهُ مِمَّا

(۲۰۴) سیمای فرشتگان

انْفَرَدَبِه. «بَلْ عِبادٌ مُکْرَمُونَ لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِاَمْرِه یَعْلَمُونَ»(۲۶/انبیاء) . جَعَلَهُمُ اللّهُ فیما هُنالِکَ اَهْلَ الاْمانَةِ عَلی وَحْیِه وَ حَمَّلَهُمْ اِلَی الْمُرْسَلینَ وَ دائِعَ اَمْرِهِ وَ نَهْیِهِ وَ عَصَمَهُمْ مِنْ رَیْبِ الشُّبُهاتِ ، فَما مِنْهُمْ زائِغٌ عَنْ سَبیلِ مَرْضاتِه . وَ اَمَدَّهُمْ بِفَوائِدِ الْمَعُونَةِ : وَ أَشْعَرَ قُلُوبَهُمْ تَواضُعَ اِخْباتِ السَّکینَةِ وَ فَتَحَ لَهُمْ اَبْوابا ذُلُلًا اِلی تَماجیدِهِ وَ نَصَبَ لَهُمْ مَنارا واضِحَةً عَلَی اَعْلامِ تَوْحیدِهِ ، لَمْ تُثْقِلْهُمْ مُوصِراتُ الْآثامِ وَ لَمْ تَرْتَحِلْهُمْ عُقَبُ اللَّیالی وَ الاْیّامِ وَ لَمْ تَرْمِ الشُّکُوکُ بِنَوازِعِها عَزیمَةَ ایمانِهِمْ وَ لَمْ تَعْتَرِکِ الظُّنُونُ عَلی مَعاقِدِ یَقینِهِمْ وَ لا قَدَحَتْ قادِحَةُ الاْءِحَنِ فیما بَیْنَهُمْ وَ لا سَلَبَتْهُمُ الْحَیْرَةُ مالاقَ مِنْ مَعْرِفَتِه بِضَمائِرِهِمْ وَ ما سَکَنَ مِنْ عَظَمَتِهِ وَ هَیْبَةِ جَلالَتِه فی اَثْناءِ صُدُورِهِمْ وَ لَمْ تَطْمَعْ فیهِمُ الْوَساوِسُ فَتَقْتَرِعَ بِرَیْنِها عَلی فِکْرِهِمْ .(۱)

سیمای فرشتگان (۲۰۵)

سپس خداوند سبحان برای سکونت بخشیدن در آسمان و آباد ساختن بالاترین قسمت از ملکوت خویش ، فرشتگانی شگفت آفرید و تمام شکاف‌ها و راه‌های گشاده آسمان‌ها را با فرشتگان پر کرد و فاصله جوّ آسمان را از آنها گستراند ، که هم‌اکنون صدای تسبیح آنها فضای آسمان‌ها را پر کرده : در بارگاه قدس ، درون پرده‌های حجاب و صحنه‌های مجد و عظمت پروردگار طنین‌انداز

است . در ماورای آنها زلزله‌هایی است که گوش‌ها را کرد می‌کند و شعاع‌های خیره کننده نور ، که چشم‌ها را از دیدن باز می‌دارد و ناچار خیره برجای خویش می‌ماند . خدا فرشتگان را در صورت‌های مختلف و اندازه‌های گوناگون آفرید و

۱- خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه (باترجمه مرحوم‌محمددشتی).

(۲۰۶) سیمای فرشتگان

بال و پرهایی برای آن‌ها قرار داد ، آنها که همواره در تسبیح جلال و عزّت پروردگار به سر می‌برند و چیزی از شگفتی‌های آفرینش پدیـده‌ها را به خود نسبت نمی‌دهنـد و در آنچه از آفرینش پدیده‌ها که خاص خداست ، ادّعایی ندارند : «بلکه بندگانی بزرگوارند که در سخن گفتن از او پیشی نمی‌گیرند و به فرمان الهی عمل می‌کنند» . خدا فرشتگان را امین وحی خود قرار داد و برای رساندن پیمان امر و نهی خود به پیامبران ، از آنها استفاده کرد و روانه زمین کرده ، آنها را از تردید شبهات مصونیّت بخشید ، که هیچ کدام از فرشـتگان از راه رضـای حق منحرف نمی‌گردنـد . آنها را از یاری خویش بهره‌منـد ساخت و دل‌هایشان را در پوشـش از تواضع و فروتنی و خشوع و آرامش درآورد . درهـای آسـمان را بر رویشان گشود تا خـدا را به بزرگی بسـتایند و برای آنها نشانه روشن قرار داد تا

سیمای فرشتگان (۲۰۷)

به توحیـد او بال گشایند . سـنگینی‌های گناهان هرگز آنها را در انجام وظیفه دلسـرد نساخت و گذشت شب و روز آن‌ها را به سوی مرگ سوق نـداد . تیرهای شک و تردیـد خلل در ایمانشان ایجاد نکرد و شک و گمان در پایگاه یقین آن‌ها راه نیافت و آتش کینه در دل‌هایشان شعله‌ور نگردید ، حیرت و سرگردانی آنها را از ایمانی که دارند و آنچه از هیبت و جلال خداوندی که در دل نهادند جدا نساخت و وسـوسـه‌هـای در آن‌هـا راه نیـافتـه ، تا شـک و تـردید بر آنها تسلّط یابد .

وَ مِنْهُمْ مَنْ هُوَ فی خَلْقِ الْغَمـام الـدُّلَّحِ وَ فی عَظْمِ الْجِبـالِ الشُّمَّخِ وَ فی قَتْرَهِْ الظَّلامِ الاَْیْهَمِ وَ مِنْهُمْ مَنْ قَـدْ خَرَقَتْ اَقْـدامُهُمْ تُخُومَ الاَْرْضِ السُّفْلی ، فَهِیَ کَرایاتٍ بِیضٍ قَدْ نَفَذَتْ فی مَخارِقِ الْهَواءِ وَ تَحْتَها ریحٌ هَفّافَهٌْ تَحْبِسُها عَلی حَیْثُ انْتَهَتْ مِـنَ الْحُـدُودِ الْمُتَناهِیَهِْ .

(۲۰۸) سیمای فرشتگان

گروهی از فرشـتگان در آفرینش ابرهـای پرآب و در آفرینش کوه‌هـای عظیم و سـربلند و خلقت ظلمت و تاریکی‌هـا نقش دارنـد و گروهی دیگر ؛ قدم‌هایشان تا ژرفـای زمیـن پـاییـن رفتـه و چونان پرچم‌های سـفیدی دل فضا را شـکافته‌اند و در زیر آن بادهایی است که به نرمی حرکت کرده و در مرزهای مشخصی نگاهش می‌دارد .

قَدِ اسْـتَفْرَغَتْهُمْ اَشْـغالُ عِبادَتِه وَ وَصَلَتْ حَقائِقُ الاْیمانِ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ مَعْرِفَتِه وَ قَطَعَهُمُ الاْیقانُ بِهِالَی الْوَلَهِ اِلَیْهِ وَ لَمْ تُجاوِزْ رَغَباتُهُمْ ما عِنْدَهُ اِلی ما عِنْدَ غَیْره . قَـدْ ذاقُوا حَلاوَهَْ مَعْرِفَتِهِ وَ شَـرِبُوا بِالْکَأْسِ الرَّوِیَّهِْ مِنْ مَحَبَّتِه وَ تَمَکَّنَتْ مِنْ سُوَیْداءِ قُلُوبِهِمْ وَشِـیجَهُْ خیفَتِه ، فَحَنُوا بِطُولِ الطّاعَهِْ اعْتِدالَ ظُهُورِهِمْ وَ لَمْ یُنْفِدْ طُولُ الرَّغْبَهِْ اِلَیْهِ مادَّهَْ تَضَرُّعِهِمْ . وَ لا اَطْلَقَ عَنْهُمْ عَظیمُ الزُّلْفَهِْ رِبَقَ خُشُوعِهِمْ وَ لَمْ

سیمای فرشتگان (۲۰۹)

یَتَوَلَّهُمُ الاْعْجابُ فَیَسْـتَکْثِرُوا ما سَـلَفَ مِنْهُمْ وَ لا تَرَکَتْ لَهُمُ اسْتِکانَهُْ الاْجْلالِ نَصیبا فی تَعْظیم حَسَناتِهِمْ . وَ لَمْ تَجْرِ الْفَتَراتُ فیهِمْ عَلی طُولِ دُؤُوبِهِمْ وَ لَمْ تَغْض رَغَبـاتُهُمْ فَیُخـالِفُوا عَنْ رَجـاءِ رَبِّهِمْ وَ لَمْ تَجِفَّ لِطُولِ الْمُناجـاهِْ اَسَـلاتُ اَلْسِـنَتِهِمْ وَ لا مَلَکَتْهُمُ الاْشْـغالُ فَتَنْقَطِعَ بِهَمْسِ الْجُؤارِ اِلَیْهِ اَصْواتُهُمْ وَ لَمْ تَخْتَلِفْ فی مَقاوِمِ الطّاعَـهِْ مَناکِبُهُمْ وَ لَمْ یَثْنُوا اِلی راحَـهِْ التَّقْصـیرِ فی اَمْرِه رِقابَهُمْ وَ لا تَعْدُو عَلی عَزیمَهِْ جِـدِّهِمْ بَلادَهُْ الْغَفَلاتِ وَ لا تَنْتَضِلُ فی هِمَمِهِمْ خَدائِعُ الشَّهَواتِ . قَدِ اتَّخَذُوا ذَاالْعَرْشِ ذَخیرَهًْ لِیَوْم فاقَتِهِمْ. وَ یَمَّمُوهُ عِنْدَ انْقِطاعِ الْخَلْقِ اِلَی الْمَخْلُوقینَ بِرَغْبَتِهِمْ. لا یَقْطَعُونَ اَمَدَ غایَهِْ عِبادَتِه وَ لا یَرْجِعُ بِهِمُ الاِْسْـتِهْتارُ بِلُزُوم طاعَتِه . اِلاّ اِلی مَوادَّ مِنْ قُلُوبِهِمْ غَیْرِ مُنْقَطِعَهٍْ مِنْ رَجائِه وَ مَخافَتِه ، لَمْ تَنْقَطِعْ اَسْبابُ الشَّفَقَهِْ مِنْهُمْ ، فَیَنُوا فی جِدِّهِمْ وَ لَمْ فَأْسِرْهُمُ الاْءَطْماعُ فَیُؤْثِرُوا

(۲۱۰) سیمای فرشتگان

وَشیکَ السَّعْی عَلَی اجْتِهادِهِمْ . لَمْ یَسْتَعْظِمُوا ما مَضی مِنْ اَعْمالِهِمْ وَ لَو اسْتَعْظَمُوا ذلِکَ لَنَسَخَ الرَّجاءُ مِنْهُمْ شَفَقاتِ وَجَلِهِمْ .
اشتغال به عبارت پروردگار «فرشتگان» را از دیگر کارها بازداشته و حقیقت ایمان میان آنها و معرفت حق ، پیوند لازم ایجاد کرد ، نعمت یقین آنها را شیدای حق گردانید که به غیرخدا هیچ علاقه‌ای ندارند . شیرینی معرفت خدا را چشیده و از جام محبّت پروردگار سیراب شدند . ترس و خوف الهی در ژرفای جان فرشتگان راه یافته و از فراوانی عبادت قامتشان خمیده و شوق و رعبت فراوان ، از گریه و زاری آنها نکاسته است . مقام والای فرشتگان ، از خشوع و فروتنی آنها کم نکرد و غرور و خودبینی دامنگیرشان نگردید ، تا اعمال نیکوی گذشته را شماره کنند و سهمی از بزرگی و بزرگواری برای خود تصوّر نمایند . گذشت
سیمای فرشتگان (۲۱۱)
زمان آنان را از انجام وظایف پیاپی نرنجانده و از شوق و رغبتشان نکاسته تا از پروردگار خویش ناامید گردند . از مناجات‌های طولانی ، خسته نشده و اشتغال به غیرخدا آن‌ها را تحت تسلط خود درنیاورده است و از فریاد استغاثه و زاری آنها فروکش نکرده و در مقام عبادت و نیایش دوش به دوش هم همواره ایستاده‌اند ، راحت‌طلبی آن‌ها را به کوتاهی در انجام دستوراتش وادار نساخته و کودنی و غفلت و فراموشی بر تلاش و کوشش و عزم راسخ فرشتگان راه نمی‌یابد و فریب‌های شهوت همّت‌های بلندشان را تیرباران نمی‌کند . فرشتگان ، ایمان به خدای صاحب عرش را ذخیره روز بی‌نوایی خود قرار داده و آن هنگام که خلق به غیرخدا روی می‌آورد آنها تنها متوجّه پروردگار خویشند ، هیچ‌گاه عبادت خدا را پایان نمی‌دهند و شوق و علاقه خود را از انجام اوامر الهی و اطاعت
(۲۱۲) سیمای فرشتگان
پروردگار سست نمی‌کنند ، آن‌چه آنان را شیفته اطاعت خدا کرده بذر محبّت است که در دل می‌پرورانند و هیچ‌گاه دل از بیم و امید او برنمی‌دارند . عوامل ترس آنها را از مسئولیت باز نمی‌دارد تا در انجام وظیفه سستی ورزند . طمع‌ها به آنان شبیخون نزده تا تلاش دنیا را بر کار آخرت مقدّم دارند ، اعمال گذشته خود را بزرگ نمی‌شمارند و اگر بزرگ بشمارند امیدوارند و امید فراوان نمی‌گذارد تا از پروردگار ترسی در دل داشته باشند .
وَ لَمْ یَخْتَلِفُوا فی رَبِّهِمْ بِاسْتِحْواذِ الشَّیْطانِ عَلَیْهِمْ . وَ لَمْ یُفَرِّقْهُمْ سُوءُ التَّقاطُعِ وَ لا تَوَلاّهُمْ غِلُّ التَّحاسُدِ وَ لا تَشَعَّبَتْهُمْ مَصارِفُ الرَّیْبِ . وَ لَا اقْتَسَمَتْهُمْ اَخْیافُ الْهِمَمِ . وفَهُمْ اُسَراءُ ایمانٍ لَمْ یَفُکَّهُمْ مِنْ رِبْقَتِهِ زَیْغٌ وَ لا عُدُولٌ وَ لا فُتُورٌ . وَ لَیْسَ فی اَطْباقِ السَّماءِ مَوْضِعُ اِهابٍ اِلاّ وَ عَلَیْهِ مَلَکٌ ساجِدٌ ، اَوْ ساعٍ حافِدٌ ،
سیمای فرشتگان (۲۱۳)
یَزْدادُونَ عَلی طُولِ الطّاعَةِ بِرَبِّهِمْ عِلْما وَ تَزْدادُ عِزَّةُ رَبِّهِمْ فی قُلُوبِهِمْ عِظَما .
فرشتگان درباره پروردگار خویش به جهت وسوسه‌های شیطانی اختلاف نکرده‌اند و برخوردهای بد با هم نداشته و راه جدایی نگیرند . کینه‌ها و حسادت‌ها در دل‌هایشان راه نداشته و عوامل شک و تردید و خواهش‌های نفسانی ؛ آنها را از هم جدا نساخته و افکار گوناگون آنان را به تفرقه نکشانده است .
فرشتگان بندگان ایمانند و طوق بندگی به گردن افکنده و هیچ‌گاه با شک و تردید و سستی ، آنرا بر زمین نمی‌گذارند، در تمام آسمان‌ها جای پوستین خالی نمی‌توان یافت مگر آنکه فرشته‌ای به سجده افتاده ، یا در کار و تلاش است . اطاعت فراوان آنها بر یقین و معرفتشان نسبت به پروردگار می‌افزاید و عزّت خداوند عظمت او را در قلبشان بیشتر می‌نماید .
(۲۱۴) سیمای فرشتگان
فرشته‌شناسی، وصف فرشتگان، حضور ملائکه‌در همه‌جا، ویژگی‌های ملائکه
حضرت‌علی علیه‌السلام می‌فرماید:مِنْ مَلائِکَةٍاَسْکَنْتَهُمْ سَماواتِکَ وَرَفَعْتَهُمْ عَنْ اَرْضِکَ. هُمْ اَعْلَمُ خَلْقِکَ بِکَ وَ اَخْوَفُهُمْ لَکَ وَ اَقْرَبُهُمْ مِنْکَ

. لَمْ یَسْکُنُوا الاْصْلابَ وَ لَمْ یُضَمَّنُوا الاْرْحامَ وَ لَمْ یُخْلَقُوا « مِنْ ماءٍ مَهین » وَ لَمْ یَتَشَعَّبْهُمْ « رَیْبُ الْمَنُونِ » وَ اِنَّهُمْ عَلی مَکانِهِمْ مِنْکَ وَ مَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَکَ وَ اسْتِجْماعِ اَهْوائِهِمْ فیکَ وَ کَثْرَةِ طاعَتِهِمْ لَکَ وَ قِلَّةِ غَفْلَتِهِمْ عَنْ اَمْرِکَ،لَوْعایَنُوا کُنْهَ ماخَفِیَ عَلَیْهِمْ مِنْکَ لَحَقَّرُوا اَعْمالَهُمْ وَ لَزَرَوْا عَلی اَنْفُسِهِمْ وَ لَعَرَفُوا اَنَّهُمْ لَمْ یَعْبُدُوکَ حَقَّ عِبادَتِکَ وَ لَمْ یُطیعُوکَ حَقَّ طاعَتِکَ .(۱)

شگفت آوراست آفرینش فرشتگان تو که گروهی از آن‌ها رادر آسمان‌ها سکونت

۱- خطبه ۱۰۹ نهج‌البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی) .

سیمای فرشتگان (۲۱۵)

دادی‌واززمین‌بالابرده‌ای. آنهاازهمه‌آفریدگان‌نسبت به‌توآگاه‌ترندوبیشتراز همه نسبت به تو بیمناکند و به تو نزدیک‌ترند ، فرشتگانی که در پشت پدران قرار نگرفته‌ودررحم‌مادران پرورش نیافته‌اند و از آبی پست خلق نشده‌اند و ناراحتی و مشکلات زندگی آنان را پراکنده نساخته . آنها با مقام و مرتبتی که دارند و از ارزشی که درنزدتوبرخوردارندوآن‌گونه که توراد‌وست‌دارند،فراوان تو را اطاعت می‌کنند که‌اندک غفلتی در فرمان تو ندارند . اگر آنچه بر آنان پوشیده است بدانند ، همه کارهای‌خودراکوچک‌وناچیزمی‌شمرندوبرخویش ایراد می‌گیرند و می‌دانند آن‌گونه که‌باید، توراعبادت‌نکرده‌اندوآن‌چنان که‌سزاوارتوست‌فرمانبردارنبودند .

عجز انسان از درک فرشتگان (فرشته مرگ)

هَلْ تُحِسُّ بِهِ اِذا دَخَلَ مَنْزِلاً؟ اَمْهَلْ تَراهُ اِذا تَوَفّی اَحَدا ؟ بَلْ کَیْفَ یَتَوَفَّی الْجَنینَ

(۲۱۶) سیمای فرشتگان

فی بَطْنِ اُمِّهِ ! اَیَلِجُ عَلَیْهِ مِنْ بَعْضِ جَوارِحِها اَمِ الرُّوحُ اَجابَتْهُ بِاِذْنِ رَبِّها ؟ اَمْ هُوَ ساکِنٌ مَعَهُ فی اَحْشائِها؟ کَیْفَ یَصِفُ اِلهَهُ مَنْ یَعْجَزُ عَنْ صِفَةِ مَخْلُوقٍ مِثْلِهِ؟(۱)

آیا هنگامی که فرشته مرگ به خانه‌ای درآمد ، از آمدن او آگاه می‌شوی ؟ آیا هنگامی که یکی را قبض روح می‌کند او را می‌بینی ؟ بچّه را چگونه در شکم مادر می‌میراند ؟ آیا از راه اندام مادر وارد می‌شود ؟ یا روح به اجازه خداوند به سوی او می‌آید ؟ یا همراه کودک در شکم مادر به سر می‌برد ؟ آن کس که آفریده‌ای چون خود را نتواند وصف کند ، چگونه می‌تواند خدای خویش را وصف نماید ؟

درباره ملائکه ثبت‌کننده اعمال انسان

۱- خطبه ۱۱۲ نهج البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی) .

سیمای فرشتگان (۲۱۷)

اِعْلَمُوا ، عِبادَ اللّهِ ، اَنَّ عَلَیْکُم رَصَدا مِنْ اَنْفُسِکُم وَ عُیُونا مِنْ جَوارِحِکُم وَ حُفّاظَ صِدْقٍ یَحْفَظُونَ اَعْمالَکُم وَ عَدَدَ اَنْفاسِکُم ، لا تَسْتُرُکُم مِنْهُم ظُلْمَةُ لَیْلٍ داجٍ وَ لا یُکِنُّکُم مِنْهُم بابٌ ذُو رِتاجٍ .(۱)

بدانید ، ای بندگان خدا که از شما نگهبانانی بر شما گماشته‌اند و دیدبان‌هایی از پیکرتان برگزیده و حافظان راستگویی که اعمال شما را حفظ می‌کنند و شماره نفس‌های شما را می‌شمارند ، نه تاریکی شب شما را از آنان می‌پوشاند و نه دری محکم شما را از آنها پنهان می‌سازد .

درباره ملائکه و ثبت اعمال بشر

۱- خطبه ۱۵۷ نهج البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی) .

(۲۱۸) سیمای فرشتگان

فَاتَّقُوا اللّهَ الَّذی اَنْتُمْ بِعَیْنِهِ وَ نَواصیکُمْ بِیَدِه وَ تَقَلُّبُکُمْ فی قَبْضَتِه . انْ اَسْرَرْتُمْ عَلِمَهُ وَ انْ اَعْلَنْتُمْ کَتَبَهُ : قَدْ وَکَّلَ بِذلِکَ حَفَظَةً کِراما ، لا یُسْقِطُونَ حَقّا وَ لا یُثْبِتُونَ باطِلاً وَ اعْلَمُوا « اَنَّهُ مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجا » (۱).

پس بترسید از خدایی که در پیشگاه او حاضرید و اختیار شما در دست او است و همه حالات و حرکات شما را زیر نظر دارد . اگر چیزی را پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار کردید ثبت می کند ، برای ثبت اعمال فرشتگان بزرگواری گمارده که نه حقّ را فراموش و نه باطلی را ثبت می کنند و بدانید «آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه‌ها نجات می‌یابد» .(۲)

۱- ۲ / طلاق .

سیمای فرشتگان (۲۱۹)

دربـــاره فـــرشتگـــان محـــافـــظ در زندگی انسان

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید : اِنَّ مَعَ کُلِّ اِنْسانٍ مَلَکَیْنِ یَحْفِظانِه ، فَاِذا جاءَ الْقَدْرُ خَلَّیا بَیْنَهُ وَ بَیْنَهُ وَ اِنَّ الاَجَلَ جُنَّةٌ حَصینَةٌ (۱).

با هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ می کنند و چون تقدیر الهی فرا رسد ، تنهایش می گذارند ، که همانا زمان عمر انسان ، سپری نگهدارنده است .

۱- خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی) .

۲- حکمت ۲۰۱ نهج‌البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی) .

(۲۲۰) سیمای فرشتگان

فهرست منابع و مآخذ

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری .

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۵ ، ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری .

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۷ ص ، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری .

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۰ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب

(۲۲۱)

الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۱ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۳ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۴ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۵ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه ، آیت اللّه مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۷ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب

(۲۲۲)

الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۸ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۱۹ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، ناصر ، تفسیر قرآن، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۲۰ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۲۱ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۲۲ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، ناصر ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب

(۲۲۳)

الاسلامیه، ۱۳۷۰ ه ش ، جلد ۲۲ ص، چاپ نوزدهم، تیراژ ۵۰۰۰، وزیری.

فرهنگ‌موضوعی‌قرآن،خرمشاهی،بهاءالدین، تهران، الهدی، ۱۳۶۹ ه ش ، ۴۱۹ ص ، چاپ دوّم ، تیراژ ۵۰۰۰ ، وزیری .

نهج‌البلاغه، مرحوم‌دشتی ، محمّد ، مشهد ، آستان قدس رضوی ، ۱۳۸۱ ه ش ، ۹۶۰ ص ، چاپ اول ، تیراژ ۵۰۰۰ ، وزیری .

قاموس قرآن ، آیت اللّه قرشی ، سیّد علی اکبر ، تهران ، دارالکتب اسلامیه ، ۱۳۷۸ ه ش ، ۷۲۰ ص ، چاپ هشتم ، تیراژ ۳۰۰۰ ، وزیری .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیّه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد۵ ، ۴۵۰ ص ، چاپ اول ، تیراژ ۵۰۰۰ ، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب

(۲۲۴)

الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۷، ۴۵۱ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰ ، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۱۰ ، ۴۰۹ ص ، چاپ اول ، تیراژ ۵۰۰۰ ، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۱۱ ، ۳۷۴ ص ، چاپ اوّل ،

تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۱۳ ، ۳۹۹ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۱۵ ، ۳۸۹ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب

(۲۲۵)

الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۱۷ ، ۳۶۶ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۱۸ ، ۳۴۵ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۱۹ ، ۳۹۲ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۲۰ ، ۳۹۶ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۲۱ ، ۳۸۴ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمّد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب

(۲۲۶)

الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ه ش ، جلد ۲۲ ، ۳۸۷ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، جیبی .

تفسیر بیان ، دکتر بیستونی، محمّد، تفسیر قرآن، تهران ، انتشارات فراهانی ، ۱۳۸۱ ه ش ، جلد ۱ ، ۴۶۴ ص ، چاپ اوّل ، تیراژ ۵۰۰۰، پالتویی .

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».